



مرکز تحقیقات اسلامی

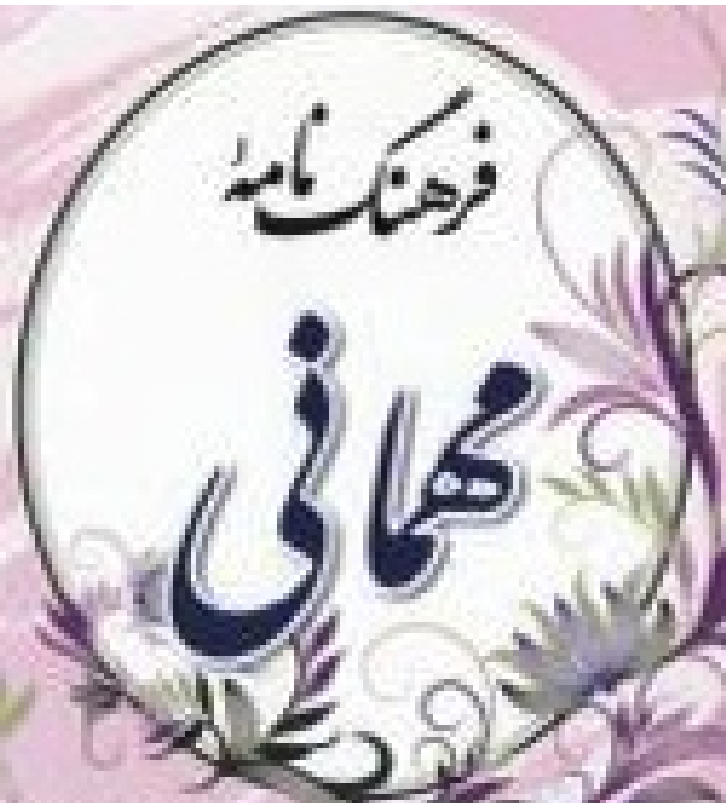
اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



مجموعه‌ای شری

فارسی - عربی

ترجمه  
میدفایشنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگ نامه مهمانی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۵  | فهرست                                   |
| ۹  | فرهنگ نامه مهمانی                       |
| ۹  | مشخصات کتاب                             |
| ۹  | اشاره                                   |
| ۱۵ | پیش گفتار                               |
| ۱۹ | درآمد                                   |
| ۱۹ | واژه شناسی «ضیافت (مهمانی)»             |
| ۲۰ | مهمان نوازی در اسلام                    |
| ۲۱ | تصحیح و توسعه فرهنگ ضیافت               |
| ۲۱ | یک . آداب میزبان                        |
| ۲۱ | اشاره                                   |
| ۲۲ | ۱ . تکریم مهمان                         |
| ۲۳ | ۲ . پرهیز میزبان از رفتارهای غیر اخلاقی |
| ۲۴ | دو . آداب مهمان                         |
| ۲۴ | اشاره                                   |
| ۲۵ | ۱ . تکریم میزبان                        |
| ۲۶ | ۲ . پرهیز از ایجاد زحمت                 |
| ۲۷ | ۳ . پرهیز از حضور در مهمانی های نکوهیده |
| ۳۱ | فصل یکم : تشویق به مهمان نوازی          |
| ۳۱ | ۱ / ۱ ارزش مهمان نوازی                  |
| ۳۹ | ۱ / ۲ روزی مهمان ، همراه اوست           |
| ۴۱ | ۱ / ۳ برکت های مهمان داری               |
| ۴۱ | الف گشایشِ روزی                         |

|    |  |
|----|--|
| ۴۱ | ب آموزش گناهان                                     |
| ۴۵ | ج رهایی از آتش دوزخ                                |
| ۴۵ | د بهشت   |
| ۴۷ | ۴ / ۱ مواردی که مهمانی دادن برای آنها سفارش شده    |
| ۵۳ | ۵ / ۱ نکوهش خودداری از مهمان نوازی                 |
| ۵۷ | فصل دوم : آنچه شایسته میزبان است                   |
| ۵۷ | ۱ / ۲ انگیزه نیکو                                  |
| ۵۷ | ۲ / ۲ گرامیداشت مهمان                              |
| ۶۳ | ۳ / ۲ خوش رویی و ابراز محبت                        |
| ۶۵ | ۴ / ۲ مقدم داشتن مهمان                             |
| ۶۷ | ۵ / ۲ خدمت به مهمان                                |
| ۷۱ | ۶ / ۲ در اختیار نهادن آنچه مهمان نیاز دارد         |
| ۷۱ | ۷ / ۲ پذیرایی کردن با بهترین چیزی که دارد          |
| ۷۵ | ۸ / ۲ پذیرایی شایسته                               |
| ۷۷ | ۹ / ۲ فرمانبری                                     |
| ۷۷ | ۱۰ / ۲ کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده         |
| ۷۹ | ۱۱ / ۲ زودتر شروع کردن غذا و دیرتر دست کشیدن از آن |
| ۸۱ | نکته   |
| ۸۳ | ۱۲ / ۲ صرف غذا به همراه مهمان                      |
| ۸۵ | ۱۳ / ۲ تعارف کردن مهمان به خوردن                   |
| ۹۱ | ۱۴ / ۲ بدرقه کردن مهمان تا در خانه                 |
| ۹۳ | فصل سوم : آنچه شایسته میزبان نیست                  |
| ۹۳ | ۱ / ۳ خودنمایی و شهرت طلبی                         |
| ۹۵ | ۲ / ۳ ناقابل شمردن امکانات پذیرایی                 |

- ۳ / ۳ تشریفاتِ مشقت بار ..... ۹۷
- ۴ / ۳ تعارفِ دروغین ..... ۹۹
- ۵ / ۳ به کار گرفتن مهمان ..... ۱۰۱
- ۶ / ۳ روزه گرفتن ، بدون اجازه مهمان ..... ۱۰۳
- ۷ / ۳ کمک کردن در رفتن مهمان ..... ۱۰۳
- فصل چهارم : آنچه شایسته مهمان است ..... ۱۰۷
- ۱ / ۴ پذیرش دعوت مؤمن ..... ۱۰۷
- ۲ / ۴ رعایت اولویت ها در پذیرش دعوت به مهمانی ..... ۱۱۵
- ۳ / ۴ کندی ورزیدن در پذیرفتن مهمانی های غفلت زا ..... ۱۱۵
- ۴ / ۴ مقدم داشتن دعوتی که یادآورِ آخرت است ..... ۱۱۵
- نکته ..... ۱۱۷
- ۵ / ۴ شرط کردنِ پرهیز از تکلف (تشریفات) ..... ۱۱۹
- ۶ / ۴ اجازه گرفتن برای ورود به خانه میزبان ..... ۱۲۱
- ۷ / ۴ سلام کردن هنگام ورود به خانه ..... ۱۲۳
- ۸ / ۴ نشستن در جایی که میزبان پیشنهاد می کند ..... ۱۲۳
- ۹ / ۴ احترام پذیری ..... ۱۲۵
- ۱۰ / ۴ گشودن روزه مستحبتی ..... ۱۲۵
- ۱۱ / ۴ خوب خوردن ..... ۱۲۷
- ۱۲ / ۴ اقتدا کردن به صاحب خانه در نماز ..... ۱۲۹
- نکته ..... ۱۳۱
- ۱۳ / ۴ دعا کردن برای میزبان ..... ۱۳۱
- ۱۴ / ۴ ترک کردن مهمانی پس از صرف غذا ..... ۱۳۵
- نکته ..... ۱۳۷
- ۱۵ / ۴ پاسداری از کرامت خود با رعایت مدّت اقامت ..... ۱۳۷

|     |   |
|-----|---|
| ۱۴۲ | سخنی در باره به زحمت افتادن برای پذیرایی از مهمان |
| ۱۴۵ | فصل پنجم : آنچه شایسته مهمان نیست                 |
| ۱۴۵ | ۱ / ۵ شرکت کردن بدون دعوت در مهمانی دیگران        |
| ۱۴۷ | نکته  |
| ۱۴۷ | ۲ / ۵ حضور در مهمانی ویژه ثروتمندان               |
| ۱۵۱ | ۳ / ۵ حضور در مهمانی برپاشده با انگیزه همچشمی     |
| ۱۵۱ | ۴ / ۵ پذیرش مهمانی اهل ساز و آواز                 |
| ۱۵۳ | ۵ / ۵ پذیرش مهمانیِ مشرک ، منافق و فاسق           |
| ۱۵۳ | ۶ / ۵ واداشتن میزبان به تکلف و تشریفات            |
| ۱۵۵ | ۷ / ۵ دیگری را همراه بردن                         |
| ۱۵۷ | ۸ / ۵ روزه مستحیی گرفتن ، مگر با اجازه میزبان     |
| ۱۵۹ | ۹ / ۵ ناچیز شمردن امکانات میزبان                  |
| ۱۶۱ | ۱۰ / ۵ پرس و جو در باره حلال بودن غذا             |
| ۱۶۳ | فهرست منابع و مآخذ                                |
| ۱۸۱ | درباره مرکز                                       |



**فرهنگ نامه مهمانی****مشخصات کتاب**

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه مهمانی / محمدی ری شهری ؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۲۲۱.

شابک : ۱۶۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۵۴۸-۰

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۵-۱۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : آداب معاشرت اسلامی -- احادیث

موضوع : آداب معاشرت اسلامی -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم

رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ : ۴۴آ/ م ۳۴ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۵۵۷۹۳

ص: ۱

**اشاره**











ص: ۷

## پیش گفتار

پیش گفتار فرهنگ نامه، کتابی است که در آن، دانش، فرهنگ (۱) و حکمت باشد و فرهنگ نامه مهمانی، قطره‌ای از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مدخلی (۲) دیگر از دانش نامه قرآن و حدیث است که به صورت مستقل، منتشر می‌شود. در این دانش نامه، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث، کاربرد فرهنگی گسترده‌ای دارند، به ترتیب الفبایی، با نظم نوین و با ذکر نمونه کاربردها (شواهد)، معناشناسی و تحلیل و تبیین می‌گردند. در لابه لای این دانش نامه، برخی مدخل‌ها، از کاربرد فرهنگی ویژه و بسامد استفاده بالایی برخوردارند. بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه‌های خاصی از آنان، به صورت شبانه روزی و گسترده، با آنها، سر و کار دارند. از این رو، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومی جوامع

۱- فرهنگ: علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (ر. ک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن).

۲- در دانش نامه‌ها، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله‌ای) در ذیل خود دارد، «سرواژه» یا «مدخل» می‌گویند. به مجموع سرواژه و توضیح، بر روی هم، نیز «مدخل» گفته می‌شود (ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن).

ص: ۸

اسلامی، ضروری است معارف مربوط به این گونه واژه‌ها و اصطلاحات، به صورت «کتاب همراه» و «کتاب راه نما»، در اختیار همگان قرار گیرد. با این نگاه، مداخل‌هایی از این دست که گفتیم، به صورت کتاب‌هایی مستقل و در اندازه‌هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرند. گفتنی است که در این سلسله آثار، برای آنچه مربوط به رفتار یا احوال خاص است (مانند: ادب، اذان، شادی و آرزو)، نام «فرهنگ نامه» و برای آنچه مربوط به گروه‌های اجتماعی (مانند: کارگران، بسیجیان، جوانان و کودکان) می‌شود و یا آموزه‌های حکیمانه پیشوایان بزرگ اسلام یا حکمای بزرگ الهی (چون لقمان حکیم) را ارائه می‌نماید، نام «حکمت نامه» را برگزیدیم. فرهنگ نامه مهمانی، هفتمین کتاب (۱) از مجموعه فرهنگ نامه‌هایی است که با هدف تصحیح و تقویت فرهنگ ارزش‌های رفتاری، در دست تدوین‌اند. این فرهنگ نامه، برای نخستین بار، رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را درباره ارزش فرهنگ مهمان‌نوازی و آداب‌ی که رعایت آن بر مهمان و میزبان ضروری است، به صورتی نسبتاً جامع و با نظمی نوین ارائه می‌نماید. شایان ذکر است که متون این مجموعه، با همکاری محققان «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» گردآوری و توسط این جانب، تنظیم گردیده است.

---

۱- تاکنون، فرهنگ نامه‌های: ادب، اذان، آرزو، مسجد، بصیرت، و امنیت ملی، منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌اند.



ص: ۹

از آن بزرگواران و دیگر همکارانی که در ساماندهی نهایی این اثر سهیم هستند، بویژه فاضل ارجمند، جناب آقای مرتضی خوش نصیب، صمیمانه سپاس گزارم و از خداوند مَنَّان برای آنان پاداشی در خور فضل و کرامتش، مسئلت دارم. رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. محمّدی ری شهری شانزدهم اردی بهشت ماه ۱۳۸۹ بیست و یکم جمادی الأولى ۱۴۳۱

ص: ۱۰

..

ص: ۱۱

## درآمد

## واژه‌شناسی «ضیافت (مهمانی)»

درآمدواژه‌شناسی «ضیافت (مهمانی)» واژه «ضیافت»، از ریشه «ضیف» است و در اصل، دلالت بر انحراف و تمایل و نزدیک شدن چیزی به چیز دیگر دارد. ابن فارس در این باره آورده: ضا و یا و فا، یک اصل صحیح است که دلالت بر تمایل چیزی به چیزی دارد. گفته می‌شود: أضفت الشيء إلى الشيء؛ یعنی چیزی را به دیگری متمایل کردم. (۱) راغب نیز در مفردات، همین معنا را تأیید می‌کند: اصل ضیف، رو کردن و تمایل است. گفته می‌شود: به فلان چیز رو کردم، یا فلان چیز را به فلان چیز متمایل کردم. خورشید به سمت غروب کردن، متمایل شد. (۲) از آن جا که معمولاً میزبان، با رو کردن و تمایل به مهمان، از او پذیرایی می‌کند، این گونه گردهمایی، مهمانی نامیده می‌شود. (۳)

۱- معجم مقاییس اللغة: ج ۳ ص ۳۸۱.

۲- مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۰۰.

۳- مهمانی: گردهمایی خانوادگی یا دوستانه‌ای که معمولاً شخصی به عنوان میزبان، عهده دار پذیرایی است (فرهنگ بزرگ سخن).

## مهمان نوازی در اسلام

مهمان نوازی در اسلامضیافت ، مهمانداری و مهمان نوازی ، دست و دل باز بودن و سفره ای گشوده داشتن ، نشانه جوان مردی و یکی از برجسته ترین ارزش های انسانی و مکارم اخلاقی است . اسلام که دین تکامل ارزش های اخلاقی است نیز اهتمام ویژه ای به این خصلت والای انسانی دارد و پیشوایان این آیین آسمانی ، با تعبیرهای گوناگون و تَبَّه آفرین ، مسلمانان را به آن ، توصیه و تشویق کرده اند . از نظر روایات اسلامی ، مهمان نوازی ، یکی از برترین مکارم اخلاقی است که در آن ، مهمان ، نه تنها روزی خود را می آورد (۱) و از روزی انسان نمی کاهد ، بلکه بر آن نیز می افزاید . مهمانی اگر با قصد قربت انجام شود ، در کنار دیگر عوامل خوش بختی ، نقش مؤثری در رهایی از سختی های قیامت و ورود به بهشت جاوید دارد . برعکس ، خودداری از پذیرفتن مهمان ، نشانه قساوت قلب انسان ، و کوچ کردن خیر و برکت از خانه ای است که در آن زندگی می کند . گفتنی است که هر چند مهمان نوازی به طور مطلق در اسلام پسندیده است ، با این حال ، در مواردی ، توصیه و تأکید بیشتری بدان شده است ، مانند : ازدواج ، تولد نوزاد ، عقیقه برای فرزند ، ختنه کردن پسر ، تهیه خانه جدید ، و بویژه بازگشت از سفر حج .

---

۱- در ضرب المثل های فارسی نیز آمده : «مهمان خودیم ، لیک در خانه تو» ؛ «مهمان ، روزی خود را می آورد» ؛ «رزق خویش به دست تو می خورد» (امثال وحکم ، دهخدا : ج ۴ ص ۱۷۶۴) .

## تصحیح و توسعه فرهنگ ضیافت

## یک . آداب میزبان

## اشاره

با تأمل در این موارد و سایر مواردی که اطعام دیگران ، مورد تأکید قرار گرفته ، می توان دریافت که در همه مواردی که خداوند متعال ، نعمت خاصی را به انسان ارزانی داشته و یا بلایی را از او دفع کرده و یا اطعام دیگران آثار و برکات بیشتری دارد (مانند افطاری دادن در ماه رمضان ، و یا مراسم عزاداری سید الشهداء امام حسین علیه السلام ) ، مهمانی ، از فضیلت بیشتری برخوردار است .

تصحیح و توسعه فرهنگ ضیافت در روایات اسلامی ، افزون بر تشویق و تأکید فراوان بر فرهنگ مهمان نوازی ، رهنمودهای بسیار ارزنده ای در جهت تصحیح و تقویت این فرهنگ ارائه شده است که می توان آن ها را به دو دسته تقسیم کرد :

یک . آداب میزبان در فصل دوم و سوم این کتاب ، از آداب متعددی سخن گفته که مربوط به میزبان است . دسته نخست از این آداب ، مواردی را شامل می شود که شایسته است میزبان به آنها عمل کند . این آداب ، عبارت اند از : ۱ . گرمی داشت مهمان؛ ۲ . خوش رویی و ابراز محبت؛ ۳ . مقدم داشتن مهمان؛ ۴ . خدمت به مهمان؛ ۵ . در اختیار نهادن آنچه مهمان نیاز دارد؛ ۶ . پذیرایی کردن با بهترین چیزی که دارد؛ ۷ . نیکو پذیرایی کردن؛ ۸ . فرمانبری؛

ص: ۱۴

**۱. تکریم مهمان**

۹. کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده؛ ۱۰. زودتر شروع کردن غذا و دیرتر دست کشیدن از آن؛ ۱۱. صرف غذا با مهمان؛ ۱۲. تعارف کردن مهمان به خوردن؛ ۱۳. بدرقه کردن مهمان تا در خانه. دسته دوم، شامل مواردی است که میزبان، با ترک آنها ادب خود را به اثبات می‌رساند. این موارد که در فصل سوم آورده شده، عبارت‌اند از: ۱. خودنمایی و شهرت‌طلبی؛ ۲. ناقابل شمردن امکانات پذیرایی؛ ۳. تشریفات مشقت‌بار؛ ۴. تعارف دروغین؛ ۵. به کارگرفتن مهمان؛ ۶. روزه گرفتن، بدون اجازه مهمان؛ ۷. کمک کردن در رفتن مهمان. گفتنی است که همه این آداب، در حقیقت، به دو اصل اساسی باز می‌گردند:

۱. تکریم مهمانی‌تر آدابی که بدان اشاره شد، در واقع، جلوه‌های تکریم مهمان و احترام نسبت به اوست. این اصل، تا آن‌جا از نظر پیشوایان اسلام اهمیت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام می‌فرماید:

## ۲. پرهیز میزبان از رفتارهای غیر اخلاقی

أَكْرَمِ الضَّيْفِ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا. (۱) مهمان را گرچه کافر باشد، گرامی بدار. شایان ذکر است که در میان همه اموری که گرامی داشت مهمان شمرده شده، خوش رویی و ابراز مهر و محبت نسبت به مهمان، جایگاه ویژه ای دارد. در واقع، بدون رعایت این اصل، همه تلاش های میزبان برای گرامی داشت مهمان، بی ثمر خواهد بود. لذا در روایتی از امام علی علیه السلام آمده: وَجَهٌ مُسْتَبِشِرٌ خَيْرٌ مِنْ قَطُوبٍ مُؤَثِّرٍ. (۲) چهره گشاده، از ترش روی ایثارکننده، بهتر است. این سخن، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود که به مراتب از مهمانی، ارزشمندتر است، اگر با خوش رویی همراه نباشد، ارزشی ندارد، چه رسد به مهمانی.

۲. پرهیز میزبان از رفتارهای غیر اخلاقیهر چند احترام کردن و بزرگداشت مهمان، کاری بسیار شایسته است، با این حال، باید دانست همه اموری که از نظر برخی، گرامیداشت مهمان محسوب می شوند، در اسلام پسندیده نیستند؛ بلکه از نظر اسلام، تکریم مهمان در محدوده ارزش های اخلاقی، مطلوب است. برای مثال، تلاش هایی که گاه در تهیه امکانات پذیرایی بهتر، با انگیزه خودنمایی و شهرت طلبی صورت می گیرد، از آن رو که کاری غیر اخلاقی است، از نظر اسلام به شدت نکوهیده

۱- ر. ک: ح ۶۶.

۲- غرر الحکم: ج ۶ ص ۲۲۶ ح ۹۰۰۸۴، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۰۴ ح ۹۲۵۱، دانش نامه میزان الحکمه: ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۵۶.

ص: ۱۶

## دو . آداب مهمان

## اشاره

است . نکته بسیار مهمی که یادآوری آن ضروری است ، این که آداب میزبانی ، منحصر به مواردی نیست که در روایات اسلامی بدانها اشاره شده است؛ بلکه به طور کلی ، همه اقداماتی که در میان اقوام مختلف برای تکریم مهمان مرسوم است ، در صورتی که از چارچوب ارزش های اخلاقی و شرعی ، پا را فراتر نهد ، مورد تأیید و تأکید اسلام است .

دو . آداب مهماندر فصل چهارم و پنجم این کتاب ، آداب متعدّد دیگری بیان شده که مربوط به مهمان است . این آداب نیز به دو دسته تقسیم می شوند . دسته نخست ، اموری هستند که سزاوار است مهمان ، آنها را انجام دهد که عبارت اند از: ۱ . پذیرش دعوت مؤمن؛ ۲ . رعایت اولویّت ها در پذیرش دعوت به مهمانی؛ ۳ . کُندی ورزیدن در پذیرفتن مهمانی های غفلت زا؛ ۴ . مقدّم داشتن دعوتی که یادآور آخرت است؛ ۵ . شرط کردنِ پرهیز از تکلف و تشریفات؛ ۶ . اجازه گرفتن برای ورود به خانه میزبان؛ ۷ . سلام کردن هنگام ورود به خانه؛ ۸ . نشستن در جایی که میزبان پیشنهاد می کند؛ ۹ . احترام پذیری؛ ۱۰ . گشودن روزه مستحبی؛ ۱۱ . خوب خوردن؛



ص: ۱۷

**۱. تکریم میزبان**

۱۲. اقتدا به صاحب خانه در نماز؛ ۱۳. دعا کردن برای میزبان؛ ۱۴. ترک کردن مهمانی پس از صرف غذا؛ ۱۵. پاسداری از کرامت خود با رعایت مدّت اقامت. دسته دوم، اموری هستند که مهمان باید از انجام دادن آنها سر باز زند و ترک آنها نشانه ادب مهمان است که عبارت اند از: ۱. شرکت کردن بدون دعوت در مهمانی دیگران؛ ۲. حضور در مهمانی ویژه ثروتمندان؛ ۳. حضور در مهمانی برپاشده با انگیزه همچشمی؛ ۴. پذیرش مهمانی اهل ساز و آواز؛ ۵. پذیرش مهمانی مشرک، منافق و فاسق؛ ۶. واداشتن میزبان به تکلف و تشریفات؛ ۷. دیگری را همراه خود به مهمانی بردن؛ ۸. روزه مستحبی گرفتن، مگر با اجازه میزبان؛ ۹. ناچیز شمردن امکانات میزبان؛ ۱۰. پرس و جو در باره حلال بودن غذا. با دقت در موارد یاد شده، به روشنی معلوم می شود که همه این آداب، در واقع، به سه اصل زیربنایی زیر بازگشت می نمایند:

۱. تکریم میزبان رعایت حقوق دو جانبه مهمان و میزبان، ایجاب می نماید که مهمان نیز متقابلاً صاحب خانه را تکریم نماید. بخشی از آداب مورد اشاره، در واقع،

## ۲. پرهیز از ایجاد زحمت

گرامی داشت میزبان محسوب می شوند ، مانند : پذیرفتن دعوت او ، سلام کردن هنگام ورود و دعا کردن برای صاحب خانه و ... .

۲. پرهیز از ایجاد زحمت حکمت تأکید اسلام بر مهمان نوازی ، نزدیک کردن هر چه بیشتر دل ها و حاکم ساختن صفا و صمیمیت در جامعه است . از آن جا که پذیرایی از مهمان ، در صورتی که با زحمت همراه باشد ، با این حکمت منافات دارد ، بخشی از رهنمودهایی که در روایات اسلامی برای مهمانی ارائه شده ، جهت پیشگیری از مزاحمت است ، مانند : وادار نکردن میزبان به تشریفات ، بلکه پرهیز دادن وی از تکلف و انجام تشریفات ، بدون دعوت به مهمانی نرفتن و اجتناب از توقف طولانی و ملال آور در منزل میزبان . به طور کلی می توان گفت که مهمان باید شرایط خاص و موقعیت های ویژه میزبان خود را در نظر بگیرد و از هر چیزی که موجب دردسر گردد، دوری نماید . چه بسا موقعیت میزبان و گاه فرصت او ایجاب می کند که پس از صرف غذا ، خداحافظی کند ، چنان که قرآن کریم در مورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مسلمانان توصیه می فرماید که پس از صرف غذا با او خداحافظی کنند و به گفتگو ننشینند . (۱) گاه لازم است که مهمان پس از صرف غذا ، مدتی توقف کند ؛ ولی باید توجه داشته باشد که توقف بلند مدت ، ملال آور است و کرامت و عزت مهمان را سلب می نماید . میهمان ، سخت عزیز است ، ولی همچو نفسخفقان آرد اگر آید و بیرون نرود . (۲) در هر حال ، چنان که در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده ، حداکثر مهمانی ، سه روز است . در مثل های فارسی هم آمده که : «مهمان ، تا سه روز عزیز است» . (۳) من این جا دیر ماندم ، خوار گشتم عزیز از ماندن دائم شود خوار چو آب اندر شَمَر، (۴) بسیار ماندشود طعمش بد از آرام بسیار. (۵)

۱- ر . ک : احزاب : آیه ۵۳ .

۲- امثال و حکم ، دهخدا : ج ۴ ص ۱۷۶۴ (ذیل واژه «مهمان») .

۳- همان : ص ۱۷۶۳ «مهمان» .

۴- شَمَر : حوض ؛ حوض کوچک و تالاب (لغت نامه دهخدا ، ج ۹ ص ۱۲۷۵۳) .

۵- امثال و حکم ، دهخدا : ج ۴ ص ۱۷۶۳ .

**۳. پرهیز از حضور در مهمانی های نکوهیده**

۳. پرهیز از حضور در مهمانی های نکوهیده سومین اصل اساسی که رعایت آن برای مهمان لازم است ، پرهیز از پذیرش دعوت به مهمانی های نکوهیده و ضد ارزشی است ، مانند: مهمانی کسانی که انحراف اعتقادی و یا اخلاقی دارند ؛ زیرا معاشرت با آنها انسان را در معرض ابتلا به انحرافات آنان قرار می دهد . یا مهمانی کسانی که اهل لهو و لعب و ساز و آواز و برپایی مجالس گناه اند و یا مهمانی هایی که با انگیزه رقابت ، همچشمی ، خودنمایی و فخرفروشی برگزار می شود ؛ چرا که چنین اخلاق ناپسندی ، موجب دشمنی ، و آفت خطرناک آسایش و آرامش زندگی است . از همین قبیل است مهمانی هایی که ویژه ثروتمندان است ؛ زیرا این گونه

ص: ۲۰

نشست ها ، نمونه بارز امتیازات طبقاتی ، و نقطه مقابل آموزه های اسلام است که ملاک برتری انسان ها را تقوا و ارزش های اخلاقی و عملی می داند ، نه ثروت و قدرت و موقعیت های سیاسی و اجتماعی . در تکمیل این مبحث ، نکته دیگری نیز شایان توجه است که شرکت در برخی مهمانی ها به خودی خود ، نکوهیده نیست ؛ لیکن گاه شرایطی پیش می آید که موجب نکوهیده شدن آن می گردد . مثلاً در برخی از روایات ، آمده که اگر دو تن از همسایگان ، هم زمان ، همسایه دیگری را به مهمانی دعوت کردند ، پذیرش دعوت همسایه ای که نزدیک تر است ، اولویت دارد ؛ اما اگر دعوت آنها هم زمان نباشد، دعوت کسی که زودتر پیشنهاد داده ، مقدم است . همچنین در برخی روایات آمده که اگر هم زمان ، به مهمانی و مراسم تشییع جنازه ، دعوت شدید ، اولویت ، رفتن به مراسم تشییع جنازه است ؛ زیرا شرکت در این مراسم ، بیشتر یاد جهان پس از مرگ را در دل ها زنده می کند . پیداست در چنین مواردی ، شرکت کردن در مهمانی ای که فاقد اولویت است ، کار شایسته ای محسوب نمی شود . با در نظر گرفتن مواردی که بدان اشاره شد ، می توان به این نتیجه رسید که از نظر اسلام ، به طور کلی ، شرکت در مهمانی هایی که موجب آلودگی های اعتقادی ، اخلاقی و عملی است ، و یا با کار مهم تری در تعارض است پسندیده نیست و مورد نکوهش واقع شده است . لذا شخص مؤمن نباید این گونه دعوت ها را بپذیرد . البته باید توجه داشت که شرکت در مهمانی های آلوده به گناه ، گناه محسوب می شود ؛ ولی شرکت در مهمانی ای که در تعارض با کاری مهم تر

ص: ۲۱

است ، هر چند نکوهیده شمرده شده ، ولی گناه نیست. آخرین سخن این که برپایه آموزه هایی که از این پس خواهد آمد ، در پذیرفتن دعوت به عروسی ها و دیگر مهمانی هایی که به دلیل چشمگیر بودن نمودهای دنیاگرایی ، زمینه غفلت زدگی در آنها فراهم است ، نباید شتاب کرد ؛ بلکه سزاوار است تا با کندی و درنگ ، چنین دعوت هایی مورد پذیرش قرار گیرد تا از یک سو انسان ، کمتر گرفتار غفلت گردد و از سوی دیگر ، از آفات احتمالی این گونه مجالس ، در امان ماند . اما در اجابت دعوت برای شرکت در مجالسی که بر دانش و معرفت و معنویت انسان می افزاید و یادآور خدا و آخرت است باید شتاب نمود و از برکات آنها هر چه بیشتر بهره بُرد .

ص: ۲۲

الفصل الأول: الحثُّ عَلَى الضَّيْفَةِ ۱ / اَقِيْمَةُ الضَّيْفَةِ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ - لَا يُضَيَّفُ الضَّيْفَ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ ، وَمِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قِرَاءُ (۱) الضَّيْفِ . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله : لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ ، وَزَكَاةُ الدَّارِ بَيْتُ الضَّيْفَةِ . (۳)

عنه صلى الله عليه و آله وَقَدْ جِيءَ إِلَيْهِ بِالسَّائِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ : يَا سَائِبُ ! أَنْظِرْ أَخْلَاقَكَ الَّتِي كُنْتَ تَصْنَعُهَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَاجْعَلْهَا فِي الْإِسْلَامِ ؛ أَقْرِ الضَّيْفَ ، وَأَكْرِمِ الْيَتِيمَ ، وَأَحْسِنِ إِلَى جَارِكَ . (۴)

۱- قَرِيْتُ الضَّيْفِ قَرِيٌّ وَقِرَاءٌ : أَحْسَنْتُ إِلَيْهِ . وَإِذَا كَسَرْتَ الْقَافَ قَصَرْتَ وَإِذَا فَتَحْتَ مَدَدْتَ (الصحاح : ج ۶ ص ۲۴۶۱ «قرا»).

۲- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۶ ح ۳۴۰ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۴۱ ح ۱۹۷۳۰ .

۳- تاریخ دمشق : ج ۴۷ ص ۳۴۴ ح ۱۰۲۴۷ عن أنس ، كنز العمال : ج ۱۵ ص ۳۹۰ ح ۴۱۵۰۴ نقلاً عن الرافعي عن ثابت .

۴- مسند ابن حنبل : ج ۵ ص ۲۸۱ ح ۱۵۵۰۰ ، أسد الغابه : ج ۲ ص ۳۹۵ كلاهما عن السائب بن عبد الله ، كنز العمال : ج ۱۵ ص ۸۵۴ ح ۴۳۳۹۶ .

**فصل یکم : تشویق به مهمان نوازی****۱ / ۱ ارزش مهمان نوازی**

فصل یکم : تشویق به مهمان نوازی ۱ / ۱ ارزش مهمان نوازی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از مهمان پذیرایی نمی کند ، مگر آن که مؤمن است . مهمان نوازی ، از مکارم اخلاق است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر چیزی زکاتی دارد ، و زکات خانه ، اتاق مهمانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به سائب بن عبد الله ، وقتی او را در روز فتح مکه ، نزد ایشان آوردند : ای سائب! بنگر که در دوران جاهلیت ، چه اخلاقی [پسندیده] داشته ای ، در اسلام نیز آنها را به کار بیند : مهمان نواز باش ؛ یتیم را گرامی بدار ؛ و به همسایه ات نیکی کن .

ص: ۲۴

عنه صلى الله عليه و آله لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ : أَقِمِ الصَّلَاةَ ... وَأَقْرِ الضَّيْفَ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ ، وَقَرَى الضَّيْفَ ، وَأَعْطَى فِي النَّائِبَةِ (۲) ، فَقَدْ وَقِيَ مِنَ الشُّحِّ . (۳)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ إِقْرَاءَ الضَّيْفِ . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله : لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا ... وَقَرُّوا الضَّيْفَ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا فِي النَّاسِ ... مِثْلُ رَجُلٍ ... يَقْرَى ضَيْفَهُ ، وَيُؤَدِّي حَقَّهُ .

تاریخ دمشق عن أبي الأحوص عن أبيه قال : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَرَرْتُ بِرَجُلٍ فَلَمْ يُضَيِّفْنِي ، وَلَمْ يَقْرِنِي ، ثُمَّ مَرَّ بِي ، فَأَجْزِيهِ أَمْ أَقْرِيهِ ؟ قَالَ : بَلْ أَقْرِهِ . (۶)

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِقَبْرِ يُحْفَرُ ، وَقَدِ انْتَبَهَرَ (۷) الَّذِي يَحْفَرُهُ . فَقَالَ لَهُ : لِمَنْ تَحْفَرُ هَذَا الْقَبْرَ ؟ فَقَالَ : لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ . فَقَالَ : وَمَا لِلْأَرْضِ تَشَدُّدٌ عَلَيْكَ ؟ إِنْ كَانَ مَا عَلِمْتُ لَسِيْ هَلًا ، حَسَنَ الْخُلُقِ ! فَلَانَتْ الْأَرْضُ عَلَيْهِ ، حَتَّى كَانَ لِيَحْفَرُهَا بِكَفْيِهِ . ثُمَّ قَالَ : لَقَدْ كَانَ يُحِبُّ إِقْرَاءَ الضَّيْفِ ؛ وَلَا يَقْرَى الضَّيْفَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ تَقِيٌّ . (۸)

- ۱- المستدرک علی الصحیحین : ج ۴ ص ۱۷۶ ح ۷۲۷۶ عن عبد الله بن عباس ، صحیح ابن حبان : ج ۱۳ ص ۱۹۷ ح ۵۸۸۲ ، موارد الظمان : ص ۲۹۲ ح ۱۲۰۲ كلاهما عن السلمی عن أبيه ، كنز العمال : ج ۱۵ ص ۹۱۵ ح ۴۳۵۷۸ .
- ۲- النائبة : ما ينوب الإنسان ، أى ما ينزل به من المهمات والحوادث (النهاية : ج ۵ ص ۱۲۳ «نوب»).
- ۳- مستدرک الوسائل : ج ۷ ص ۳۲ ح ۷۵۷۰ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب ، المعجم الكبير : ج ۴ ص ۱۸۸ ح ۴۰۹۷ ، أسد الغابه : ج ۲ ص ۱۲۱ كلاهما عن خالد بن يزيد وليس فيهما ذيله .
- ۴- الجعفریات : ص ۱۵۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۶ ح ۳۴۰ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۴۱ ح ۱۹۷۲۹ .
- ۵- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ۲ ص ۲۹ ح ۲۵ عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص ۶۴۷ ح ۱۳۴۰ عن محمد بن صدقه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ۶۹ ص ۴۰۵ ح ۱۱۰ .
- ۶- تاريخ دمشق : ج ۵۴ ص ۶۷ ح ۶۶۰۳ ، تاريخ بغداد : ج ۱ ص ۲۶۳ ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۷۵ ح ۲۵۹۹۷ .
- ۷- البهْرُ : ما يعترى الإنسان عند السعى الشديد والعدو ، من التَّهْيِجِ وتَتَابُعِ النَّفْسِ (النهاية : ج ۱ ص ۱۶۵ «بهر»).
- ۸- قرب الإسناد : ص ۷۴ ح ۲۴۰ عن مسعده بن صدقه ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۸ ح ۴ .



ص: ۲۵

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عبد الله بن عباس : نماز را به پا دار... و مهمان را گرامی مدار !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس زکات بدهد و از مهمان پذیرایی کند و در گرفتاری ها ببخشد ، از بخل ، در امان مانده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از جمله مکارم اخلاق، مهمان نوازی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امت من همواره در خیر و خوبی اند تا زمانی که یکدیگر را دوست بدانند... و مهمان نواز باشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در میان مردم... همانند مردی که ... مهمانش را گرامی می دارد و حقوقش را می پردازد، وجود ندارد.

تاریخ دمشق به نقل از ابو الأحوص ، از پدرش : [به پیامبر صلی الله علیه و آله ] گفت : ای پیامبر خدا ! بر مردی می گذرم و او مرا مهمان نمی کند و از من پذیرایی نمی نماید . سپس او بر من می گذرد . آیا مقابله به مثل کنم یا از او پذیرایی نمایم؟ فرمود: « از او پذیرایی کن » .

امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر گوری گذر کرد که شخص گورکن ، نفس نفس زنان مشغول حفر کردن آن بود . به او فرمود : « این گور را برای که می کنی؟ » . گفت : برای فلان ، پسر فلان . حضرت فرمود : « چرا کندن زمین بر تو سختی می نماید؟ تا جایی که من می دانم، اگر او نرم دل و خوش اخلاق بود، هر آینه ، زمین برایش نرم می شد تا جایی که با دستانش آن را می کند » . سپس فرمود : « او مهمانداری را دوست داشت . مهماندار نیست مگر مؤمن پرهیزگار » .

ص: ۲۶

الإمام علی علیه السلام: من أفضل المكارم تحمّل المغارم (۱)، وإقراء الضیوف (۲).

عنه علیه السلام: المرؤءة بثّ المعروف، وقرى الضیوف (۳).

عنه علیه السلام: فعل المعروف، وإغائه الملهوف، وإقراء الضیوف، آله السیاده (۴).

عنه علیه السلام: الضیافه رأس المرؤءة (۵).

عنه علیه السلام: حُبب إلى الصوم بالصیف، وقرى الضیف، وَالضَّرْبُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ (۶).

عنه علیه السلام من كلام له بالبصره، وقد دخل على العلاء بن زياد الحارثي يعودُهُ، فلما رأى سبحة داره قال: ما كنت تصنع بسبحة هذه الدار في الدنيا، وأنت إليها في الآخرة كنت أحوج؟ بلى، إن شئت بلغت بها الآخرة؛ تقرأ فيها الضیف، وتصل فيها الرّحم، وتطلع منها الحقوق مطالعها، فإذا أنت قد بلغت بها الآخرة (۷).

۱- المغمرم كالمغموم، وهو اللّدين، ويريد به ما استدين فيما يكرهه الله، أو فيما يجوز ثم عجز عن أدائه (النهاية: ج ۳ ص ۳۶۲ «غرم»)

۲- غرر الحكم: ج ۶ ص ۲۹ ح ۹۳۵۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۶۹ ح ۸۵۴۹.

۳- غرر الحكم: ج ۲ ص ۱۵۶ ح ۲۱۷۱.

۴- غرر الحكم: ج ۴ ص ۴۳۰ ح ۶۵۸۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۵۸ ح ۶۰۵۳ وفيه «زين» بدل «آله».

۵- غرر الحكم: ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۵۲۸.

۶- مستدرک الوسائل: ج ۷ ص ۵۰۵ ح ۸۷۵۸ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

۷- نهج البلاغه: الخطبه ۲۰۹، الدعوات: ص ۲۳۰ ح ۶۳۸، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۱۱۸ ح ۸.

ص: ۲۷

امام علی علیه السلام: از برترین مکارم اخلاق، به دوش گرفتن تاوان‌ها و بدهکاری‌ها [ی دیگران] است و گرامی داشتن مهمانان.

امام علی علیه السلام: جوان مردی، عبارت است از: پراکندن نیکی، و گرامی داشتن مهمان.

امام علی علیه السلام: نیکی کردن، فریادرسی ستم‌دیده، و مهمان‌داری، ابزارهای مهتری‌اند.

امام علی علیه السلام: مهمان‌داری، سرمنشأ جوان مردی است.

امام علی علیه السلام: روزه گرفتن در تابستان، پذیرایی از مهمان، و شمشیر زدن در راه خداوند، مورد علاقه من‌اند.

امام علی علیه السلام بخشی از گفتار ایشان در بصره، آن‌گاه که به عیادت علاء بن زیاد حارثی رفت و چشمش به خانه گسترده او افتاد: این خانه فراخ در دنیا به چه کار تو می‌آید، وقتی در آخرت به چنین خانه‌ای محتاج تری؟ آری، اگر بخواهی می‌توانی به وسیله این خانه، به آخرت دست یابی، در آن مهمان‌داری کنی، به خویشاوندانت رسیدگی نمایی و حقوق آنها را پردازی. در این صورت، به وسیله این خانه، به آخرت دست یافته‌ای.

إرشاد القلوب: قیل: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكَى يَوْمًا، فَسَأَلُوهُ عَنِ سَبَبِ بُكَائِهِ، فَقَالَ: مَضَتْ لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ لَمْ يَأْتِنَا ضَيْفٌ. (۱)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبَا أَضْيَافٍ، فَكَانَ إِذَا لَمْ يَكُونُوا عِنْدَهُ خَرَجَ يَطْلُبُهُمْ، وَأَعْلَقَ بَابَهُ وَأَخَذَ الْمَفَاتِيحَ يَطْلُبُ الْأَضْيَافَ. (۲)

عنه عليه السلام: قَرَى الضَّيْفِ مِنَ الشُّنَّةِ. (۳)

الكافي عن الحسين بن عطية عن الإمام الصادق عليه السلام: الْمَكَارِمُ عَشْرٌ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ، فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي وُلْدِهِ، وَتَكُونُ فِي الْوَالِدِ وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ. قِيلَ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: صِدْقُ الْيَأْسِ (۴)، وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصَلَةُ الرَّجِمِ، وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ ... (۵)

الإمام الصادق عليه السلام إِمْدَادُ بِنِ سِرْحَانَ: يَا دَاوُدُ، إِنَّ خِصَالَ الْمَكَارِمِ بَعْضُهَا مُقَيَّدٌ بِبَعْضٍ، يَقْبِسُهُمُ اللَّهُ حَيْثُ يَشَاءُ، تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي ابْنِهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي سَيِّدِهِ: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَصِدْقُ النَّاسِ (۶)، وَإِعْطَاءُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ بِالصَّنَائِعِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصَلَةُ الرَّجِمِ، وَالتَّوَدُّدُ إِلَى الْجَارِ وَالصَّاحِبِ، وَقَرَى الضَّيْفِ وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ. (۷)

۱- إرشاد القلوب: ص ۱۳۶.

۲- الكافي: ج ۴ ص ۴۰ ح ۶ عن زيد الشحام، مشكاة الأنوار: ص ۴۰۶ ح ۱۳۵۱، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۳ ح ۴۰.

۳- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۴۸۹ ح ۱۷۴۴، تحف العقول: ص ۳۳۷ نحوه، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۳۹۵ ح ۱۵۷۰۷.

۴- اليأس بالياء المثناه كما في بعض نسخ الكتاب ومجالس الشيخ وغيره. وفي بعض النسخ «البأس» بالباء الموحده (هامش المصدر)

۵- الكافي: ج ۲ ص ۵۵ ح ۱، الأمالى للمفيد: ص ۲۲۶ ح ۴، الخصال: ص ۴۳۱ ح ۱۱، الأمالى للطوسى: ص ۱۰ ح ۱۲ كلاهما عن الحسن بن عطية، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۳۶۷ ح ۱۷.

۶- كذا في المصدر، وفي بحار الأنوار: «البأس».

۷- الأمالى للطوسى: ص ۳۰۱ ح ۵۹۷ عن أبي قتاده، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۳۷۵ ح ۲۳.

إرشاد القلوب: می گویند: روزی امیر مؤمنان علیه السلام گریه کرد . سبب گریه اش را از او پرسیدند . فرمود : « هفت روز است که مهمانی بر ما وارد نشده است » .

امام صادق علیه السلام : ابراهیم علیه السلام بسیار مهمان نواز بود ، به گونه ای که اگر یک روز مهمانی نزدش نبود ، در جستجوی مهمان ، بیرون می رفت و در خانه اش را می بست و کلیدها را بر می داشت تا این که مهمان می جست .  
امام صادق علیه السلام : مهمان‌داری ، از سنت است .

الکافی به نقل از حسین بن عطیه ، از امام صادق علیه السلام : مکارم اخلاق ، ده تاست . پس اگر توانستی آنها را در خود داشته باشی ، چنان باش؛ زیرا این خصلت ها ، گاه در شخصی هستند و در فرزند او نیستند، و گاه در فرزند هستند و در پدرش نیستند، و گاه در برده هستند و در آزاد نیستند. گفته شد : آنها چیستند ؟ فرمود: « راستیِ نومیدی [و قطع طمع و امید از آنچه مردم دارند] ، راستیِ زبان ، امانتداری ، صله رحم ، مهمان نوازی... » .

امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان : ای داوود ! مکارم اخلاق ، به یکدیگر پیوسته اند . خداوند ، آنها را هر جا که بخواهد ، قسمت می کند. ممکن است در مرد باشند و در فرزندش نباشند، در برده باشند و در مولایش نباشند [که این خصلت های نیک ، عبارت اند از]: راستی در گفتار، راستی با مردم، (۱) عطا کردن به سائل، تلافی کردن نیکی ها، امانتداری، به جا آوردن صله رحم، نیکی کردن به همسایه و دوست، مهمان نوازی، و بالاترین آنها حیا .

---

۱- در مأخذ ، این گونه آمده است ؛ اَمَّا در بحار الأنوار به جای «الناس» ، «البأس» آمده و «صدق البأس» ، به معنای شجاعت و دلاوری است.

ص: ۳۰

۱ / ۲ رِزْقُ الضَّيْفِ مَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ ضَيْفٍ حَلَّ بِقَوْمٍ ، إِلَّا وَرِزْقُهُ فِي حِجْرِهِ . (۱)

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّمَا تَنْزِلُ الْمَعُونَةُ عَلَى الْقَوْمِ عَلَى قَدْرِ مَوْتِنَتِهِمْ ، وَإِنَّ الضَّيْفَ لَيَنْزِلُ بِالْقَوْمِ فَيَنْزِلُ رِزْقُهُ مَعَهُ فِي حِجْرِهِ . (۲)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الضَّيْفَ إِذَا جَاءَ فَتَزَلَّ بِالْقَوْمِ جَاءَ بِرِزْقِهِ مَعَهُ مِنَ السَّمَاءِ ، فَإِذَا أَكَلَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ بِتُزْوَلِهِ عَلَيْهِمْ . (۳)

عنه صلى الله عليه وآله: الضَّيْفُ عَلَى بَابِ الْقَوْمِ بِرِزْقِهِ ، فَإِذَا ارْتَحَلَ ارْتَحَلَ بِجَمِيعِ ذُنُوبِهِمْ . (۴)

راجع: ص ۳۲ (برکات الضیافه / غفران الذنوب) .

۱- .الكافی: ج ۶ ص ۲۸۴ ح ۳ عن السكونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، قرب الإسناد: ص ۷۵ ح ۲۴۲ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، وفيه «معهم» بدل «في حجره» ، الجعفریات: ص ۱۵۳ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۹ ح ۵ .

۲- .الكافی: ج ۶ ص ۲۸۴ ح ۲ عن موسى بن بكر .

۳- .الكافی: ج ۶ ص ۲۸۴ ح ۱ عن سليمان بن حفص البصری عن الإمام الصادق علیه السلام .

۴- .الجعفریات: ص ۱۵۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۶۱ ح ۱۷ نقلاً عن الإمامه والتبصره عن السكونی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله .

ص: ۳۱

**۱ / ۲ روزی مهمان ، همراه اوست**

۱ / ۲ روزی مهمان ، همراه اوست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مهمانی بر قومی وارد نمی شود ، مگر آن که روزی اش در دامن او باشد.

امام کاظم علیه السلام :همانا کمک [خداوند] بر قومی ، به اندازه خرجشان نازل می شود، و مهمان ، هرگاه بر قومی فرود آید ، روزی اش نیز با او در دامنش فرود می آید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه برای قومی مهمان بیاید ، روزی اش را نیز با خود از آسمان می آورد ، و هرگاه [ آن مهمان ] غذا بخورد ، خداوند ، با فرود آمدن او بر آنان، گناهانشان را می آمرزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان ، با روزی اش بر قوم وارد می شود، و چون برود ، با همه گناهان آنها می رود.

ر . ک : ص ۳۳ (برکت های مهمان داری / آمرزش گناهان) .

ص: ٣٢

١ / ٣ بَرَكَاتُ الضِّيَافَةِ سَعَهُ الرَّزْقُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرَّزْقُ أُسْرِعَ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ ، مِنْ السَّكِينِ فِي السَّنَامِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :الْخَيْرُ أُسْرِعَ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُطْعَمُ فِيهِ الطَّعَامُ ، مِنْ الشَّفَرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ . (٢)

بِ غُفْرَانِ الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا مِنْ ضَيْفٍ يَحُلُّ بِقَوْمٍ إِلَّا وَرِزْقُهُ فِي حِجْرِهِ ، فَإِذَا نَزَلَ ، نَزَلَ بِرِزْقِهِ ، فَإِذَا ارْتَحَلَ ارْتَحَلَ بِذُنُوبِهِمْ . (٣)

كنز العمال عن أبي قرصافه : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَهْدَى لَهُ هَدِيَّةً . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ ؟ قَالَ : ضَيْفٌ يَنْزِلُ بِهِ بِرِزْقِهِ ، وَيَرْحَلُ وَقَدْ غُفِرَ لِأَهْلِ الْمَنْزِلِ . (٤)

- ١- .الكافي : ج ٤ ص ٥١ ح ١٠ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، المحاسن : ج ٢ ص ١٤٧ ح ١٣٨٨ عن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الدعوات : ص ١٥٠ ح ٣٩٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٦٢ ح ١٧ .
- ٢- .المحاسن : ج ٢ ص ١٤٧ ح ١٣٨٩ عن الإمام الصادق عليه السلام ، تاريخ يعقوبى : ج ٢ ص ١٠٤ وفيه «يعشى» بدل «يطعم فيه الطعام» ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٦٢ ح ١٨ ؛ سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١١١٤ ح ٣٣٥٧ عن ابن عباس وفيه «يؤكل فيه» بدل «يطعم فيه الطعام» و ح ٣٣٥٦ ، المعجم الأوسط : ج ٣ ص ٢٨٨ ح ٣١٧٤ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٩٩ ح ٩٦٢٤ كلّها عن أنس وفيها «يغشى» بدل «يطعم فيه الطعام» ، الإخوان : ص ٢٢٨ ح ٢٠٠ عن الحسن ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٤٤ ح ٢٥٨٤٧ .
- ٣- .دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٠٦ ح ٣٣٩ .
- ٤- .كنز العمال : ج ٩ ص ٢٦٧ ح ٢٥٩٧٤ ، نقلاً عن أبي نعيم ؛ جامع الأخبار : ص ٣٧٨ ح ١٠٥٧ نحوه ، مستدرک الوسائل : ج ١٦ ص ٢٥٨ ح ١٩٧٩٢ .



ص: ۳۳

**۱ / ۳ برکت های مهمان داری****الف گشایشِ روزی****ب آموزش گناهان**

۱ / ۳ برکت های مهماندار یالف گشایشِ روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که اطعام می کند ، سریع تر از فرو رفتن کارد در کوهان شتر ، به او روزی می رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خانه ای که در آن اطعام می شود، سریع تر از فرو رفتن تیغ در کوهان شتر، برکت می رسد .

ب آموزش گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مهمانی نیست که بر قومی وارد شود ، مگر آن که روزی اش در دامان اوست . پس، چون فرود آید ، با روزی اش فرود می آید، و چون برود ، با گناهان آنها ( میزبان ) می رود .

کنز العمال به نقل از ابو قرصانه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « هرگاه خدا بخواهد به بنده ای خیری برساند ، به او هدیه ای می دهد . » گفته شد : ای پیامبر خدا ! آن هدیه چیست؟ فرمود : « [ آن هدیه ، ] مهمان [ است ] که با روزی اش می آید، و چون می رود ، اهل منزل ، آمرزیده شده اند . »

ص: ۳۴

الكافی عن أبی محمد الوابشی: ذَكَرَ أصحابنا عِنْدَ أبی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَقُلْتُ: ما أَتَغَدَّى ولا أَتَعَشِي إِلَّا وَمَعِيَ مِنْهُمْ الاِثْنانِ وَالثَّلاثَةُ وَأَقَلُّ وَأَكْثَرُ. فَقَالَ أبو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَضَلُّهُمْ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَيْفَ وَأنا أَطْعِمُهُمْ طَعامِي، وَأَنْفِقُ عَلَيْهِمْ مِنْ مَالِي، وَأُخِدِمُهُمْ عِيالِي؟! فَقَالَ: إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا عَلَيْكَ دَخَلُوا بِرِزْقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرٍ، وَإِذَا خَرَجُوا خَرَجُوا بِالْمَغْفِرَةِ لَكَ. (۱)

الكافی عن حسین بن نعیمة الصحاف: قال أبو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أُتِجِبُ إِخوانَكَ يا حُسَيْنُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قال: تَنْفَعُ فَقراءَهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قال: أَمَّا إِنَّهُ يَحِقُّ عَلَيْكَ أَنْ تُحِبَّ مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ، أَمَّا وَاللَّهِ! لا تَنْفَعُ مِنْهُمْ أَحداً حَتَّى تُحِبَّهُ. أَتَدْعُوهُمْ إِلى مَنزِلِكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، ما أَكُلُ إِلَّا وَمَعِيَ مِنْهُمْ الرِّجالانِ وَالثَّلاثَةُ وَالْأَقَلُّ وَالْأَكْثَرُ. فَقَالَ أبو عَبْدِ اللَّهِ: أَمَّا إِنْ فَضَلُّهُمْ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَطْعِمُهُمْ طَعامِي، وَأُوطِئُهُمْ رَحْلِي، وَيَكُونُ فَضْلُهُمْ عَلَيَّ أَعْظَمَ؟! قال: نَعَمْ، إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا مَنزِلَكَ دَخَلُوا بِمَغْفِرَتِكَ وَمَغْفِرَةِ عِيالِكَ، وَإِذَا خَرَجُوا مِنْ مَنزِلِكَ خَرَجُوا بِذُنُوبِكَ وَذُنُوبِ عِيالِكَ. (۲)

- ۱- الكافی: ج ۲ ص ۲۰۲ ح ۹، الأمالی للطوسی: ص ۲۳۷ ح ۴۱۹، المحاسن: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۱۳۹۱، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۳۷۵ ح ۷۱.
- ۲- الكافی: ج ۲ ص ۲۰۱ ح ۸، المحاسن: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۱۳۹۳، مشكاة الأنوار: ص ۱۸۳ ح ۴۷۴ عن الفضل بن سنان نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۳۷۵ ح ۷۰.

ص: ۳۵

الکافی به نقل از ابو محمّد و ابی: نزد امام صادق علیه السلام از یاران ما یاد شد. گفتم: من هیچ گاه چاشت و شام نمی خورم، مگر این که دو سه نفر از آنان یا کمتر و بیشتر، با من هستند. امام صادق علیه السلام فرمود: «فضیلت آنها بر تو، بیشتر از فضیلت تو بر آنهاست». گفتم: قربانت گردم! چگونه چنین است، در حالی که من خوراکم را به آنها می خورم، از مالم به آنها انفاق می کنم و عیالم را خدمت گزار آنها می سازم؟! فرمود: «[چون] آنها زمانی که بر تو وارد می شوند، همراه روزی فراوانی از سوی خداوند عز و جل وارد می شوند و آن گاه که می روند، تو آمرزیده شده ای».

الکافی به نقل از حسین بن نعیم صحّاف: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای حسین! آیا برادرانت را دوست داری؟». گفتم: بله. فرمود: «به تهی دستان آنها سود می رسانی؟». گفتم: بله. فرمود: «آری. تو وظیفه داری کسی را که خدا را دوست دارد، (۱) دوست بداری. آری، به خدا سوگند، تو به کسی از آنها سود نمی رسانی، تا این که دوستش بداری. (۲) آیا آنها را به منزلت دعوت می کنی؟». گفتم: بله. هیچ وقت غذا نمی خورم، مگر آن که دو سه نفر یا کمتر و بیشتر از آنها با من هستند. امام صادق علیه السلام فرمود: «البته، آنها بر تو فضیلت بیشتری دارند تا تو بر آنها». گفتم: قربانت گردم! من آنها را اطعام می کنم و روی فرشم می نشانم، آن گاه فضیلت آنها بر من بیشتر است؟! فرمود: «آری؛ چون آنها زمانی که به خانه ات می آیند، برای تو و خانواده ات آموزش می آورند و زمانی که می روند، گناهان تو و خانواده ات را می بَرند».

۱- یا: به رفع «الله»، یعنی خدا او را دوست دارد.

۲- درباره معنای این جمله، دو نظر است: یکی این که مراد امام صادق علیه السلام این است که ادّعی محبت داشتن بدون سود رساندن، ادّعی دروغ است؛ بلکه اگر در ادّعی دوست داشتنت صادق هستی، باید به آنها سود برسانی. این، نظر علامه مجلسی است. أمّا ملّا صالح مازندرانی (شارح)، گفته است: یعنی سود رساندن، تابع دوست داشتن یا مستلزم آن است. یعنی تا دوست نداشته باشی، سود نمی رسانی. مترجم، این نظر را ترجیح می دهد؛ چرا که ظاهر عبارت، بر همین معنا دلالت دارد. واللّٰه العالم!

ص: ۳۶

راجع: الحديث ۲۴ و ۲۵ و ۷۸

ج النَّجَاهُ مِنَ النَّارِ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، إِنِّي أَحْسِنُ الْوُضُوءَ، وَأُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَأُؤْتِي الزَّكَاةَ فِي وَقْتِهَا، وَأَقْرَى الضَّيْفَ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسِي، مُحْتَسِبٌ بِذَلِكَ، أَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ. فَقَالَ: بَخٍ بَخٍ بَخٍ، مَا لِي جَهَنَّمَ عَلَيْكَ سَبِيلٌ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَرَّأكَ مِنَ الشُّحِّ، إِنْ كُنْتَ كَذَلِكَ. (۱)

رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ ذَبَحَ لِضَيْفِهِ ذَبِيحَةً، كَانَتْ فِدَاءً مِنَ النَّارِ. (۲)

راجع: الحديث ۷۶

د الْجَنَّةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الضَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ. (۳)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ ... وَقَرَى الضَّيْفَ، دَخَلَ الْجَنَّةَ. (۴)

- ۱- قرب الإسناد: ص ۷۵ ح ۲۴۱ عن مسعده بن صدقه، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۹ ح ۵.
- ۲- كنز العمال: ج ۹ ص ۲۴۵ ح ۲۵۸۵۳ نقلًا عن الحاكم في تاريخه عن جابر.
- ۳- جامع الأخبار: ص ۳۷۸ ح ۱۰۵۵، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۶۰ ح ۱۴.
- ۴- المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۱۰۶ ح ۱۲۶۹۲ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۸۸۸ ح ۴۳۵۱۵.

ص: ۳۷

## ج رهایی از آتش دوزخ

## د بهشت

ر.ک: حدیث ۲۴ و ۲۵ و ۷۸.

ج رهایی از آتش دوزخ امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! من خوب وضو می سازم، نماز می خوانم، زکاتم را در وقتش می دهم و از مهمان، با کمال میل و رضایت پذیرایی می کنم، و همه اینها را به خاطر خدا و ثواب الهی انجام می دهم. امام علیه السلام فرمود: «بِهْ، بِهْ، بِهْ! جهنم را بر تو راهی نیست. خداوند، تو را از بخل، پاک کرده است، اگر به راستی چنین باشی».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس برای مهمانش حیوانی قربانی کند، آن حیوان، فدیة او از آتش است.

ر.ک: حدیث ۷۶.

د بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهمان، راهنمای بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس نماز بخواند... و مهمان نوازی کند، به بهشت می رود.

ص: ۳۸

تاریخ دمشق عن أبي هريره: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَلَا نُحَدِّثُكُمْ بِمَا يُدْخِلُكُمْ الْجَنَّةَ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: ضَرْبُ بِلْسِيفٍ، وَطَعَامُ الضَّيْفِ (۱)، وَاهْتِمَامٌ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ، وَإِسْبَاغُ الطَّهَوْرِ فِي اللَّيْلِ الْقَرَّةِ (۲)، وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ (۳).

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَضَافَ مُؤْمِنًا أَوْ حَفَّ لَهُ عَن شَيْءٍ مِنْ حَوَائِجِهِ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُخْدِمَهُ وَصِيفًا فِي الْجَنَّةِ (۴).

راجع: الحديث ۷۹

۱ / ۴ ما أَكَّدَتْ فِيهِ الضِّيَافَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْوَلِيمَةُ فِي أَرْبَعٍ: الْعُرْسِ، وَالْخُرْسِ؛ وَهُوَ الْمَوْلُودُ يُعَقُّ عَنْهُ وَيُطْعَمُ، وَالْإِعْذَارِ؛ وَهُوَ خِتَانُ الْغُلَامِ، وَالْإِيَابِ؛ وَهُوَ الرَّجُلُ يَدْعُو إِخْوَانَهُ إِذَا أَبَّ مِنْ غَيْبَتِهِ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَوْ تَوَكُّيرٍ؛ وَهُوَ بِنَاءُ الدَّارِ أَوْ غَيْرِهِ (۵).

عنه صلى الله عليه وآله: لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ خُرْسٍ، أَوْ عِذَارٍ، أَوْ وَكَارٍ، أَوْ رِكَازٍ. فَالْعُرْسُ: التَّرْوِيجُ، وَالْخُرْسُ: النَّفَاسُ بِالْوَلْدِ، وَالْعِذَارُ: الْخِتَانُ، وَالْوِكَارُ: الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ، وَالرِّكَازُ: الرَّجُلُ يَقْدِمُ مِنْ مَكَّةَ (۶).

۱- في بعض نسخ المصدر: «إطعام الضيف» (راجع: هامش المصدر).

۲- قَرَّ وَقَارٌ: أَى بَارِدٌ، وَلَيْلَهُ قَرَّةٌ (المصباح المنير: ص ۴۹۷ «قَرَّ»).

۳- تاريخ دمشق: ج ۳۷ ص ۲۹۱ ح ۷۴۹۷، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۸۸۴ ح ۴۳۵۰۴.

۴- عوالي اللآلى: ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۹۶.

۵- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۱ ح ۳ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج ۲ ص ۱۹۰ ح ۱۵۵۰، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۸۷ ح ۳.

۶- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۴۰۲ ح ۴۴۰۴، الخصال: ص ۳۱۳ ح ۹۱، معاني الأخبار: ص ۲۷۲ ح ۱ كلها عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۴ ح ۶.

### ۱ / ۴ مواردی که مهمانی دادن برای آنها سفارش شده

تاریخ دمشق به نقل از ابو هریره: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: « آیا برایتان نگویم که چه چیز، شما را به بهشت می برد؟ ». گفتند: بله. فرمود: « شمشیر زدن، مهمانی دادن، اهمیت دادن به اوقات نماز، وضوی شاداب گرفتن در شب سرد، و اطعام کردن خوراک، با وجود علاقه خود به آن غذا ».

امام صادق علیه السلام: هر کس مؤمنی را مهمانی دهد، یا بخشی از نیازهای او را بر آورده کند، بر خداوند است که در بهشت، برای او خدمت گزاری بگمارد.

ر.ک: حدیث ۷۹.

۱ / ۴ مواردی که مهمانی دادن برای آنها سفارش شده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ولیمه دادن در چهار مورد است: عروسی؛ خُرس، یعنی عقیقه کردن فرزند و طعام دادن؛ اِعدار، یعنی ختنه کردن پسر؛ بازگشت، یعنی این که مرد در بازگشت از سفرش، برادران خود را دعوت کند در روایتی دیگر آمده است: یا توکیر، یعنی ساختن خانه، یا جز آن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ولیمه دادن، جز در پنج مورد نیست: در عُرس، خُرس، اِعدار، وِکار، و رِکاز. عُرس، یعنی ازدواج؛ خُرس: تولد فرزند؛ اِعدار: ختنه؛ و کار: خرید خانه؛ رِکاز: بازگشت از مکه.

ص: ٤٠

عنه صلى الله عليه و آله لَمَّا خَطَبَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ... إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنْ وَلِيمَةٍ . (١)

تاریخ دمشق عن بريده : لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ (لَهَا) رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنْ وَلِيمَةٍ . ثُمَّ أَمَرَ بِكَبْشٍ فَجَمَعَهُمْ عَلَيْهِ . (٢)

سنن أبي داود عن أنس بن مالك : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْلَمَ عَلَى صَفِيَّةَ بِسُوقِ (٣) وَتَمْرٍ . (٤)

مسند ابن حنبل عن أنس : لَمَّا دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَرِزْبَ ابْنِهِ جَحْشٍ ، أَوْلَمَ . قَالَ : فَأَطَعْنَا خُبْرًا وَلَحْمًا . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : لَا تَجِبُ الدَّعْوَةُ إِلَّا فِي أَرْبَعٍ : الْعُرْسِ ، وَالْخُرْسِ ، وَالْإِيَابِ ، وَالْإِعْذَارِ . (٦)

دعائم الإسلام : عَنْهُ [أَيِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَمَرَ بِالْوَلِيمَةِ ، وَقَالَ : هِيَ فِي أَرْبَعٍ : الْعُرْسِ ، وَالْخُرْسِ ، وَالْإِعْذَارِ ، وَالْوَكِيرَةِ . ... وَالْوَكِيرَةُ : قُدُومُ الرَّجُلِ مِنْ سَفَرِهِ . (٧)

الكافي عن علي بن الحكم عن بعض أصحابنا : أَوْلَمَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيمَةً عَلَى بَعْضِ وُلْدِهِ ، فَأَطَعَمَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ الْفَالُودَجَاتِ (٨) فِي الْجِفَانِ ، فِي الْمَسَاجِدِ وَالْأَرْزَاقِ ، فَعَابَهُ بِذَلِكَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ ، فَبَلَغَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ ، فَقَالَ : مَا آتَى اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِهِ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ آتَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَهُ ، وَزَادَهُ مَا لَمْ يُؤْتِهِمْ ، قَالَ لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (٩) ، وَقَالَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «وَمِيَآءَاتَاكُمْ الرَّسُولُ فُخِّدُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (١٠) . (١١)

١- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٩ ح ٢٣٠٩٧ ، الطبقات الكبرى : ج ٨ ص ٢١ ، تهذيب الكمال : ج ١٧ ص ٧٦ وفيهما «للعرس» بدل «للعرس» وكلها عن بريده ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٣٠٥ ح ٤٤٦١٦ .

٢- تاريخ دمشق : ج ٥٢ ص ٣٢٩ ح ١١٠٤٥ ، كنز العمال : ج ١٣ ص ٦٨٠ ح ٣٧٧٤٤ .

٣- السويق : ما يعمل من الحنطة والشعير (المصباح المنير : ص ٢٩٦ «سوق») .

٤- سنن أبي داود : ج ٣ ص ٣٤١ ح ٣٧٤٤ .

٥- مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٩٧ ح ١١٩٤٣ ، فصّ الخواتم فيما قيل في الولايم : ص ٤٥ .

٦- الكافي : ج ٦ ص ٢٨١ ح ٢ عن هشام بن سالم .

٧- دعائم الإسلام : ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٧٤٧ ، مستدرک الوسائل : ج ٨ ص ٢٤٥ ح ٩٣٥٧ .

٨- الفالوذ : من الحلواء يُسَوَّى مِنْ لُبِّ الْحِنْطَةِ . وَالْفَالُودُ وَالْفَالُودُوقُ مَعْرَبَانِ وَلَا يُقَالُ : فَالُودُجٌ (لسان العرب : ج ٣ ص ٥٠٣ «فلذ») .

٩- ص : ٣٩ .

١٠- الحشر : ٧ .

١١- الكافي : ج ٦ ص ٢٨١ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٤٨ ص ١١٠ ح ١٢ .



ص: ۴۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام خواستگاری کرد: ای علی!... برای عروسی، باید ولیمه داد.

تاریخ دمشق به نقل از بریده: هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را همسر داد، (به او) فرمود: «برای عروسی، باید ولیمه داد». سپس دستور داد که قوچی را سر بریدند و همه را به آن دعوت کرد.

سنن أبی داوود به نقل از انس بن مالک: پیامبر صلی الله علیه و آله برای [ازدواج با] صفیّه، تلخان (۱) و خرما ولیمه داد.

مسند ابن حنبل به نقل از انس: پیامبر صلی الله علیه و آله چون با زینب دختر جحش عروسی کرد، ولیمه داد، پس ما را با نان و گوشت اطعام کرد.

امام صادق علیه السلام: مهمانی گرفتن، جز در چهار مورد، واجب نیست: عروسی، تولّد فرزند، بازگشت [از سفر یا سفر مکه]، و ختنه کردن.

دعائم الإسلام به نقل از امام صادق علیه السلام در روایتی که ایشان به ولیمه دادن امر می کرد: آن در چهار مورد است: عروسی، تولّد فرزند، ختنه کردن، و بازگشت از سفر.

الکافی به نقل از علی بن حکم، از یکی از راویان شیعه: ابو الحسن موسی علیه السلام برای یکی از فرزندانش (۲) ولیمه داد. ایشان، سه روز، دیگ های پالوده به پا کرد و مردم مدینه را در مساجد و کوچه ها اطعام نمود. برخی [یا: یکی] از مردم مدینه بر این کار امام علیه السلام خرده گرفتند. این خرده گیری، به گوش امام رسید. پس فرمود: «خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبران، چیزی نداد مگر این که مانند آن را به محمد صلی الله علیه و آله نیز داد؛ اما افزون بر آنها به او چیزی داد که به ایشان نداد. به سلیمان علیه السلام فرمود: «این، بخشش ماست. [آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار». ولی در حقّ محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید».

۱- سَوِيق که در متن حدیث آمده: تلخان، پست، قاووت، آرد بو داده گندم یا جو یا نخود یا سیب و مانند اینها که با شکر درآمیزند.

۲- ظاهراً به مناسبت تولّد او بوده است.

ص: ۴۲

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ النَّجَاشِيَّ لَمَّا خَطَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمَنَهُ بِنْتِ أَبِي سُفْيَانَ، فَزَوَّجَهُ وَدَعَا بِطَعَامٍ، وَقَالَ: إِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْإِطْعَامَ عِنْدَ التَّرْوِيجِ. (۱)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَجَعَلَ النَّسَاءَ سَكَنًا، وَمِنَ السُّنَنِ التَّرْوِيجُ بِاللَّيْلِ، وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ. (۲)

مسند ابن حنبل عن جابر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ. قالوا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، مَا الْحَجُّ الْمَبْرُورُ؟ قَالَ: إِطْعَامُ الطَّعَامِ، وَإِفْشَاءُ السَّلَامِ. (۳)

۱- الكافي: ج ۵ ص ۳۶۷ ح ۱، المحاسن: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۱۵۵۳ كلاهما عن الحسن بن علي الوشاء، تهذيب الأحكام: ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۱۶۳۳ عن الوشاء، بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۱۹۰ ح ۳.

۲- تفسير العياشي: ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۶۷ عن الحسن بن علي ابن بنت إلياس، بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۷۸ ح ۴۸.

۳- مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۷۲ ح ۱۴۴۸۹، المعجم الأوسط: ج ۸ ص ۲۰۳ ح ۸۴۰۵ وفيه «طيب الكلام» بدل «إفشاء السلام»، فتح الباري: ج ۳ ص ۳۸۲ نحوه، عوالي اللآلي: ج ۴ ص ۳۳ ح ۱۱۷، مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۶۲ ح ۹۰۷۸ وفيهما «طيب الكلام» بدل «إفشاء السلام».

ص: ۴۳

امام رضا علیه السلام: نجاشی، چون آمنه دختر ابو سفیان را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری نمود و او را به عقد ایشان درآورد، مهمانی داد و گفت: یکی از سنت‌های پیامبران، اطعام کردن هنگام ازدواج است.

امام رضا علیه السلام: خداوند، شب را مایه آرامش قرار داد و زنان را نیز مایه آرامش، و از سنت است عروسی کردن در شب و اطعام کردن.

مسند ابن حنبل به نقل از جابر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حج پذیرفته شده، پاداشی جز بهشت ندارد». گفتند: ای پیامبر خدا! حج پذیرفته شده چیست؟ فرمود: «اطعام دادن و سلام کردن به همگان».

ص: ۴۴

۱ / ۵ دَمُ الْإِمْتِنَاعِ عَنِ الضَّيَافَةِ الْكِتَابِ «فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتِطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَأُ أَنْ يُضَيَّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا». (۱)

الحدیث رسول الله صلی الله علیه و آله : لا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُضَيِّفُ . (۲)

عنه صلی الله علیه و آله : لا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَقْرِي الضَّيْفَ . (۳)

عنه صلی الله علیه و آله : بَشَسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ لَا يُنْزِلُونَ الضَّيْفَ . (۴)

عنه صلی الله علیه و آله : كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ ، لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ . (۵)

الكافي عن عبد الله بن محمد الجعفری: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي بَعْضِ مَغَازِيهِ ، فَمَرَّ بِهِ رَكْبٌ وَهُوَ يُصَلِّي ، فَوَقَفُوا عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَاءَ لَوْ هُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَدَعَوْا وَأَثَنُوا وَقَالُوا : لَوْلَا - أَنَا عِجَالٌ لَأَنْتَظِرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَقْرَبُوهُ مِنَّا السَّلَامَ ، وَمَضُوا . فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُغَضَّبًا ، ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : يَقِفْ عَلَيْكُمْ الرَّكْبُ وَيَسْأَلُونَكُمْ عَنِّي وَيُبَلِّغُونِي السَّلَامَ وَلَا - تَعْرِضُونَ عَلَيْهِمُ الْغَدَاءَ ! لِيَعْرِضَ عَلَيَّ قَوْمٌ فِيهِمْ خَلِيلِي جَعْفَرٌ (۶) أَنْ يَجُوزُوهُ حَتَّى يَتَّعَدُوا عِنْدَهُ . (۷)

۱- الكهف : ۷۷ .

۲- مسند ابن حنبل : ج ۶ ص ۱۴۲ ح ۱۷۴۲۴ ، شعب الإيمان : ج ۷ ص ۹۱ ح ۹۵۸۸ ، الفردوس : ج ۵ ص ۱۷۹ ح ۷۸۸۸ کلها عن عقبه بن عامر ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۴۵ ح ۲۵۸۵۴ .

۳- مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۴۲ ح ۱۹۷۳۲ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

۴- شعب الإيمان : ج ۷ ص ۹۱ ح ۹۵۸۸ ، المعجم الأوسط : ج ۸ ص ۱۹۶ ح ۸۳۸۴ وفيه «لا يقرون» بدل «لا ينزلون» وكلاهما عن عقبه بن عامر ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۴۴ ح ۲۵۸۴۵ .

۵- جامع الأخبار : ص ۳۷۸ ح ۱۰۵۸ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۶۱ ح ۱۴ .

۶- أي لو كان فيكم جعفر لما فعل هذا (هامش المصدر) .

۷- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۵ ح ۱ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۹ ح ۱۵۴۷ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۷ ح ۱ .

## ۱ / ۵ نکوهش خودداری از مهمان نوازی

۱ / ۵ نکوهش خودداری از مهمان نوازیقرآن» پس رفتند تا به اهل قریه ای رسیدند. از مردم آن جا خوراکی خواستند، و [ لی آنها ] از مهمان نمودن آن دو ، خودداری کردند. پس در آن جا دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد و [ بنده ما ] آن را استوار کرد. [ موسی ] گفت: «اگر می خواستی [ می توانستی ] برای آن مزدی بگیری» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در کسی که مهمان نوازی نمی کند، خیری نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در کسی که از مهمان پذیرایی نمی کند، خیری نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بد قومی هستند آن قومی که مهمان را پذیرایی نمی کنند !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر خانه ای که مهمان به آن وارد نشود، فرشتگان ، وارد آن خانه نمی شوند.

الکافی به نقل از عبد الله بن محمد جعفری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ هایش مشغول نماز بود که کاروانی بر او گذشتند . کاروانیان ، نزد یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایستادند و احوال پیامبر صلی الله علیه و آله را از آنها پرسیدند و دعا و ثنا کردند و گفتند : اگر عجله نداشتیم ، حتما منتظر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می ماندیم . پس سلام ما را به ایشان برسانید ، و رفتند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خشمناک آمد و به یارانش فرمود : « کاروان ، نزد شما می ایستد و احوال مرا از شما می پرسند و به من سلام می رسانند و شما آنها را به صرف چاشنی دعوت نمی کنید ! امکان نداشت که دوستم جعفر ، در جمعی باشد و کاروانی بر او بگذرد ، بدون آن که نزد وی غذایی تناول کنند ! (۱)

۱- . یعنی اگر جعفر در میان شما بود ، قطعاً چنین کاری نمی کرد .

ص: ۴۶

الإمام العسکری علیه السلام فی قوله تعالی : «تَمَّ قَلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» (۱) : یقولُ اللهُ عز و جل :  
 یَبَسَّتْ قُلُوبُكُمْ مَعَاشِرَ الْیَهُودِ كَالْحِجَارَةِ الْیَابِسَةِ ، لَا تَرَشَّحُ بَرُطُوبِهِ ؛ أَى إِنَّكُمْ لَا حَقَّ لِلَّهِ تُؤَدُّونَ ... وَلَا لِلضَّیْفِ تَقْرُونَ . (۲)

۱- البقره : ۷۴ .

۲- الخرائج والجرائح : ج ۲ ص ۵۱۹ ح ۲۸ ، تفسیر نور الثقلین : ج ۱ ص ۹۰ ح ۲۴۵ عن الإمام الحسین علیه السلام .

ص: ۴۷

امام عسکری علیه السلام در باره این فرموده خداوند متعال: «سپس دل های شما پس از این [ واقعه ] ، سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت تر از آن»: خداوند عز و جلمی فرماید: « ای گروه یهود! دل های شما خشک شده است ، همانند سنگ سخت ، که هیچ نمی از آنها نمی تراود ». یعنی شما نه حقّ خدا را ادا می کنید ... و نه از مهمان پذیرایی می نمایید .

ص: ۴۸

الفصل الثانی : ما یَبْغَى لِلْمُضِیْفِ ۲ / ۱ احسن التیهرسول الله صلی الله علیه و آله : یا ابا ذرٍّ ، لَیْکُنْ لَکَ فِی کُلِّ شَیْءٍ نَبِیَّةٌ صَالِحَةٌ ، حَتَّى فِی النَّوْمِ وَالْأَکْلِ . (۱)

الإمام علی علیه السلام : النَّبِیَّةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْعَمَلِینِ . (۲)

عنه علیه السلام : غَايَةُ الْبِقِینِ الْإِخْلَاصُ . (۳)

راجع : ص ۸۴ (ما لا ینبغی للمضیف / الریاء والسمعه) .

۲ / ۲ اِکْرَامُ الضَّیْفِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مِنْ حَقِّ الضَّیْفِ أَنْ يُكْرَمَ ، وَأَنْ يُعَدَّ لَهُ الْخِلَالُ (۴) . (۵)

۱- .. مکارم الأخلاق : ج ۲ ص ۳۷۰ ح ۲۶۶۱ .

۲- غرر الحکم : ج ۲ ص ۱۶ ح ۱۶۲۴ .

۳- .. غرر الحکم : ج ۴ ص ۳۶۹ ح ۶۳۴۷ .

۴- الخِلال : العُودُ الَّذِی یُتَخَلَّلُ بِهِ (الصَّحاح : ج ۴ ص ۱۶۸۷ «خلل»)

۵- الکافی : ج ۶ ص ۲۸۵ ح ۳ عن سلیمان بن حفص عن الإمام الصادق علیه السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۳ ص ۳۵۷ ح

۴۲۶۱ ، مکارم الأخلاق : ج ۱ ص ۳۲۹ ح ۱۰۵۰ وفيه «وفی خیرٍ آخر...» وليس فیهما «أن یکرم» ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۵ ح ۲۶



ص: ۴۹

**فصل دوم : آنچه شایسته میزبان است****۲ / ۱ انگیزه نیکو****۲ / ۲ گرامیداشت مهمان**

فصل دوم : آنچه شایسته میزبان است ۲ / ۱ انگیزه نیکوپيامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای ابوذر! باید در هر کاری ، نیتی پاک داشته باشی ، حتی در خوابیدن و خوردن.

امام علی علیه السلام : نیت خوب، خود ، یک عمل است.

امام علی علیه السلام : غایت یقین، اخلاص است .

ر . ک : ص ۸۵ ( آنچه شایسته میزبان نیست / خودنمایی و شهرت طلبی ) .

۲ / ۲ گرامیداشت مهمانپيامبر خدا صلی الله علیه و آله : از حقوق مهمان ، این است که گرامی داشته شود و [حتی] برایش خلال دندان آورده شود.

ص: ۵۰

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ، فَلْيُكْرِمِ ضَيْفَهُ . (۱)

مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ، فَلْيُكْرِمِ ضَيْفَهُ ، قَالَهَا ثَلَاثًا . قَالَ : وَمَا كَرَامَةُ الضَّيْفِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ ، فَمَا جَلَسَ بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ . (۲)

صحيح البخاري عن أبي شريح العدوي عن رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ، فَلْيُكْرِمِ ضَيْفَهُ جَائِزَتَهُ . قَالَ : وَمَا جَائِزَتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ ، وَالضَّيَافَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ . (۳)

رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ، فَلْيُحْسِنِ قَرَى ضَيْفِهِ . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله : أَكْرِمُوا الضَّيْفَ ، وَأَقْرَبُوا الضَّيْفَ ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَا يَقْدَمُ بِرِزْقِهِ جِبْرِيلُ مَعَ رِزْقِ أَهْلِ الْبَيْتِ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ لَمْ يُكْرِمِ ضَيْفَهُ ، فَلَيْسَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَلَا مِنْ إِبْرَاهِيمَ . (۶)

- ۱- الكافي : ج ۶ ص ۲۸۵ ح ۱ عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۹۰۲ ، بحار الأنوار : ج ۴۳ ص ۶۲ ح ۵۲ ؛ صحيح مسلم : ج ۱ ص ۶۹ ح ۷۷ ، سنن الدارمي : ج ۱ ص ۵۳۱ ح ۱۹۶۶ كلاهما عن أبي شريح الخزاعي .
- ۲- مسند ابن حنبل : ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۱۱۷۲۶ ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۳ ح ۲۵۹۰۸ .
- ۳- صحيح البخاري : ج ۵ ص ۲۲۴۰ ح ۵۶۷۳ ، صحيح مسلم : ج ۳ ص ۱۳۵۲ ح ۱۴ ، سنن الترمذي : ج ۴ ص ۳۴۵ ح ۱۹۶۷ ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۴۶ ح ۲۵۸۶۰ .
- ۴- مسند إسحاق بن راهويه : ج ۱ ص ۲۵۰ ح ۲۱۴ ، مسند أبي يعلى : ج ۵ ص ۴۵۱ ح ۶۱۹۰ ، مكارم الأخلاق للخرائطي : ج ۱ ص ۳۱۴ ح ۲۹۹ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۳ ح ۲۵۹۰۵ .
- ۵- الفردوس : ج ۱ ص ۶۸ ح ۱۹۹ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۴۵ ح ۲۵۸۵۶ .
- ۶- مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۵۹ ح ۱۹۷۹۹ ؛ كنز العمال : ج ۹ ص ۲۷۰ ح ۲۵۹۷۹ نقلًا عن ابن جرير .

ص: ۵۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی بدارد.

مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد ، باید مهمانش را گرامی بدارد » سه بار این جمله را فرمود . ابو سعید گفت : گرامیداشت مهمان چگونه است ، ای پیامبر خدا ؟ فرمود : « سه روز است ؛ بعد از آن ، هر چه بماند ، برایش صدقه است » . (۱)

صحیح البخاری به نقل از ابو شریح عدوی ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد ، باید مهمانش را نیکو هدیه دهد . ابو شریح گفت : هدیه او چیست ، ای پیامبر خدا ؟! فرمود : [پذیرایی کامل] یک شبانه روز . و مهمانی ، سه روز است [و بیش از آن ، صدقه ای است از سوی میزبان] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد ، باید از مهمانش به خوبی پذیرایی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مهمان را گرامی بدارید و مهمان نواز باشید؛ زیرا او (مهمان) نخستین کسی است که جبرئیل ، روزی اش را با روزی اهل خانه می آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که مهمانش را گرامی نمی دارد ، از [پیروان] محمد و ابراهیم نیست .

---

۱- یعنی پذیرایی از او ، صدقه و احسان به شمار می آید که صاحب خانه ، اگر خواست ، آن صدقه را می دهد و پذیرایی می کند و اگر نخواست ، پذیرایی از مهمان بر او لازم نیست .

ص: ۵۲

عنه صلى الله عليه و آله يا عَلِيُّ ... أَكْرَمِ الضَّيْفِ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا . (۱)

الإمام علي عليه السلام: أَكْرَمِ ضَيْفِكَ وَإِنْ كَانَ حَقِيرًا . (۲)

عنه عليه السلام في وصيته لولده الحسن عليه السلام عند الوفاة: أوصيك يا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا ... وَإِكْرَامِ الضَّيْفِ . (۳)

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: وَالضَّيْفَ أَكْرَمَهُ تَجِدُهُ مُخْبِرًا عَمَّنْ يَجُودُ وَمَنْ يَضُنُّ وَيَمْنَعُ . (۴)

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: وَالضَّيْفَ أَكْرَمَ مَا اسْتَطَعْتَ جِوَارَهُ حَتَّى يُعَدَّكَ وَارِثًا يَنْسَبُ . (۵)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مِنْ خَالِصِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، عَلِيٌّ اللَّهُ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَيُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ ، وَرَجُلٌ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى ثُمَّ عَقَّبَ فِيهِ أَنْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ الْآخِرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَحَقٌّ عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ ، وَالْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ فَهُمَا وَفَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَحَقٌّ عَلَيَّ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ أَنْ يُكْرِمَ وَفَدَّهُ . (۶)

۱- جامع الأخبار: ص ۲۱۴ ح ۵۲۸ وراجع: بحار الأنوار: ج ۷ ص ۳۷۰ .

۲- غرر الحكم: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۲۳۴۱ .

۳- الأمالى للمفيد: ص ۲۲۱ ح ۱ ، الأمالى للطوسى: ص ۷ ح ۸ كلاهما عن الفجيع العقيلي ، كشف الغمّة: ج ۲ ص ۱۶۲ عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۴۵۸ ح ۲ .

۴- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ۳۵۶ الرقم ۲۷۳ .

۵- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ۵۴ الرقم ۱۸ .

۶- مصادقه الإخوان: ص ۱۶۱ ح ۲ ، تحف العقول: ص ۷ عن رسول الله صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۶۲ ح ۴ .

ص: ۵۳

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ای علی ! ... مهمان را گرامی بدار ، اگر چه کافر باشد . (۱)

امام علی علیه السلام : مهمانت را گرامی بدار ، اگر چه حقیر باشد .

امام علی علیه السلام در وصیتش به فرزندش حسن علیه السلام در هنگام وفات : پسر من ! سفارش می کنم تو را به خواندن نماز در وقتش ... و گرامی داشتن مهمان !

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : مهمان را گرامی بدار تا او را بیایی که خبر می دهد از آن که بخشنده است و آن که بخل می ورزد و دریغ می دارد .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : مهمان را تا توانی گرامی دار تا تو را خویشاوند و میراث بر خویش شمارد .

امام صادق علیه السلام : سه کس در قیامت از [مقربان] ویژه خدا عز و جل هستند : مردی که برادرش را در راه خدای عز و جل دیدار کند ، او از زائران خدای عز و جل است ، و بر خداست که زائرش را گرامی بدارد و هر چه را خواسته به وی بدهد ؛ و مردی که وارد مسجد شود و نماز بخواند و به تعقیب پردازد و در انتظار نماز بعدی بنشیند ، او مهمان خدای عز و جل است و بر خداست که مهمانش را گرامی بدارد ؛ و حج گزار و عمره گزار که بر خدای عز و جل وارد می شوند ، و بر خداست که وارد شونده بر خود را گرامی بدارد .

۱- بدیهی است که این سخن ، ناظر به مواردی است که معاشرت با آنها ، ممنوع و یا مکروه نیست .

ص: ۵۴

۳ / ۲ البشاشه وإظهار المَحَبَّهِ للإمام على عليه السلام: البشاشه أحد القراءين . (۱)

رسول الله صلى الله عليه و آله : من أخلاق النِّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ البشاشه إذا تراءوا ، وَالْمُصَافِحَهُ إذا تَلَافُوا . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله : ما من عبدٍ يَأْتِيهِ ضَيْفٌ فَنَظَرَ فِي وَجْهِهِ (۳) ، أَلَّا حَرَمَتْ عَيْنُهُ عَلَى النَّارِ . (۴)

الإمام على عليه السلام في وَصْفِ الْمُؤْمِنِ : الْمُؤْمِنُ . . . يُحِبُّ الضَّيْفَ . (۵)

عنه عليه السلام : ما من مؤمنٍ يَسْمَعُ بِهِمَسِ الضَّيْفِ وَيَفْرَحُ بِذَلِكَ ، إِلَّا غُفِرَتْ لَهُ خَطَايَاهُ ، وَإِنْ كَانَتْ مُطْبَقَةً مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (۶)

عنه عليه السلام : ما من مؤمنٍ يُحِبُّ الضَّيْفَ ، إِلَّا وَيَقُومُ مِنْ قَبْرِهِ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْيَدْرِ ، فَيَنْظُرُ أَهْلَ الْجَمْعِ فَيَقُولُونَ : ما هذا إِلَّا نَبِيُّ مُرْسَلٌ ! فَيَقُولُ مَلَكٌ : هذا مؤمنٌ يُحِبُّ الضَّيْفَ وَيُكْرِمُ الضَّيْفَ ، وَلَا سَبِيلَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ . (۷)

- ۱- غرر الحكم : ج ۲ ص ۲۸ ح ۱۶۹۲ .
- ۲- ربيع الأبرار : ج ۲ ص ۲۸۹ عن جابر .
- ۳- يفهم من هذا الحديث أن النظر إلى الضيف بعين المحبه يوجب النجاه من نار جهنم . وإن إظهار البشاشه أمام الضيف هي بنفسها تعتبر من الموارد التي يصدق عليها إقراء الضيف .
- ۴- مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۵۸ ح ۱۹۷۹۶ نقلاً عن القطب الراوندى في لبّ اللباب .
- ۵- جامع الأخبار : ص ۲۱۵ ح ۵۳۲ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۱ ص ۱۷۴ ح ۱۲۶۷۵ .
- ۶- جامع الأخبار : ص ۳۷۷ ح ۱۰۵۴ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۶۱ ح ۱۴ .
- ۷- جامع الأخبار : ص ۳۷۸ ح ۱۰۵۶ عن عاصم بن ضميره ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۶۱ ح ۱۴ .

**۲ / ۳ خوش رویی و ابراز محبت**

۳ / ۲ خوش رویی و ابراز محبتامام علی علیه السلام: خوش رویی ، نیمی از مهمان نوازی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از اخلاق پیامبران و مؤمنان راستین ، این است که چون یکدیگر را می بینند ، خوش رویی می نمایند و هرگاه به هم می رسند ، دست می دهند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که مهمانی برایش بیاید و به صورت او [مهربانانه] بنگرد ، مگر آن که چشم او بر آتش حرام گردد .

امام علی علیه السلام در وصف مؤمن : مؤمن ، ... مهمان دوست است.

امام علی علیه السلام :هیچ مؤمنی نیست که پِچِ پِچِ مهمان را بشنود و از آن شاد گردد ، مگر این که گناهانش آمرزیده شود ، اگرچه [آن گناهان ،] فضای میان آسمان و زمین را پر کرده باشند .

امام علی علیه السلام :هیچ مؤمنی نیست که مهمان را دوست بدارد ، مگر آن که چون از قبرش بر می خیزد ، چهره اش مانند قرص ماه می درخشد ، و اهل محشر می نگرند و می گویند : این ، کسی جز پیامبری مُرسل نیست! و فرشته ای می گوید: این ، مؤمنی است که مهمان را دوست می دارد و او را گرامی می شمارد و راهی جز رفتن به بهشت ندارد.

ص: ٥٦

٢ / ٤ اِيثارُ الصِّيفِ الْكُتابِ «وَ يُؤَثِّرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (١)

الحديث المناقب لابن شهر آشوب عن أبي هريره :جاء رجلٌ إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله فشكا إليه الجوع ، فبعث رسولُ الله صلى الله عليه وآله إلى أزواجه ، فقلن : ما عندنا إلا الماء . فقال صلى الله عليه وآله : مَنْ لِهَذَا الرَّجُلِ اللَّيْلَةُ ؟ فقال أميرُ المؤمنين عليه السلام : أنا يا رسولَ الله ، وأتى فاطمة عليها السلام وسألها : ما عندك يا بنتَ رسولِ الله ؟ فقالت : ما عندنا إلا قوتُ الصبيِّ ، لكننا نُؤثِّرُ بِهِ ضيفنا . فقال عليُّ عليه السلام : يا بنتَ مُحَمَّدٍ ، نومي الصبيِّه وأطفئي المِصباح ، وجعلا يَمْضغانِ بِالسَّيْتِهِمَا . ولَمَّا فَرَغَ مِنَ الْأَكْلِ ، أَتَتْ فاطمةُ بِسِراجٍ ، فَوَجَدَتِ الْجَفْنَةَ مَمْلُوءَةً مِنْ فَضْلِ اللَّهِ . فَلَمَّا أَصْبَحَ صَيَلَى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا سَلَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ صِيَلَاتِهِ ، نَظَرَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَكَى بُكَاءً شَدِيدًا ، وَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، لَقَدْ عَجِبَ الرَّبُّ مِنْ فِعْلِكُمُ الْبَارِحَةَ ، إِقْرَأْ : «وَ يُؤَثِّرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» أَيْ مَجَاعَةٌ «وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ» يَعْنِي عَلَيْنَا وَ فاطمة وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ «فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (٢)

١- الحشر : ٩ .

٢- المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٧٤ ، الأمالى للطوسى : ص ١٨٥ ح ٣٠٩ ، تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٦٧٨ ح ٤ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ٣٤ ح ٦ .



ص: ۵۷

## ۲ / ۴ مقدم داشتن مهمان

۲ / ۴ مقدم داشتن مهمانقرآن «و هر چند در خودشان نیازی [ مبرم ] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می دارند. و هر کس از خستیت نفس خود مصون ماند، ایشان، همان رستگاران اند.»

حدیثالمناقب، ابن شهر آشوب به نقل از ابو هریره: مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی، به ایشان شکایت کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی را نزد همسرانش فرستاد [که برای او غذایی بیاورند]؛ اما آنها گفتند: جز آب، چیزی در خانه نداریم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کسی امشب، این مرد را مهمان می کند؟». امیر مؤمنان علیه السلام گفت: «من، ای پیامبر خدا!». سپس نزد فاطمه علیها السلام آمد و پرسید: «غذا چه داری، ای دختر پیامبر خدا؟». فاطمه علیها السلام گفت: «جز غذای کودکان، چیزی نداریم؛ اما مهمان را مقدم می داریم». علی علیه السلام گفت: «ای دختر محمد! بچه ها را بخوابان و چراغ را خاموش کن»، و با دندان هایشان، صدای جوییدن در می آوردند. چون مهمان از خوردن دست کشید، فاطمه علیها السلام، چراغ را آورد، دید که کاسه، به لطف خدا، همچنان پُر است. صبح که شد، علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزارد. پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را که سلام داد، به امیر مؤمنان علیه السلام نگریست و سخت گریست، و فرمود: «ای امیر مؤمنان! دیشب، پروردگار از کار شما به شگفت آمد، بخوان: «و هر چند در خودشان نیازی [ مبرم ] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می دارند»؛ یعنی گرسنه باشند «و هر کس از خستیت نفس خود، مصون ماند»؛ یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام «ایشان، همان رستگاران اند».

ص: ٥٨

٢ / ٥ خِدْمَةُ الضَّيْفِ الْإِمَامِ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ لَا يُسْتَحْيَى مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ ، وَقِيَامُهُ عَنِ مَجْلِسِهِ لِأَبِيهِ وَمُعَلِّمِهِ ، وَطَلْبُ الْحَقِّ وَإِنْ قَلَّ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: تَمَامُ الْمُرُوءِ خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ ، كَمَا خَدَمَهُمْ أَبُونَا إِبْرَاهِيمُ بِنَفْسِهِ وَأَهْلِهِ ، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ : «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ» (٢) . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ أَرْبَعَةَ أَمْلَاقٍ فِي إِهْلَاكِ قَوْمٍ لُوطٍ : جِبْرَائِيلَ ، وَمِيكَائِيلَ ، وَإِسْرَافِيلَ ، وَكَرُوبِيلَ ، فَمَرَّوْا بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُمْ مُعْتَمُونَ ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَلَمْ يَعْرِفَهُمْ ، وَرَأَى هَيْئَهُ حَسِينَةً . فَقَالَ : لَا يَخْدُمُ هَؤُلَاءِ إِلَّا أَنَا بِنَفْسِي ، وَكَانَ صَاحِبَ ضَيَافَةٍ . فَشَوَى لَهُمْ عِجْلًا - سَمِينًا حَتَّى أَنْضَجَهُ ، ثُمَّ قَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ ، فَلَمَّا وَضَعَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ «رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكْرَهُمْ وَ أَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً» (٤) ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ جِبْرَائِيلُ حَسَرَ الْعِمَامَةَ عَنْ وَجْهِهِ فَعَرَفَهُ إِبْرَاهِيمُ ، فَقَالَ : أَنْتَ هُوَ ؟ قَالَ : نَعَمْ . (٥)

١- غرر الحكم: ج ٣ ص ٤٦٦٦ ح ٤٦٦٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢١٢ ح ٤٢٣٠ .

٢- هود: ٧١ .

٣- ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٧٠٢ .

٤- هود: ٧٠ .

٥- الكافي: ج ٥ ص ٥٤٦ ح ٦ ، تفسير العياشي: ج ٢ ص ١٥٣ ح ٤٦ كلاهما عن أبي يزيد الحمّار ، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٢٥٦ ح

ص: ۵۹

**۲ / ۵ خدمت به مهمان**

۲ / ۵ خدمت به مهمانامام علی علیه السلام: از سه کار نباید شرم کرد: خدمت کردن مرد به مهمانش؛ از جا بلند شدن برای پدرش و معلمش؛ و مطالبه حق، اگرچه اندک باشد.

امام زین العابدین علیه السلام: کمال مروّت، خدمت کردن مرد، به مهمان خویش است، چنان که پدرمان ابراهیم علیه السلام، خود با همسرش به مهمانانشان خدمت کردند. آیا نشنیده‌ای این سخن خداوند عز و جل را: «و زن او ایستاده بود»؟

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل چهار فرشته برای نابود کردن قوم لوط فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، و کروییل. این چهار فرشته، در حالی که دستار [بر سر و صورت خود] بسته بودند، به ابراهیم علیه السلام برخوردند و به او سلام کردند. ابراهیم علیه السلام آنها را نشناخت؛ اما دید صورت زیبایی دارند. با خودش گفت: «این عدّه را باید خودم شخصا خدمت کنم». ابراهیم، آدم مهمان نوازی بود. او گوساله فربه‌ی را برای آنان بریان کرد و برایشان بُرد. چون آن را در برابرشان نهاد «دید دست هایشان به غذا دراز نمی‌شود، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت». جبرئیل چون این [حالت ابراهیم] را دید، دستار را از صورتش کنار زد. ابراهیم، او را شناخت و گفت: «تو هستی؟». گفت: «آری».

ص: ٦٠

الاحتجاج عن يوسف بن محمد بن زياد و علي بن محمد بن سيار عن الإمام العسكري عليه السلام: لَقَدْ وَرَدَ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْوَانٍ لَهُ مُؤْمِنَانِ: أَبُو وَابْنٌ، فَقَامَ إِلَيْهِمَا وَأَكْرَمَهُمَا وَأَجْلَسَهُهُمَا فِي صِدْرٍ مَجْلِسِهِ وَجَلَسَ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا، ثُمَّ أَمَرَ بِطَعَامٍ فَأُحْضِرَ فَأَكَلَا مِنْهُ، ثُمَّ جَاءَ قَبْرُ بَطْسِ وَإِبْرِيْقَ حَشَبٍ وَمِنْ دِيلِ لَيْبِسٍ. وَجَاءَ لِيُصَبَّ عَلَيَّ يَدِ الرَّجُلِ مَاءً، فَوَثَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخَذَ الْإِبْرِيْقَ لِيُصَبَّ عَلَيَّ يَدِ الرَّجُلِ، فَتَمَرَّغَ الرَّجُلُ فِي التُّرَابِ وَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُ يَرَانِي وَأَنْتَ تُصَبُّ عَلَيَّ يَدِي! قَالَ: اقْعُدْ وَاغْسِلْ يَدَكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَرَاكَ وَأَخُوكَ الَّذِي لَا يَتَمَيَّزُ مِنْكَ وَلَا يَتَفَضَّلُ عَلَيْكَ يَخْدُمُكَ، يُرِيدُ بِذَلِكَ خِدْمَةً فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ عَشْرَةِ أَضْعَافِ عَدَدِ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَعَلَى حَسْبِ ذَلِكَ فِي مَمَالِكِهِ فِيهَا. فَقَعَدَ الرَّجُلُ، فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِعَظِيمِ حَقِّي الَّذِي عَرَفْتَهُ وَبَجَلْتَهُ وَتَوَاضَعَكَ لِلَّهِ؛ حَتَّى جَازَاكَ عَنْهُ بِأَنْ نَدَبْتَنِي لِمَا شَرَّفَكَ بِهِ مِنْ خِدْمَتِي لَكَ، لَمَّا غَسَلْتَ يَدَكَ مُطَمِّنًا كَمَا كُنْتَ تَغْسِلُ لَوْ كَانَ الصَّبُّ عَلَيْكَ قَبْرًا، فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ، فَلَمَّا فَرَغَ نَاولَ الْإِبْرِيْقَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنْفِيَّةِ وَقَالَ: يَا بَنِيَّ لَوْ كَانَ هَذَا الْإِبْنُ حَضَرَ نِي دُونَ أَبِيهِ لَصَبَّتُ عَلَيَّ يَدَهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَأْبَى أَنْ يُسَوِّيَ بَيْنَ ابْنِ وَأَبِيهِ إِذَا جَمَعَهُمَا مَكَانًا، لَكِنْ قَدْ صَبَّ الْأَبُ عَلَيَّ الْأَبِ فَلْيُصَبِّ الْإِبْنُ عَلَيَّ الْإِبْنِ، فَصَبَّ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنْفِيَّةِ عَلَيَّ الْإِبْنِ. ثُمَّ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَنْ اتَّبَعَ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ ذَلِكَ فَهُوَ الشَّيْعِيُّ حَقًّا. (١)

الزهد لابن حنبل عن خيثمه: كَانَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصْنَعُ الطَّعَامَ لِأَصْحَابِهِ ثُمَّ يَدْعُوهُمْ فَيَقُومُ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ يَقُولُ: هَكَذَا فَاصْنَعُوا بِالْقِرَاءِ (٢).

١- الاحتجاج: ج ٢ ص ٥١٨ ح ٣٤٠، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٣٢٥ ح ١٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ١١٧ ح ١.

٢- الزهد لابن حنبل: ص ٧٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١١٤ ح ١٨، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٠٢ ح ٩٦٣٧ و ٩٦٣٨ كلاهما نحوه، الزهد لهناد: ج ١ ص ٣٤٥ ح ٦٤٠، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٤٣٢، الدرّ المنثور: ج ٢ ص ٢٠٤.

ص: ۶۱

احتجاج به نقل از یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار، از امام عسکری علیه السلام: پدر و پسر از برادران ایمانی امیر مؤمنان علیه السلام خدمت ایشان رسیدند. امام علیه السلام برایشان بلند شد و با احترام، آن دو را در بالای مجلس نشاند و خود، مقابل آنها نشست. سپس دستور داد غذایی آوردند و آن دو نفر، غذا خوردند، پس از غذا، قنبر، آفتابه و لگنی چوبی و حوله ای برای خشک کردن دست هایشان آورد و جلو آمد که روی دست مرد آب بریزد. امیر مؤمنان علیه السلام از جا جست و آفتابه را گرفت تا به دست مرد آب بریزد؛ اما مرد، خودش را به خاک افکند و گفت: ای امیر مؤمنان! خدا مرا در حالی ببیند که شما روی دست من آب می ریزید؟! علی علیه السلام فرمود: «بنشین و بشوی؛ زیرا خداوند عز و جل تو را می بیند که بر تو امتیاز و فضیلتی ندارد، خدمت می کند و قصدش از این خدمت، آن است که خداوند در بهشت، ده برابر جمعیت دنیا عطایش فرماید». مرد نشست و علی علیه السلام به او فرمود: «تو را به بزرگی حق من که تو آن را شناختی و حرمتش را به جا آوردی و برای خدا فروتنی کردی تا جایی که خداوند در قبال آن، این پاداش را به تو داد که مرا مأمور خدمت به تو کرد و این افتخار را نصیب تو نمود، سوگند می دهم که وقتی دستانت را می شویم، کاملاً آسوده باشی، همان گونه که اگر قنبر به دستت آب می ریخت». مرد، اطاعت کرد. وقتی امام علی علیه السلام دست او را شست، آفتابه را به محمد بن حنفیه داد و فرمود: «فرزندم! اگر این پسر، بدون پدرش بر من وارد می شد، خودم دستش را می شستم؛ اما خداوند عز و جل خوش ندارد که وقتی پدر و پسر در یک جا جمع باشند، میان آنها برابری نهد؛ بلکه پدر، روی دست پدر آب می ریزد و باید پسر، روی دست پسر آب بریزد». محمد بن حنفیه، بر دست پسر آن مرد، آب ریخت. امام حسن عسکری علیه السلام سپس فرمود: کسی که در این زمینه از علی علیه السلام پیروی کند، شیعه حقیقی است.

الزهد، ابن حنبل به نقل از خیثمه عیسی علیه السلام برای یارانش غذا درست می کرد. سپس آنان را فرا می خواند و [برای پذیرایی کردن،] بالای سرشان می ایستاد. آن گاه می فرمود: «این گونه پذیرایی کنید».

ص: ٦٢

٢ / ٦ إتياء ما يحتاج الضيف إليه رسول الله صلى الله عليه وآله: حَقُّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُقَرَّبَ إِلَى أَخِيهِ مَا تَيْسَّرَ عِنْدَهُ، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا جُرْعَةً مِنْ مَاءٍ. فَمَنْ احْتَشَمَ أَنْ يُقَرَّبَ إِلَى أَخِيهِ مَا تَيْسَّرَ عِنْدَهُ، لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ يَوْمَهُ وَلَيْلَتَهُ، وَمَنْ احْتَقَرَ مَا يُقَرَّبُ إِلَيْهِ أَخُوهُ، لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ يَوْمَهُ وَلَيْلَتَهُ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ فَأَعْرَضَ عَلَيْهِ الطَّعَامَ، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْ فَأَعْرَضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ، فَإِنْ لَمْ يَشْرَبْ فَأَعْرَضَ عَلَيْهِ الْوَضُوءَ. (٢)

عنه عليه السلام: لَا تَقُلْ لِأَخِيكَ إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ: أَكَلْتُ الْيَوْمَ شَيْئًا؟ وَلَكِنْ قَرِّبْ إِلَيْهِ مَا عِنْدَكَ؛ فَإِنَّ الْجَوَادَ كُلَّ الْجَوَادِ مَنْ يَبْذُلُ مَا عِنْدَهُ. (٣)

٢ / ٧ القرى بأطيب ما عندها الكتاب «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ\* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلِّمًا قَالَ سَلِّمٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ\* فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ\* فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ». (٤)

- ١- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٠٦ ح ٣٤١، مستدرک الوسائل: ج ١٦ ص ٢٣٩ ح ١٩٧٢٣؛ كنز العمال: ج ٩ ص ٣٩ ح ٢٤٨٢٧ نقلًا عن الديلمي عن ابن عمر.
- ٢- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٥ ح ٢، المحاسن: ج ٢ ص ١٩٠ ح ١٥٤٨، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٧ ح ٢.
- ٣- مستطرفات السرائر: ص ٦٢ ح ٣٧ عن جميل بن دراج، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٥ ح ٢٨.
- ٤- الذاريات: ٢٧ ٢٤.

ص: ۶۳

**۲ / ۶ در اختیار نهادن آنچه مهمان نیاز دارد****۲ / ۷ پذیرایی کردن با بهترین چیزی که دارد**

۲ / ۶ در اختیار نهادن آنچه مهمان نیاز دارد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله میزبان ، موظف است با چیزی که به آسانی برایش فراهم می شود ، از برادرش پذیرایی کند ، اگرچه بیش از جرعه آبی نباشد . پس ، هر کس از این که برادرش را این گونه پذیرایی می کند شرمگین باشد ، روز و شبش ، پیوسته در خشم خداست ، و [سوی دیگر] کسی که آنچه را برادرش پیش او می نهد ، خوار و بی مقدار بشمارد ، روز و شبش ، پیوسته مورد خشم خداست .

امام صادق علیه السلام : هرگاه برادرت بر تو وارد شد ، غدایی برایش بیاور . اگر [میل نداشت و] نخورد ، به او آب تقدیم کن و اگر نوشید ، آبی برای دست و رو شستن (وضو ساختن) بیاور .

امام صادق علیه السلام : هرگاه برادرت بر تو وارد شد ، به او نگو: امروز چیزی خورده ای؟ بلکه آنچه در خانه داری ، برایش بیاور؛ زیرا بخشنده واقعی ، کسی است که آنچه را دارد ، ببخشد .

۲ / ۷ پذیرایی کردن با بهترین چیزی که دارد قرآن «آیا خبر مهمانان ابراهیم به تو رسید؟ چون بر او درآمدند؛ پس سلام گفتند . گفت: «سلام! مردمی ناشناسید .» پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله ای فربه [ و بریان ] آورد . آن را به نزدیکشان بُرد [ و ] گفت: «مگر نمی خورید؟» .

ص: ۶۴

الحدیث الإمام الصادق علیه السلام: لَمَّا جَاءَ الْمُرْسَلُونَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَهُمْ بِالْعِجْلِ، فَقَالَ: كُلُوا. فَقَالُوا: لَا نَأْكُلُ حَتَّى تُخْبِرَنَا مَا تُمْنُهُ، فَقَالَ: إِذَا أَكَلْتُمْ فَقُولُوا: «بِسْمِ اللَّهِ»، وَإِذَا فَرَّغْتُمْ فَقُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». قَالَ: فَالْتَفَتَ جِبْرِئِيلُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَكَانُوا أَرْبَعَةً، وَجِبْرِئِيلُ رَئِيسُهُمْ فَقَالَ: حَقُّ لَهِ أَنْ يَتَّخِذَ هَذَا خَلِيلًا. (۱)

الإمام علي عليه السلام: إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ، فَأَطِمْهُ مِنْ أَطِيبٍ مَا فِي بَيْتِكَ. (۲)

الكافي عن أبي خالد الكابلي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِالْعَدَاءِ فَأَكَلْتُ مَعَهُ طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا قَطُّ أَنْظَفَ مِنْهُ وَلَا أَطِيبَ فَلَمَّا فَرَّغْنَا مِنَ الطَّعَامِ قَالَ: يَا أبا خَالِدٍ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَكَ أَوْ قَالَ: طَعَامَنَا؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا رَأَيْتُ أَطِيبَ مِنْهُ وَلَا أَنْظَفَ قَطُّ وَلَكِنِّي ذَكَرْتُ الْآيَةَ الَّتِي فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «ثُمَّ لَتَسْ؟ لَنْ يَوْمِنِدٍ عَنِ النَّعِيمِ» (۳) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ. (۴)

- ۱- علل الشرائع: ص ۳۵ ح ۶، قصص الأنبياء للراوندي: ص ۱۰۹ ح ۱۰۵ كلاهما عن عبد الله بن هلال، تفسير العياشي: ج ۲ ص ۱۵۳ ح ۴۷ عن عبد الله بن أبي هلال، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۵ ح ۱۲.
- ۲- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۳۴۲.
- ۳- التكاثر: ۸.
- ۴- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۰ ح ۵، المحاسن: ج ۲ ص ۱۶۳ ح ۱۴۴۷، تأويل الآيات الظاهرة: ج ۲ ص ۸۵۱ ح ۷ نحوه، وفيه «نحن النعيم الذي تسألون عنه» بدل «انما تسألون عما أنتم عليه من الحق»، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۲۶۵ ح ۲۴.



ص: ۶۵

حدیث امام صادق علیه السلام: چون فرستادگان [الهی] نزد ابراهیم علیه السلام آمدند، برایشان گوساله ای [بریان] آورد و گفت: « بخورید ». آنها گفتند: نمی خوریم تا به ما بگویی که بهایش چند است. ابراهیم گفت: « بهایش این است که [چون شروع به خوردن کردید، بسم الله بگویید، و چون دست از خوردن کشیدید، الحمد لله بگویید]. جبرئیل به همراهانش که چهار تن بودند و جبرئیل، ریسیشان بود رو کرد و گفت: « سزاوار است که خداوند این را خلیل خود گرداند ».

امام علی علیه السلام: هرگاه برادر مؤمن بر تو وارد شد، از بهترین غذایی که در خانه ات داری، به او بخوران.

الکافی به نقل از ابو خالد کابلی: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم، ایشان [مرا] به غذا خوردن دعوت کرد. من با ایشان غذا خوردم؛ غذایی که هرگز تمیزتر و خوش مزه تر از آن نخورده بودم. وقتی از غذا خوردن فارغ شدیم، امام فرمود: «ای ابو خالد! غذایت یا فرمود: غذای ما را چه گونه دیدی؟». گفتم: فدایت گردم! هرگز غذایی تمیزتر و خوش مزه تر از آن ندیده ام؛ ولی یاد آیه ای در کتاب خدای عز و جل افتادم [که فرموده است]: «سپس آن روز حتما از نعمت پرسیده می شوید». امام باقر علیه السلام فرمود: «نه، شما از حقی که در آن هستید [و به آن ایمان دارید، یعنی ولایت]، پرسیده می شوید».

ص: ۶۶

الكافی عن ابن بكیر عن بعض أصحابنا: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُبَّمَا أَطْعَمَنَا الْفَرَانِيَّ وَالْأَخْبِصَةَ ثُمَّ يُطْعِمُ الْخُبْزَ وَالزَّبْتِ فَقِيلَ لَهُ: لَوْ دَبَّرْتَ أَمْرَكَ حَتَّى تَعْتَدِلَ، فَقَالَ: إِنَّمَا نَتَدَبَّرُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا وَسَّعَ عَلَيْنَا وَسَّعْنَا وَإِذَا قَتَّرَ عَلَيْنَا قَتَّرْنَا. (۱)

الكافی عن أبي حمزه: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةً فَمَدَعَا بِطَعَامٍ مَا لَنَا عَهْدٌ بِمِثْلِهِ لَمَذَاذَةً وَطِيبًا، وَأُوتِينَا بِتَمْرٍ نَنْظُرُ فِيهِ إِلَى وُجُوهِنَا مِنْ صَفَائِهِ وَحُسْنِهِ فَقَالَ رَجُلٌ: لَتَسْأَلَنَّ عَنْ هَذَا النَّعِيمِ الَّذِي نُعْمَتُمْ بِهِ عِنْدَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَكْرَمُ وَأَجْلَلُ مِنْ أَنْ يُطْعِمَكُمْ طَعَامًا فَيَسْوَعُكُمْوَهُ ثُمَّ يَسْأَلُكُمْ عَنْهُ وَلَكِنْ يَسْأَلُكُمْ عَمَّا أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. (۲)

۲ / ۸ حَسُنَ الضِّيَافَةُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجَمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ: مَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَهُ مَالٌ فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ، وَلْيَحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ. (۳)

عنه عليه السلام في وصيته عند وفاته: اللَّهُ اللَّهُ فِي ابْنِ السَّبِيلِ، فَلَا يَسْتَوْحِشَنَّ مِنْ عَشِيرَتِهِ بِمَكَانِكُمْ، وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الضَّيْفِ، لَا يَنْصَرِفَنَّ إِلَّا شَاكِرًا لَكُمْ. (۴)

- ۱- الكافي: ج ۶ ص ۲۷۹ ح ۱، المحاسن: ج ۲ ص ۱۶۴ ح ۱۴۴۹، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۲۲ ح ۲۲.
- ۲- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۰ ح ۳، المحاسن: ج ۲ ص ۱۶۴ ح ۱۴۴۸ نحوه، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۵۳ ح ۱۰.
- ۳- الكافي: ج ۴ ص ۳۲ ح ۳ عن أبي مخنف الأزدي، نهج البلاغه: الخطبة ۱۴۲، تحف العقول: ص ۱۸۶ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۴۱ ص ۱۲۳ ح ۲۹.
- ۴- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۳۵۲ ح ۱۲۹۷ عن الإمام زين العابدين والإمام الباقر عليهما السلام، مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۲۶۰ ح ۱۹۸۰۲.

ص: ۶۷

**۲ / ۸ پذیرایی شایسته**

الکافی به نقل از ابن بُکیر، از یکی از راویان شیعه: امام صادق علیه السلام، گاهی با نانِ گِردِه و حلوای روغن و خرما از ما پذیرایی می کرد [که خوراک اغنیا بود] و گاهی با نان و زیتون. به ایشان گفته شد: کاش کارت را تدبیری می کردی تا در آن اعتدال باشد! فرمود: «ما به فرمان خداوند عز و جل تدبیر می کنیم. اگر خداوند، زندگی ما را وسعت دهد، ما هم وسعت می دهیم و اگر تنگ بگیرد، ما هم تنگ می گیریم».

الکافی به نقل از ابو حمزه: چند نفری، نزد امام صادق علیه السلام بودیم. برای ما غذایی سفارش داد که چنان غذای لذیذ و خوش مزه ای را به یاد نداریم، و به ما خرمایی داده شد که به خاطر خوبی و یک دستی اش [بهت زده] به همدیگر نگاه می کردیم. مردی گفت: از این نعمتی که نزد پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخوردار شدید، [روز قیامت] سؤال خواهید شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عز و جل، بزرگوارتر و برتر از این است که غذایی نصیب شما کند و اجازه استفاده آن را بدهد، و بعد، از آن، بازخواست نماید. آری. از شما در باره نعمت محمّد و خاندان محمّد صلی الله علیه و آله که نصیبتان کرده خواهد پرسید».

۲ / ۸ پذیرایی شایسته امام علی علیه السلام به گروهی از شیعیان: هر یک از شما که ثروتی دارد، باید با آن، به خویشاوندانش کمک و رسیدگی کند و نیکو مهمان نوازی نماید.

امام علی علیه السلام در وصیتش به هنگام وفاتش: خدا را، خدا را در حقّ مسافران در راه مانده، در نظر بگیرید! زنهاری که با وجود شما، احساس غربت و دوری از عشیره اش کند! خدا را، خدا را در حقّ مهمان، در نظر بگیرید! زنهاری که از نزد شما برود، مگر با سپاس گزاری از شما!

ص: ٦٨

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَيَّاهُ وَالْفَسَادَ ... وَمَنْ صَنَعَ الْمَعْرُوفَ فِيمَا آتَاهُ اللَّهُ فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ ، وَلْيَحْسِنِ فِيهِ الضِّيَافَةَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام في بيان المظلوم في قوله تعالى : «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» قال : إِنَّهُ الضَّيْفُ يَنْزِلُ بِالرَّجُلِ فَلَا يُحْسِنُ ضِيَافَتَهُ ، فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ فِي أَنْ يَذْكُرَهُ بِسُوءٍ مَا فَعَلَهُ . (٢)

عنه عليه السلام في قول الله «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» (٣) : مَنْ أَضَافَ قَوْمًا فَأَسَاءَ ضِيَافَتَهُمْ ، فَهُوَ مِمَّنْ ظَلَمَ ، فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِيمَا قَالُوا فِيهِ . (٤)

٢ / ٩ الطَّاعِرُ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ ، فَهُوَ أَمِيرٌ عَلَيْهِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ عِنْدِهِ . (٥)

٢ / ١٠ التَّكَلُّفُ لِلْمِدْعُوِّ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَتَاكَ أَخُوكَ فَقَدِّمَ إِلَيْهِ مَا تَيْسَّرَ عِنْدَكَ ، وَإِنْ دَعَوْتَهُ فَتَكَلَّفْ لَهُ مَا أَمَكَّنَكَ . (٦)

١- الأمالى للمفيد : ص ١٧٦ ح ٦ ، الأمالى للطوسى : ص ١٩٥ ح ٣٣١ وفيه «ضَيِّع» بدل «صنَع» ، الغارات : ج ١ ص ٧٦ كلها عن ربيعه وعمارته وغيرهما ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ١٠٩ ح ١٥ .

٢- مجمع البيان : ج ٣ ص ٢٠٢ ، تفسير نور الثقلين : ج ١ ص ٥٦٨ ح ٦٤٨ .

٣- النساء : ١٤٨ .

٤- تفسير العياشى : ج ١ ص ٢٨٣ ح ٢٩٦ عن الفضل بن أبى قره ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٨٥ ح ٥٠ .

٥- كنز العمال : ج ٩ ص ٢٦٠ ح ٢٥٩٤١ .

٦- دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٠٧ ح ٣٤٣ .

ص: ۶۹

**۹ / ۲ فرمانبری****۱۰ / ۲ کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده**

امام علی علیه السلام: آن که ثروتی دارد، زنهارش باد از تباهکاری! ... و آن که می خواهد با آنچه خداوند عطایش کرده نیکی کند، به خویشاوندش رسیدگی نماید و نیکو مهمانداری کند.

امام صادق علیه السلام در معنای ستم دیده در آیه شریف: «خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [ از ] کسی که بر او ستم رفته است»: هنگامی که مهمان بر شخصی وارد می شود و آن شخص، از او به خوبی پذیرایی نمی کند، بر آن مهمان، گناهی نیست اگر از رفتار بد او یاد کند.

امام صادق علیه السلام در باره آیه شریف: «خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [ از ] کسی که بر او ستم رفته است»: هر کس گروهی را مهمان کند و از آنها بد پذیرایی نماید، او از کسانی است که ستم کرده. پس بر آن عده، گناهی نیست اگر در باره اش چیزی بگویند.

۹ / ۲ فرمانبری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما بر برادرش وارد شد، امیر بر اوست تا آن گاه که از نزدش برود.

۱۰ / ۲ کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده امام صادق علیه السلام: هرگاه برادرت سرزده بر تو وارد شد، با آنچه فراهم داری، از او پذیرایی کن؛ اما اگر دعوتش کرده بودی، تا جایی که در توانت هست، برایش بکوش.

ص: ٧٠

عنه عليه السلام: إذا أتاك أخوك فائتبه بما عندك ، وإذا دَعَوته فتكَلَّف له . (١)

٢ / ١١ التَّقَدُّمُ فِي يَدَيْ الْأَكْلِ وَالَّتَأَخُّرُ فِي الْفَرَاغِ مِنْهُ لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَاحِبِ الرَّحْلِ يَتَوَضَّأُ (٢) أَوَّلَ الْقَوْمِ قَبْلَ الطَّعَامِ ، وَآخِرَ الْقَوْمِ بَعْدَ الطَّعَامِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَبْدَأُ صَاحِبُ الْبَيْتِ ؛ لِنَلَّا يَحْتَشِمُ أَحَدٌ ... وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ : يَغْسِلُ أَوَّلًا رَبَّ الْبَيْتِ يَدَهُ ثُمَّ يَبْدَأُ بِمَنْ عَلَى يَمِينِهِ ... وَيَكُونُ آخِرَ مَنْ يَغْسِلُ يَدَهُ صَاحِبُ الْمَنْزِلِ ؛ لِأَنَّهُ أَوْلَى بِالصَّبْرِ عَلَى الْعَمْرِ (٤) . (٥)

دعائم الإسلام: عَن جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : رَبُّ الْبَيْتِ يَتَوَضَّأُ آخِرَ الْقَوْمِ . يَعْنِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ غَيْرِ عِيَالِهِ ، إِذَا حَضَرَ عِنْدَهُ قَوْمٌ مِنْ إِخْوَانِهِ . (٦)

١- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٦ ح ٦ ، المحاسن: ج ٢ ص ١٧٩ ح ١٥٠٦ كلاهما عن هشام بن سالم ، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٣٤٣ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٣ ح ١٢ .

٢- المراد من الوضوء هنا هو غسل اليدين . قال الطريحي: قد يطلق الوضوء على غسل اليد ، وهو شائع فيه ، ومنه «صاحب الرحل يشرب أول القوم ويتوضأ آخرهم» (انظر: مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٤٤ «وضأ»).

٣- قرب الإسناد: ص ٧٠ ح ٢٢٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٥٣ ح ٨ .

٤- العَمْرُ بِالْتَحْرِيكِ: رِيحُ اللَّحْمِ وَالسَّهْكِ ، وَقَدْ غَمَرَتْ يَدِي مِنَ اللَّحْمِ فَهِيَ غَمْرَةٌ أَيْ زَهْمَةٌ (الصحاح: ج ٢ ص ٧٧٣ «غمر»).

٥- الكافي: ج ٦ ص ٢٩٠ ح ١ ، علل الشرائع: ص ٢٩١ ح ١ و ٢ ، المحاسن: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ١٥٩٩ كلها عن محمد بن عجلان ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٥٨ ح ٢٥ .

٦- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٢١ ح ٤١٥ ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٦٥ ح ٤٣ .

ص: ۷۱

**۲ / ۱۱ زودتر شروع کردن غذا و دیرتر دست کشیدن از آن**

امام صادق علیه السلام: هرگاه برادرت، ناخوانده بر تو در آمد، همان چیزی را که در خانه ات داری، برایش بیاور؛ ولی هرگاه دعوتش کردی، در پذیرایی از او به سختی بکوش.

۲ / ۱۱ زودتر شروع کردن غذا و دیرتر دست کشیدن از آن امام باقر علیه السلام: صاحب خانه، قبل از غذا باید دست هایش را پیش از دیگران بشوید و بعد از غذا، آخر از همه.

امام صادق علیه السلام: دست شستن پیش از غذا را صاحب خانه باید شروع کند، تا این که کسی خجالت نکشد... در حدیث دیگری آمده است: در ابتدا صاحب خانه باید دستش را بشوید، آن گاه کسی که در سمت راست او نشسته است... و آخرین کسی که دستش را می شوید، صاحب منزل است؛ زیرا او به صبر کردن بر چربی و بوی گوشت بر دست، سزاوارتر است.

دعائم الاسلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «صاحب خانه، آخر از دیگران دست هایش را می شوید». منظور ایشان، افراد غیر خانواده اوست، آن گاه که عده‌ای از برادرانش مهمان او شده اند.

رسول الله صلى الله عليه و آله :صاحبُ الرَّحْلِ يَشْرَبُ أَوَّلَ الْقَوْمِ (۱)، وَيَتَوَضَّأُ آخِرَهُمْ . (۲)

نکتهدقیقاً للروایات الآنفه الذکر فإن من الجدید بصاحب الدعوه أن يتقدم على الضیوف بغسل یدیه قبل البدء بالطعام ، ويتأخر عنهم فی ذلك بعد الانتهاء منه . والذی يبدو فی النظر أن الهدف الأساسي من هذه الروایات والروایات الأخرى التى تدعو صاحب الطعام بأن يكون أول من يبدأ بتناول الطعام وآخر من ینتهى منه هو التنبیه على أنه ینبغى للمضيف أن یبین للضيوف عملیاً ارتیاحه من إجابته دعوته ، ویريهم من خلال استضافتهم بالشکل اللائق استعدادہ لخدمتهم ، وما تقدمه عليهم فی غسل یدیه قبل الطعام وتقدمه فی تناول الطعام إلما وسیله للتعبير عن هذا المعنى . ومن الواضح أن جلوس صاحب الطعام على المائدة وتهئأه لتناول الطعام یُشعر الضیف براحه أكبر ، ویزیل عنه الخجل حين انشغاله بتناول الطعام . كما أن تأخره عن الضیوف فی غسل یدیه یفسح المجال لمن يأكل ببطء أن یشبع من الطعام حیث ستكون لديه الفرصه الكافیه لتناول الطعام من دون خجل . وعلى اساس هذا الأدب یمکننا القول بأن كل تصرف یرصد من المستضيف من شأنه بیان رضاه عن استضافه الضیف ، فهو مستحسن من وجهه نظر الإسلام .

۱- «صاحب الرحل» أى صاحب المنزل ، «یشرب أول القوم» أى الأضياف ، كما أنه يبدأ بالأكل لئلا یحتشموا ، ولا ینافی ما سیأتى أن ساقى القوم آخرهم شرباً ، فإنه فرق بین صاحب الرحل والساقى ، ویمکن أن یحمل الأخير على عطش القوم ، والوضوء غسل ید قبل الطعام (بحار الأنوار : ج ۶۶ ص ۳۶۷) .

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۴۲۵۱ ، المحاسن : ج ۲ ص ۲۴۰ ح ۱۷۳۹ عن النوفلى ، بحار الأنوار : ج ۶۶ ص ۳۶۷ ح ۴۸ .



## نکته

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صاحب خانه ، قبل از دیگران می نوشد، (۱) و بعد از همه ، دست هایش را می شوید .

نکته مطابق روایات یاد شده ، شایسته است که میزبان ، پیش از مهمانان در آغاز و بعد از همه آنان در پایان غذا خوردن ، دستان خود را بشوید. به نظر می رسد پیام اصلی این احادیث و دیگر احادیثی که به میزبان توصیه می کند تا نخستین نفری باشد که مشغول غذا خوردن می شود یا آخرین نفری باشد که از غذا خوردن دست می کشد ، یادآوری این نکته به اوست که میزبان باید به صورت عملی ، خرسندی خود را از حضور مهمانان و آمادگی اش را برای پذیرایی شایسته از آنها اعلام نماید و پیشی گرفتن میزبان برای شستن دست خود پیش از شروع غذا خوردن ، در حقیقت ، وسیله ای برای ابراز این معناست . روشن است چنانچه میزبان ، خود ، پیش از همه در کنار سفره حضور یابد و برای خوردن غذا آماده شود ، مهمانان نیز راحت تر و بدون خجالت کشیدن ، مشغول غذا خوردن می شوند . همچنان که اگر میزبان ، آخرین کسی باشد که از غذا خوردن دست بشوید ، مهمان هایی که کندتر غذا می خورند، فرصت کافی برای سیر شدن خواهند داشت . بر مبنای این ادب می توان گفت که هر اقدامی از سوی میزبان که نشانه رضایتمندی وی از پذیرایی از مهمان است ، از نظر اسلام ، پسندیده است .

۱- . یعنی اگر برای پذیرایی ، نوشیدنی آورده شد ، شایسته است که میزبان ، پیش از همه اقدام به نوشیدن نماید ؛ همچنان که سر سفره غذا نیز باید قبل از آنان شروع به خوردن کند تا مهمانان خجالت نکشند . این حدیث ، با حدیثی که می گوید : « ساقی قوم باید آخر از همه آب بنوشد » ، منافاتی ندارد ؛ چرا که میان میزبان و ساقی ، تفاوت است ؛ ثانیاً بر فرض این که میزبان ، خود ساقی باشد ، احتمال دارد حدیث دوم ، ناظر به موردی باشد که همگان تشنه اند . در این صورت ، شایسته است که میزبان ، آخرین کسی باشد که آب می نوشد .

ص: ۷۴

۱۲ / ۲ الأكل مع الضيف رسول الله صلى الله عليه وآله: من أراد أن يحبه الله، فلْيَأْكُلْ طعامَهُ مَعَ ضَيْفِهِ . (۱)

عنه صلى الله عليه وآله: من أحب أن يحبه الله ورسوله، فلْيَأْكُلْ مَعَ ضَيْفِهِ . (۲)

عنه صلى الله عليه وآله: من أكل طعامَهُ مَعَ ضَيْفِهِ، فَلَيْسَ لَهُ حِجَابٌ دُونَ الرَّبِّ . (۳)

مكارم الأخلاق: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ كُلَّ الْأَصْنَافِ مِنَ الطَّعَامِ، وَكَانَ يَأْكُلُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مَعَ أَهْلِهِ وَخَدَمِهِ إِذَا أَكَلُوا وَمَعَ مَنْ يَدْعُوهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى الْأَرْضِ، وَعَلَى مَا أَكَلُوا عَلَيْهِ، وَمِمَّا أَكَلُوا، إِلَّا أَنْ يَنْزِلَ بِهِمْ ضَيْفٌ فَيَأْكُلُ مَعَ ضَيْفِهِ. وَكَانَ أَحَبَّ الطَّعَامِ إِلَيْهِ مَا كَانَ عَلَى ضَيْفٍ (۴). (۵)

المصنّف لعبد الرزّاق عن مجاهد: نَزَلَ رَجُلٌ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَجَاءَ وَقَدْ أَمْسَى، فَقَالَ: أَعْشَيْتُمْ [ضَيْفَكُمْ] (۶)؟ قَالُوا: لَا، إِنْتَظَرْنَاكَ! قَالَ: إِنْتَظَرْتُمُونِي إِلَى هَذِهِ السَّاعَةِ؟ وَاللَّهِ لَا أَذُوقُهُ. فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ: وَاللَّهِ لَا أَذُوقُهُ إِنْ لَمْ تَذُقْهُ، وَقَالَ الضَّيْفُ: وَاللَّهِ لَا أَكُلُ إِنْ لَمْ تَأْكُلُوا. فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ الرَّجُلُ، قَالَ: لَا أَجْمَعُ أَنْ أَمْنَعُ نَفْسِي وَضَيْفِي وَأَمْرَأَتِي، فَوَضَعَ يَدَهُ فَأَكَلَ. فَلَمَّا أَصْبَحَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا صَنَعْتَ؟ قَالَ: أَكَلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَطَعْتَ اللَّهَ وَعَصَيْتَ الشَّيْطَانَ. (۷)

- ۱- مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۲۶۰ ح ۱۹۸۰۳ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
- ۲- تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۱۱۶ .
- ۳- تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۱۱۶ .
- ۴- الضَّيْفُ: كثرة الأيدي على الطَّعام (الصحاح: ج ۴ ص ۱۳۹۱ «ضيف»).
- ۵- مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۶۸ ح ۷۹، بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۴۹ ح ۱۰ .
- ۶- ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمال .
- ۷- المصنّف لعبد الرزّاق: ج ۸ ص ۴۹۹ ح ۱۶۰۴۵، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۷۲۶ ح ۴۶۵۳۳ .

ص: ۷۵

**۲ / ۱۲ صرف غذا به همراه مهمان**

۲ / ۱۲ صرف غذا به همراه مهمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که می خواهد خداوند دوستش بدارد، باید غذایش را با مهمان خود بخورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد که خداوند و پیامبرش او را دوست بدانند، باید با مهمانش غذا بخورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس غذایش را با مهمان خود بخورد، میان او و خداوند، پرده ای نیست .

مکارم الأخلاق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر نوع غذایی را می خورد. آنچه را خدا برایش حلال کرده بود، در کنار خانواده و خدمتکارانش و [یا] با کسانی که او را دعوت می کردند، می خورد، بر روی زمین یا بر آنچه آنها روی آن می خوردند، و از هر چه آنها می خوردند [پیامبر صلی الله علیه و آله هم می خورد]، مگر آن که مهمانی بر آنها وارد می شد که در این صورت، با مهمانش غذا می خورد . محبوب ترین غذا هم نزد ایشان، غذایی بود که دست های بیشتری در خوردن آن شرکت داشتند.

المصنّف، عبد الرزّاق به نقل از مجاهد: شخصی بر مردی از انصار در آمد . شب هنگام، مرد انصاری به خانه آمد، پرسید: آیا [مهمانتان را] شام داده اید؟ اهل خانه گفتند: نه، منتظر تو بودیم! انصاری گفت: تا این ساعت منتظر من بوده اید؟ به خدا قسم که از این غذا نمی چشم! زن گفت: به خدا قسم اگر تو نجشی، من هم نمی چشم! مهمان گفت: به خدا قسم اگر شما نخورید، من هم نمی خورم! مرد انصاری چون چنین دید، گفت: حاضر نیستم هم خودم و هم مهمانم و هم زخم را از خوردن باز دارم . پس دست بُرد و شروع به خوردن کرد. صبح که فرا رسید، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و داستان را به ایشان گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: « چه کردی؟ ». گفت: خوردم، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « خدا را فرمان بردی و شیطان را نافرمانی کردی » .

ص: ٧٦

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا أَتَاهُ الضَّيْفُ أَكَلَلَ مَعَهُ ، وَلَمْ يَرْفَعْ يَدَهُ مِنَ الْخِوَانِ حَتَّى يَرْفَعَ الضَّيْفُ يَدَهُ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الزَّائِرَ إِذَا زَارَ الْمَزُورَ فَأَكَلَ مَعَهُ أَلْقَى عَنْهُ الْحِشْمَةَ ، وَإِذَا [لَمْ] (٢) يَأْكُلْ مَعَهُ يَنْقَبِضُ قَلِيلًا . (٣)

١٣ / ٢ حَتْ الضَّيْفِ عَلَى الْأَكِيلِ الإمام علي عليه السلام: إِذَا أَطَعَمْتَ فَاشْبِعْ . (٤)

الكافي عن هشام بن سالم: دَخَلْنَا مَعَ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ ، فَدَعَا بِالْغَدَاءِ ، فَتَغَدَّيْنَا وَتَغَدَّى مَعَنَا ، وَكَنتُ أَحَدَثَ الْقَوْمِ سِنًا ، فَجَعَلْتُ أَقْصَرُ وَأَنَا أَكُلُ . فَقَالَ لِي : كُلْ ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ تُعْرَفُ مَوَدَّةَ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِأَكْلِهِ مِنْ طَعَامِهِ . (٥)

الكافي عن أبي الرِّبِيعِ: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَعَامٍ فَأَتَيْتِي بِهِ رِيسَهُ ، فَقَالَ لَنَا : أُدْنُوا فَكُلُوا ، قَالَ : فَأَقْبَلَ الْقَوْمَ يُقْصِرُونَ . فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُوا ؛ فَإِنَّمَا يَسْتَبِينُ مَوَدَّةَ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ فِي أَكْلِهِ عِنْدَهُ . قَالَ : فَأَقْبَلْنَا نَغْصَّ (٦) أَنْفُسَنَا كَمَا تُغْصُ الْإِبِلُ ! (٧)

١- الكافي: ج ٦ ص ٢٨٦ ح ٤ ، مسائل علي بن جعفر: ص ٣٤١ ح ٨٣٨ كلاهما عن علي بن جعفر .

٢- ما بين المعقوفين أثبتناه من الوافي: ج ٢٠ ص ٥٤٤ ح ١٩٩٧١ وهو الصحيح .

٣- الكافي: ج ٦ ص ٢٨٦ ح ٣ عن جميل بن دراج .

٤- غرر الحكم: ج ٣ ص ١١٩ ح ٤٠٠٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٤ ح ٣٠٤٨ .

٥- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٨ ح ١ ، المحاسن: ج ٢ ص ١٨٤ ح ١٥٢٨ ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٤٩ ح ٦ .

٦- قال في النهاية: غصصت بالماء أغص غصصا: إذا شرقت به أو وقف في حلقك فلم تكد تسيغه . وفي بعض نسخ الكتاب «نغص» وهو من غص عليه بالنواجذ؛ أي استمسكه . وفي بعضها «تغصز أنفسنا كما تغصز الإبل» وهو أظهر ، وقال في النهاية: يقال: ضغزت البعير إذا علفته الضفائر؛ وهي اللقم الكبار ، الواحد ضغيزه (مرآة العقول: ج ٢٢ ص ٨٦) .

٧- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٩ ح ٦ ، المحاسن: ج ٢ ص ١٨٤ ح ١٥٣٠ عن يونس بن ربيع وفيه «نصغر» بدل «نغص» و «يصير» بدل «تغص» ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٠ ح ٨ .

ص: ۷۷

**۲ / ۱۳ تعارف کردن مهمان به خوردن**

امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه برایش مهمان می آمد، غذایش را با او می خورد و دست از سفره نمی کشید تا آن که مهمان، دست می کشید.

امام صادق علیه السلام: هرگاه مهمان برای کسی بیاید و میزبان، با او غذا بخورد، خجالت را از مهمان می زداید، و چنانچه با او نخورد، مهمان، احساس راحتی نمی کند.

۲ / ۱۳ تعارف کردن مهمان به خوردن امام علی علیه السلام: هرگاه غذا دادی، سیر کن.

الکافی به نقل از هشام بن سالم: همراه ابن ابی یعفور، نزد امام صادق علیه السلام رفتیم. ما چند نفر بودیم. امام علیه السلام دستور داد ناهار آوردند و ما ناهار خوردیم و امام هم با ما ناهار خورد. در آن جمع، من از همه جوان تر بودم؛ لذا با خجالت غذا می خوردم. امام علیه السلام به من فرمود: «بخور. مگر نمی دانی که محبت انسان به برادرش، با خوردن او از غذای برادرش معلوم می شود؟».

الکافی به نقل از ابو ربیع: امام صادق علیه السلام غذا طلبید. هلم آوردند. به ما فرمود: «پیش آیید و بخورید». افراد، در خوردن، کوتاهی می کردند. فرمود: «بخورید؛ زیرا محبت انسان نسبت به برادرش، از خوردن در سفره او معلوم می شود». ما چنان شروع به خوردن کردیم که داشتیم خودمان را مانند شتر که گلوگیر می شود، خفه می کردیم!

ص: ۷۸

الإمام الصادق عليه السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ وَهُوَ يَأْكُلُ مَعَهُ : إِنَّمَا تُعْرَفُ مَوَدَّةُ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِجَوْدِهِ أَكْلِهِ مِنْ طَعَامِهِ ، وَإِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِي فَيَجِدُ الْأَكْلَ ، يَسُرُّنِي بِذَلِكَ . (۱)

الكافي عن عنبسه بن مصعب : أتينا أبا عبد الله عليه السلام وهو يريد الخروج إلى مكة ، فأمر بسفره فوضعت بين أيدينا . فقال : كلوا ، فأكلنا . فقال : أثبتتم ، أثبتتم ؛ إنه كان يقال : اعتبر حُبَّ القوم بأكلهم ، قال : فأكلنا وقد ذهب الحشمة . (۲)

الكافي عن عبد الرحمن بن الحجاج : أكلنا مع أبي عبد الله عليه السلام فأوتينا بقصعة من أرز ، فجعلنا نعدُّ ، فقال عليه السلام : ما صنعتم شيئا ، إن أشدكم حبا لنا أحسنكم أكلًا عندنا . قال عبد الرحمن : فرفعت كسحة المائدة فأكلت ، فقال : نعم الآن ، وأنشأ يُحدِّثنا أن رسول الله صلى الله عليه وآله أهدى إليه قصعة أرز من ناحية الأنصار ، فدعا سِلْمَانَ وَالْمِقْدَادَ وَأَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَجَعَلُوا يُعْذِرُونَ فِي الْأَكْلِ . فقال : «ما يصنعتم شيئا ، أشدكم حبا لنا أحسنكم أكلًا عندنا» ، فجعلوا يأكلون أكلًا جيِّدا . ثم قال أبو عبد الله عليه السلام : رَحِمَهُمُ اللَّهُ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَصَلَّى عَلَيْهِمْ . (۳)

۱- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۳۴۴ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۴۳ ح ۱۹۷۳۵ .

۲- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۹ ح ۵ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۴ ح ۱۵۲۹ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۹ ح ۷ .

۳- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۸ ح ۲ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۵ ح ۱۵۳۱ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۰ ح ۹ .

ص: ۷۹

امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش که با او غذا می خورد: محبت شخص به برادرش، از خوب خوردنش از غذای او معلوم می شود. من خوش دارم که شخص از غذایم بخورد و حسابی (راحت) بخورد؛ [چون] با این کار، مرا خوش حال می کند.

الکافی به نقل از عنبسه بن مصعب: نزد امام صادق علیه السلام رسیدیم، در حالی که قصد رفتن به مکه داشت. دستور داد سفره آوردند و برایمان گسترده. سپس فرمود: «بفرمایید» و ما شروع به خوردن کردیم. امام علیه السلام فرمود: «ثابت کردید، ثابت کردید! می گویند: دوستی افراد را از خوردنشان بشناسید». پس، خجالتمان از بین رفت و خوردیم.

الکافی به نقل از عبد الرحمان بن حجاج: همراه امام صادق علیه السلام غذا تناول می کردیم که سینی پلویی برایمان آوردند. ما با کندی می خوردیم. فرمود: «نشد! با محبت ترین شما نسبت به ما، کسی است که نزد ما بهتر بخورد». با این حرف، من ریزه های سفره را هم برداشتم و خوردم. امام فرمود: «حالا- شد». و برایمان روایت کرد که از طرف انصار، سینی پلویی برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند. پیامبر، سلمان و مقداد و ابوذر رضی الله عنهم را هم دعوت کرد. آنها در خوردن، کندی می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نشد! با محبت ترین شما نسبت به ما، کسی است که نزد ما راحت تر (حسابی تر) بخورد». پس آنها راحت تر، به خدا خوردن ادامه دادند. امام صادق علیه السلام آن گاه، فرمود: «خدا رحمتشان کند و از ایشان خشنود باشد و بر آنان درود فرستد!». .

ص: ٨٠

الكافي عن عيسى بن أبي منصور: أَكَلْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَجَعَلَ يُلْقَى بَيْنَ يَدَيَّ الشُّوَاءَ . ثُمَّ قَالَ : يَا عَيْسَى ، إِنَّهُ يُقَالُ :  
إِعْتَبِرْ حُبَّ الرَّجُلِ بِأَكْلِهِ مِنْ طَعَامِ أَخِيهِ . (١)

المحاسن عن هشام بن سالم: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ لِرَجُلٍ كَانَ يَأْكُلُ : أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ يُعْرَفُ حُبُّ الرَّجُلِ أَخَاهُ  
بِكَثْرَةِ أَكْلِهِ عِنْدَهُ؟! (٢)

الكافي عن عبد الله بن سليمان الصيرفي: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدَّمْ إِلَيْنَا طَعَامًا فِيهِ شِوَاءٌ وَأَشْيَاءٌ بَعْدَهُ ، ثُمَّ جَاءَ بِقَصْعَةٍ  
فِيهَا أَرْزٌ ، فَأَكَلْتُ مَعَهُ ، فَقَالَ : كُلْ ، قُلْتُ : قَدْ أَكَلْتُ . فَقَالَ : كُلْ ؛ فَإِنَّهُ يُعْتَبَرُ حُبُّ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِانْبِسَاطِهِ فِي طَعَامِهِ . ثُمَّ حَازَ لِي حَوْزًا  
(٣) بِإِصْبَعِهِ مِنَ الْقَصْعَةِ ، فَقَالَ لِي : لَتَأْكُلَنَّ ذَا بَعْدَ مَا قَدْ أَكَلْتَ ، فَأَكَلْتُهُ . (٤)

- ١- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٨ ح ٣، المحاسن: ج ٢ ص ١٨٣ ح ١٥٢٥ عن يونس بن يعقوب، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٤٩ ح ٣.
- ٢- المحاسن: ج ٢ ص ١٨٣ ح ١٥٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٤٨ ح ١.
- ٣- الحوزة: الجمع، وكل من ضم شيئاً إلى نفسه فقد حازه (الصحاح: ج ٣ ص ٨٧٥ «حوز»).
- ٤- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٩ ح ٤، المحاسن: ج ٢ ص ١٨٣ ح ١٥٢٦، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٤٩ ح ٤.



ص: ۸۱

الكافی به نقل از عیسی بن ابی منصور: نزد امام صادق علیه السلام غذا تناول کردم. ایشان، جلوی من، کباب می گذاشت. سپس فرمود: «ای عیسی! می گویند که محبت شخص را از خوردن او از غذای برادرش بشناس.»

المحاسن به نقل از هشام بن سالم: از امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی که مشغول خوردن بود، می فرمود: «مگر نمی دانی که محبت شخص به برادرش، از زیاد خوردن او نزد وی دانسته می شود؟!»

الكافی به نقل از عبد الله بن سلیمان صیرفی: نزد امام صادق علیه السلام بودم. برایمان غذایی آوردند که در آن، گوشت کباب شده بود و بعد از آن هم چیزهای دیگری آوردند. سپس سینی پلویی آوردند که من با ایشان خوردم. فرمود: «بخور». گفتم: خوردم. فرمود: «بخور. محبت شخص به برادرش، از راحت بودن او در خوردن از غذای وی دانسته می شود». سپس با انگشتش قسمتی از سینی را برایم علامت گذاشت و فرمود: «با آن که خورده ای، باید تا این جا بخوری». و من هم خوردم.

ص: ۸۲

المحاسن عن الحارث بن المغيرة: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَدَعَا بِالْخِوَانِ (۱) ، فَأَتَيْتِ بِقِصْعَةٍ فِيهَا أُرْزُ ، فَأَكَلْتُ مِنْهَا حَتَّى امْتَلَأْتُ ، فَحَطَّ بِيَدِهِ فِي الْقِصْعَةِ ، ثُمَّ قَالَ : أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ لَمَّا أَكَلْتَ دُونَ الْخَطِّ . (۲)

دعائم الإسلام: كَانَ بَعْضُهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ طَعَامَهُ أَحَدٌ قَالَ : كُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ وَتَبَّرَكَ بِهِ . (۳)

۱۴ / ۲ مُشَايَعَةُ الضَّيْفِ إِلَى الْبَارِسِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَيُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ . (۴)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ مِنَ الشُّنَنِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ . (۵)

۱- الخِوَانُ : مَا يُؤْكَلُ عَلَيْهِ ، مَعْرَبٌ (المصباح المنير : ص ۱۸۴ «خون»).

۲- المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۳ ح ۱۵۲۷ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۹ ح ۵ .

۳- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۴ ح ۳۳۰ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۳۲۹ ح ۲۰۰۵۳ .

۴- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ۲ ص ۷۰ ح ۳۲۳ عن دارم ونعيم بن صالح الطبرى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۱ ح ۱ .

۵- سنن ابن ماجه : ج ۲ ص ۱۱۱۴ ح ۳۳۵۸ ، مسند الشهاب : ج ۲ ص ۱۸۵ ح ۱۱۴۹ كلاهما عن أبى هريره ، الفردوس : ج ۳ ص ۶۳۶ ح ۵۹۹۴ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۴۸ ح ۲۵۸۷۱ .

ص: ۸۳

**۲ / ۱۴ بدرقه کردن مهمان تا در خانه**

المحاسن به نقل از حارث بن مغیره : به منزل امام صادق علیه السلام رفتم. دستور داد که سفره بیاورند. سینی پلویی آوردند. من [آن قدر] از آن خوردم تا این که سیر شدم. امام علیه السلام با دستش در سینی ، خط کشید . سپس فرمود : « سوگندت می دهم که تا این خط بخوری ! » .

دعائم الإسلام: یکی از معصومان علیهم السلام ، هر گاه کسی مهمانش بود، می فرمود: « بخور ، ای بنده خدا و از آن ، برکت بجوی! » .

۲ / ۱۴ بدرقه کردن مهمان تا در خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از حقوق مهمان است که تا دم در ، با او بروی و بدرقه اش کنی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از سنت است که شخص ، تا در خانه ، مهمانش را همراهی کند .

ص: ۸۴

الفصل الثالث : ما لا يَبْتغى لِلْمُضَيَّفِ ۳ / ۱ الرِّياءُ وَالسُّمْعُهُرُ رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ أَطْعَمَ طَعَامًا فِيهِ رِياءٌ وَسُمْعَةٌ ، جَعَلَ اللَّهُ عز و جل نارًا في بَطْنِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله :الْوَلِيمَةُ أَوَّلَ يَوْمٍ حَقُّ ، وَالثَّانِي مَعْرُوفٌ ، وَمَا زَادَ رِياءً وَسُمْعَةً . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله :الْوَلِيمَةُ حَقُّ ، وَالثَّانِيَةُ مَعْرُوفٌ ، وَالثَّالِثَةُ فَخْرٌ وَحَرْجٌ . (۳) . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله :طَعَامٌ فِي الْعُرْسِ يَوْمَ سَنَّهُ ، وَطَعَامٌ يَوْمَيْنِ فَضْلٌ ، وَطَعَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ رِياءً وَسُمْعَةً . (۵)

- 
- ۱- الفردوس : ج ۲ ص ۱۷۴ ح ۲۸۷۰ عن عائشه ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۴۵ ح ۲۵۸۵۸ .
  - ۲- الكافي : ج ۵ ص ۳۶۸ ح ۴ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۱۵۵۲ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۲۰۵ ح ۷۴۸ ، بحار الأنوار : ج ۱۰۳ ص ۲۷۷ ح ۴۱ ؛ سنن أبي داود : ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۳۷۴۵ ، مسند ابن حنبل : ج ۷ ص ۲۹۱ ح ۲۰۳۴۶ ، سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۶۱۷ ح ۱۹۱۵ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ۱۶ ص ۳۰۶ ح ۴۴۶۲۳ .
  - ۳- الحَرْجُ فِي الْأَصْلِ : الضِّيقُ ، وَيَقَعُ عَلَى الْإِثْمِ وَالْحَرَامِ (النهايه : ج ۱ ص ۳۶۱ «حرج»).
  - ۴- المعجم الكبير : ج ۲۲ ص ۱۳۷ ح ۳۶۲ عن وحشى بن حرب بن وحشى عن أبيه عن جدّه ، كنز العمال : ج ۱۶ ص ۳۰۷ ح ۴۴۶۳۰ .
  - ۵- المعجم الكبير : ج ۱۱ ص ۱۲۲ ح ۱۱۳۳۱ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ۱۶ ص ۳۰۶ ح ۴۴۶۲۰ .

## فصل سوم : آنچه شایسته میزبان نیست

### ۳ / ۱ خودنمایی و شهرت طلبی

فصل سوم : آنچه شایسته میزبان نیست ۳ / ۱ خودنمایی و شهرت طلبی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس اطعامی کند که در آن ، خودنمایی و شهرت طلبی باشد، خداوند عز و جل ، در روز قیامت ، در شکم او آتشی قرار می دهد تا آن گاه که از حساب خلائق فارغ شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه دادنِ روزِ اوّل ، وظیفه است، روز دوم ، احسان، و بیشتر از آن ، خودنمایی و شهرت طلبی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه [ی اوّل] ، وظیفه است، دومی ، احسان، و سومی ، فخرفروشی و گناه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک روز خرج دادن در عروسی، سنّت است، دو روز ، بخشش و احسان، و سه روز ، خودنمایی و شهرت طلبی.

ص: ۸۶

عنه صلى الله عليه و آله : طَعَامُ أَوَّلِ يَوْمٍ حَقٌّ ، وَطَعَامُ يَوْمِ الثَّانِي سُنَّةٌ ، وَطَعَامُ يَوْمِ الثَّلَاثِ سُمْعَةٌ ، وَمَنْ سَمِعَ (۱) سَمِعَ اللَّهُ بِهِ . (۲)

الإمام الباقر عليه السلام: الْوَلِيمَةُ يَوْمٌ ، وَيَوْمَانِ مَكْرُمَةٌ ، وَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ رِيَاءٌ وَسُمْعَةٌ . (۳)

راجع: ص ۴۸ (ما ينبغي للمضيف / حسن النية).

۳ / ۲ استِقْلَالٌ مَا عِنْدَهُ لِلضَّيْفِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَهْلِكُ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ أَنْ يَسْتَقِلَّ مَا عِنْدَهُ لِلضَّيْفِ . (۴)

رسول الله صلى الله عليه و آله : كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَسْتَقِلَّ مَا يُقَرَّبُ إِلَى إِخْوَانِهِ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله : هَلَاكُ بِالرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْهِ النَّفْرُ مِنْ إِخْوَانِهِ ، فَيَحْتَقِرَ مَا فِي بَيْتِهِ أَنْ يُقَدِّمَهُ إِلَيْهِمْ . (۶)

راجع: ص ۱۵۰ (ما لا ينبغي للضيف / احتقار ما يُقَرَّبُ إليه).

۱- يُقَالُ : سَمِعْتُ بِالرَّجُلِ تَسْمِيعًا وَتَسْمِعَةً إِذَا شَهَرْتَهُ وَنَدَدْتَهُ بِهِ (النهاية: ج ۲ ص ۴۰۱ «سمع»).

۲- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۴۰۴ ح ۱۰۹۷ عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۶ ح ۴۶۶۱۹.

۳- الكافي: ج ۵ ص ۳۶۸ ح ۳، تهذيب الأحكام: ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۱۶۳۱، المحاسن: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۱۵۵۱، بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۷۶ ح ۴۰.

۴- الكافي: ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۵، المحاسن: ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۵۳۶ كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۳ ح ۱۶.

۵- المحاسن: ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۵۳۳ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۳ ح ۱۴.

۶- مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۶۳ ح ۱۴۹۸۹، السنين الكبرى: ج ۷ ص ۴۵۶ ح ۱۴۶۲۴، الفردوس: ج ۴ ص ۲۶۶ ح ۶۷۸۲ كلها عن جابر، تاريخ دمشق: ج ۱۱ ص ۲۳۴ عن جابر من دون إسناد إلى النبي صلى الله عليه و آله.

ص: ۸۷

**۳ / ۲ ناقابل شمردن امکانات پذیرایی**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ولیمه نخستین روز، وظیفه است، ولیمه روز دوم، سنت، و ولیمه روز سوم، شهرت طلبی. هر کس در پی شهرت است، خداوند، او را رسوا می کند.

امام باقر علیه السلام: ولیمه دادن، یک روز است، دو روز، آقایی است، و سه روز، خودنمایی و شهرت طلبی.

ر. ک: ص ۴۹ (آنچه شایسته میزبان است / انگیزه نیکو).

۳ / ۲ ناقابل شمردن امکانات پذیرایی امام صادق علیه السلام: مایه هلاکت مرد مسلمان است که آنچه را در خانه دارد، برای مهمان، اندک و ناقابل بشمارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان را همین گناه بس که آنچه را پیش برادران خود می گذارد، اندک و ناقابل بشمارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مایه هلاکت شخص است که گروهی از برادرانش بر او وارد شوند و او آنچه را در خانه دارد، قابل آوردن برای آنها نداند.

ر. ک: ص ۱۵۱ (آنچه شایسته مهمان نیست / ناچیز شمردن امکانات میزبان).

ص: ۸۸

۳ / ۳ التَّكْلُفُ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي لَا أُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله: مِنْ تَكْرِمِهِ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ أَنْ يَقْبَلَ تُحَفَّتَهُ ، وَأَنْ يُتِحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ ، وَلَا يَتَكَلَّفَ لَهُ شَيْئًا . (۲)

الإمام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ مِنْ أَخِيهِ ، وَلَا يُدْرِي أُيُّهُمَا أَعْجَبُ ؛ الَّذِي يُكَلِّفُ أَخَاهُ إِذَا دَخَلَ أَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ ، أَوْ الْمُتَكَلِّفُ لِأَخِيهِ! (۳)

رسول الله صلى الله عليه و آله: يَا عَائِشَةُ ، لَا تَكَلِّفِي لِلضَّيْفِ فِتْمَلِيهِ ، وَلَكِنْ أَطْعِمِيهِ مِمَّا تَأْكُلِينَ . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله: لَا يَتَكَلَّفَنَّ أَحَدٌ لِلضَّيْفِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله: لَا تَكَلَّفُوا لِلضَّيْفِ فِتْبَعُضُوهُ ، فَإِنَّ مَنْ أَبْغَضَ الضَّيْفَ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ أَبْغَضَهُ اللَّهُ . (۶)

۱- الكافي: ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۱ ، المحاسن: ج ۲ ص ۱۸۷ ح ۱۵۳۷ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندي: ص ۱۰۸ ح ۸۸ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۴ ح ۱۷ .

۲- الكافي: ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن: ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۵۳۷ عن السكوني ، النوادر للراوندي: ص ۱۰۷ ح ۸۷ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۶ ح ۳۱ .

۳- الكافي: ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۲ ، المحاسن: ج ۲ ص ۱۸۵ ح ۱۵۳۲ كلاهما عن جميل بن دراج ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۳ ح ۱۳ .

۴- كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۱ ح ۲۵۸۹۰ نقلاً عن أبي عبد الله محمد بن باكويه الشيرازي والرافعي عن أبي قرصافه .

۵- شعب الإيمان: ج ۷ ص ۹۴ ح ۹۵۹۹ ، تاريخ بغداد: ج ۱۰ ص ۲۰۵ ، تاريخ أصبهان: ج ۱ ص ۸۲ كلها عن سلمان ، كنز العمال: ج ۹ ص ۸۲ ح ۲۵۸۷۶ .

۶- المحججه البيضاء: ج ۳ ص ۳۱ ، تاريخ دمشق: ج ۱۳ ص ۱۲۶ ح ۳۰۷۸ عن سلمان نحوه ، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۴۸ ح ۲۵۸۷۵ .



**۳ / ۳ تشریفاتِ مشقتِ بار**

۳ / ۳ تشریفاتِ مشقتِ بار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من اهل تکلف (۱) را دوست ندارم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه احترام شخص به برادرش، این است که هدیه تقدیمی او را بپذیرد و از همان چیزی که آماده دارد، به او تقدیم کند، و خود را برای برادرش به سختی نیندازد.

امام صادق علیه السلام: مؤمن از برادرش خجالت نمی کشد. معلوم نیست که کدام یک عجیب تر است: آن که وقتی بر برادرش وارد می شود، او را به سختی (تشریفات) وا می دارد، یا آن که برای برادرش خود را به سختی می اندازد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای عایشه! خودت را برای مهمان، به سختی نینداز؛ زیرا با این کار، از او خسته می شوی؛ بلکه از همان غذایی که خودت می خوری، به او بخوران.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس برای پذیرایی از مهمان، خود را بیشتر از توانش به زحمت نیندازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خود را برای مهمان، به سختی نیندازید؛ که از او متنفر می شوید و هر کس از مهمان متنفر شود، از خدا متنفر شده است و هر کس از خدا متنفر شود، خدا هم از او متنفر می شود.

---

۱- تکلف: خود را به زحمت انداختن و زیاده روی در پذیرایی؛ تجملات فراهم آوردن و تشریفات قائل شدن.

التاریخ الكبير عن سلمان: أَمَرَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلَّا نَتَكَلَّفَ لِلضَّيْفِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا، وَأَنْ نُقَدِّمَ مَا حَضَرَ. (١)

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: نَهَى [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] عَنِ التَّكَلُّفِ لِلضَّيْفِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِمَشَقَّةٍ. (٢)

المحجّه البيضاء: في حديث يونسَ علي بنينا و عليه السلام، أنه زاره إخوانه، فقدم إليهم كسرا (٣) وجر لهم بقلا كان يزرعه، ثم قال: ... لولا إن الله عز وجل لعن المتكلفين لتكلفت لكم.

المحجّه البيضاء: قال بعضهم: دخلنا على جابر بن عبد الله فقدم إلينا خبزا وخلا، وقال: لولا أنا نهينا عن التكلف، لتكلفت لكم. (٤)

٣ / ١٤ الدعوه الكاذبه المحاسن عن علي بن الخطاب الخلال عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: أتاه مولى له، فسلم عليه ومعه ابنه إسماعيل، فسلم عليه وجلس. فلما انصرف أبو عبد الله عليه السلام انصرف معه الرجل، فلما انتهى أبو عبد الله عليه السلام إلى باب داره دخل وترك الرجل، فقال له ابنه إسماعيل: يا أبا، ألا كنت عرّضت عليه الدخول؟ فقال: لم يكن من شأني إدخاله. قال: فهو لم يكن يدخل! قال: يا بني، أكره أن يكتبني الله عراضا. (٥)

١- التاريخ الكبير: ج ٢ ص ٣٨٦ ح ٢٨٦٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٩٤ ح ٩٦٠١، تاريخ بغداد: ج ٨ ص ٤٦، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ١٣٧ ح ٧١٤٧ وفيه «نهانا رسول الله صلى الله عليه وآله أن نتكلف للضيف» فقط، الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٠٨

٢- قرب الإسناد: ص ٧٥ ح ٢٤٢، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٩ ح ٥.

٣- الكسره من الخبز، والجمع كسر (المصباح المنير: ص ٥٣٣ «كسر»).

٤-.. المحجّه البيضاء: ج ٣ ص ٢٩.

٥- المحاسن: ج ٢ ص ١٩٠ ح ١٥٤٩، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٧ ح ٣.

### ۳ / ۴ تعارف دروغین

التاریخ الکبیر به نقل از سلمان : پیامبر صلی الله علیه و آله به ما دستور داد که برای مهمان ، چیزی را که در خانه نداریم ، [از بیرون] تهیه نکنیم ؛ بلکه همان چیزی را که در خانه هست برای او بیاوریم .

امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام : [پیامبر صلی الله علیه و آله] از پذیرایی کردن مهمان ، با چیزی که شخص ، توانش را ندارد و برای تهیه آن به سختی می افتد ، نهی فرمود .

المحجّه البیضاء: در حدیث یونس علیه السلام که بر پیامبرمان و بر او درود باد ! آمده است که دوستانش به دیدن او آمدند و آن جناب ، چند قرص نان ، جلوی آنها گذاشت و مقداری هم سبزی که خود آن را می کاشت برایشان چید . سپس فرمود : « ... اگر این گونه نبود که خداوند عز و جل ، اهل تکلف را لعنت کرده است ، برایتان تکلف می نمودم » .

المحجّه البیضاء: برخی گفتند : بر جابر بن عبد الله در آمدیم . پس قدری نان و سرکه برایمان آورد و گفت : « اگر از تکلف نهی نشده بودیم ، برایتان تکلف می نمودم » .

۳ / ۴ تعارف دروغینالمحاسن به نقل از علی بن خطاب خلّال ، از مردی ، از امام صادق علیه السلام : یکی از دوستاناران امام صادق علیه السلام نزد ایشان آمد و سلام کرد و نشست ، در حالی که اسماعیل ، فرزند امام نیز همراه ایشان بود . چون امام صادق علیه السلام رفت ، آن مرد نیز همراه ایشان برگشت . امام به در خانه اش که رسید ، از مرد جدا شد و به خانه رفت . فرزندش اسماعیل به ایشان گفت : پدر جان ! چرا او را به خانه ، دعوت نکردید ؟ امام فرمود : « به خانه آوردن او در شأن من نبود » . اسماعیل گفت : او هم که نمی آمد [ ؛ پس بد نبود که به ظاهر ، تعارفی می کردید ] . امام فرمود : « پسرم ! خوش ندارم که خداوند ، مرا اهل تعارف [دروغین] بنویسد » .

ص: ٩٢

٣ / ١٥ استخدام الضيفرسول الله صلى الله عليه و آله : سخافه (١) بالمرء أن يستخدم ضيفه . (٢)

الكافي عن ابن أبي يعفور: رأيت عند أبي عبد الله عليه السلام ضيفا، فقام يوما في بعض الحوائج فنهاه عن ذلك، وقام بنفسه إلى تلك الحاجه . وقال عليه السلام: نهى رسول الله صلى الله عليه و آله عن أن يستخدم الضيف . (٣)

الكافي عن عبيد بن أبي عبد الله البغدادي عن أخبره: نزل بأبي الحسن الرضا عليه السلام ضيف، وكان جالسا عنده يحدثه في بعض الليل فتغير السراج، فمد الرجل يده ليصلحه، فزبره (٤) أبو الحسن عليه السلام، ثم بادره بنفسه فأصلحه . ثم قال له: إنا قوم لا نستخدم أضيافنا . (٥)

١- هي من السخف؛ وهي خفه العقل وغيره (النهايه: ج ٢ ص ٣٥٠ «سخف»).

٢- الفردوس: ج ٢ ص ٣٣٣ ح ٣٥٠٢ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٤٨ ح ٢٥٨٧٢.

٣- الكافي: ج ٦ ص ٢٨٣ ح ١، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٤١ ح ٤٩.

٤- زبره: زجره ونهره (المصباح المنير: ص ٢٥٠ «زبر»).

٥- الكافي: ج ٦ ص ٢٨٣ ح ٢، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ١٠٢ ح ٢٠.

ص: ۹۳

**۳ / ۵ به کار گرفتن مهمان**

۳ / ۵ به کار گرفتن مهمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بی خردی شخص است که مهمانش را به کار بگیرد.

الکافی به نقل از ابن ابی یعفور: در خانه امام صادق علیه السلام مهمانی را دیدم که روزی برای انجام دادن کاری برخاست. امام، مهمان را از این کار باز داشت و خودش آن کار را انجام داد. پس فرمود: « پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از به کار گرفته شدن مهمان، نهی فرموده است. »

الکافی به نقل از عبید بن ابی عبد الله بغدادی، از کسی که به او خبر داد: مهمانی بر امام رضا علیه السلام وارد شد. امام، تا پاسی از شب، نزد او نشسته بود و با وی سخن می گفت که چراغ، کم نور شد. مرد، دستش را دراز کرد که آن را درست کند؛ اما امام رضا علیه السلام وی را از این کار، باز داشت و خود، به درست کردن چراغ پرداخت. سپس به او فرمود: « ما قومی هستیم که از مهمانانمان کار نمی کشیم. »

ص: ٩٤

٣ / ٦ الصَّوْمُ مِنْ دُونِ إِذْنِ الضَّيْفِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَصُومُ صَاحِبُ الْبَيْتِ إِلَّا بِإِذْنِ الضَّيْفِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا دَخَلَ رَجُلٌ بَلَدَهُ فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ بِهَا مِنْ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرَحَلَ عَنْهُمْ ... وَلَا يَتَّبِعِي لَهُمْ أَنْ يَصُومُوا إِلَّا بِإِذْنِ الضَّيْفِ لئَلَّا يَحْتَشِمَهُمْ فَيَشْتَهِيَ الطَّعَامَ فَيَتْرُكَهُ لَهُمْ . (٢)

٣ / ٧ الإِعَانَةُ عَلَى الرَّحْلِهَا لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنَ الْجَفَاءِ اسْتِخْدَامِ الضَّيْفِ ؛ فَإِذَا نَزَلَ بِكُمْ الضَّيْفُ فَأَعِينُوهُ ، وَإِذَا ارْتَحَلَ فَلَا تُعِينُوهُ ؛ فَإِنَّهُ مِنَ النَّدَالِ ، وَزَوْدُوهُ وَطَيَّبُوا زَادَهُ فَإِنَّهُ مِنَ السَّخَاءِ . (٣)

الأمالى للصدوق عن حريز بن عبد الله أو غيره : نَزَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْمٌ مِنْ جُحَيْنَةَ فَأَضَافَهُمْ ، فَلَمَّا أَرَادُوا الرَّحْلَةَ زَوَّدَهُمْ وَوَصَّيْلَهُمْ وَأَعْطَاهُمْ ، ثُمَّ قَالَ لِغِلْمَانِهِ : تَنَحَّوْا لَا تُعِينُوهُمْ . فَلَمَّا فَرَعُوا جَاؤُوا لِيُودِّعُوهُ ، فَقَالُوا لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، لَقَدْ أَضَفْتِ فَأَحْسِنَتْ الضِّيَافَةَ ، وَأَعْطَيْتِ فَأَجَزْتَ الْعَطِيَّةَ ، ثُمَّ أَمَرْتَ غِلْمَانَكَ أَلَّا يُعِينُونَا عَلَى الرَّحْلَةِ !؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُعِينُ أَضْيَافَنَا عَلَى الرَّحْلَةِ مِنْ عِنْدِنَا . (٤)

- ١- الفردوس : ج ٥ ص ١٣٨ ح ٧٧٤٥ عن عائشه ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٥١ ح ٢٥٨٩١ .
- ٢- الكافي : ج ٤ ص ١٥١ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٥٥ ح ١٠١٣ ، علل الشرائع : ص ٣٨٤ ح ٢ كلها عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، وسائل الشيعة : ج ٧ ص ٣٩٤ ح ١٤٠٤٥ .
- ٣- الكافي : ج ٦ ص ٢٨٤ ح ٣ عن ميسره .
- ٤- الأمالى للصدوق : ص ٦٣٨ ح ٨٥٩ ، روضه الواعظين : ص ٢٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٥١ ح ٥ .

**۳ / ۶ روزه گرفتن ، بدون اجازه مهمان****۳ / ۷ کمک کردن در رفتن مهمان**

۳ / ۶ روزه گرفتن ، بدون اجازه مهمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صاحب خانه ، روزه نگیرد ، مگر با اجازه مهمان.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مردی وارد شهری شد ، مهمان ساکنان آن شهر از همدینان خودش است تا زمانی که از پیش آنان برود ... و برای آنان سزاوار نیست روزه بگیرند مگر با اجازه مهمان . مبادا که مهمان از آنها خجالت بکشد و غذا بخواد ؛ ولی به خاطر [رعایت حال] آنها از خوردن خودداری کند!

۳ / ۷ کمک کردن در رفتن مهمانامام باقر علیه السلام :به کار گرفتن مهمان ، [ نشان ] از بی ادبی است . پس ، هرگاه مهمان بر شما وارد شد [در بار افکندن و جابه جا کردن بارهایش] به او کمک کنید و هرگاه خواست که بارش را ببندد ، کمکش نکنید ؛ زیرا این کار ، [نشان] از پستی است . و توشه بسیار همراهش کنید؛ زیرا این کار ، [نشان] از سخاوت است.

الأمالی ، صدوق به نقل از حریر بن عبد الله یا دیگری : عدّه ای از طایفه جُهینه ، مهمان امام صادق علیه السلام شدند. امام از آنان پذیرایی کرد و چون خواستند بروند ، به آنها توشه و آذوقه و پول داد . آن گاه به خدمتکارانش فرمود : « کنار روید و کمکشان نکنید ! » . مهمانان چون رخت خویش بستند ، برای خداحافظی ، نزد امام آمدند و گفتند : ای پسر پیامبر خدا ! شما پذیرایی شایانی از ما به عمل آوردید و دهنش بسیار کردید ؛ اما به خدمتکارانتان فرمودید که در بستن بار ، به ما کمک نکنند ؟ ! امام علیه السلام فرمود : « همانا ما خاندانی هستیم که به مهمانان خود در رفتن از نزدمان کمک نمی کنیم » .

ص: ۹۶

مستطرفات السرائر عن أبي عبد الله السيارى: نَزَلَ بِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَضْيَافًا ، فَلَمَّا أَرَادُوا الرَّحِيلَ قَعِدَ عَنْهُمْ غِلْمَانُهُ ، فَقَالُوا لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، لَوْ أَمَرْتَ الْغِلْمَانَ فَأَعَانُونَا عَلَى رِحْلَتِنَا ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ : أَمَا وَأَنْتُمْ تَرِحَلُونَ عَنَّا فَلَا . (۱)

---

۱- .مستطرفات السرائر: ص ۵۰ ح ۱۳ ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۵ ح ۲۷ .



ص: ۹۷

مستطرفات السرائر به نقل از ابو عبد الله سنیاری : مهمانانی بر امام کاظم علیه السلام وارد شدند. چون خواستند بروند، خدمتکاران امام ، کمکشان نکردند . آن گاه به امام گفتند : ای پسر پیامبر خدا ! ممکن است که به خدمتکاران بفرمایید در بستن بار ، به ما کمک کنند؟ امام کاظم علیه السلام فرمود: « چون برای رفتن است، نه ! » .

ص: ۹۸

الفصل الرابع : ما يَتَّبَعِي لِلضَّيْفِ ۴ / ۱ إجابة دَعْوَةِ الْمُؤْمِنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَجِيبُوا الدَّاعِيَ إِذَا دُعِيتُمْ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله : اِيتُوا الدَّعْوَةَ إِذَا دُعِيتُمْ . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله : فَكُتِبَ عَلَيْكَ إِذَا دُعِيَ الدَّاعِيَ ، وَعَوَّدُوا الْمَرِيضَ . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله لِلإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ... سِرِّ ثَلَاثَةَ أَمْيَالٍ أُجِبْ دَعْوَةَ . (۵)

- ۱- سنن الدارمی : ج ۱ ص ۵۴۲ ح ۲۰۰۹ ، صحیح مسلم : ج ۲ ص ۱۰۵۳ ح ۱۰۳ نحوه و كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۴ ح ۲۵۹۱۳ .
- ۲- صحیح مسلم : ج ۲ ص ۱۰۵۳ ح ۱۰۲ ، سنن الترمذی : ج ۳ ص ۴۰۴ ح ۱۰۹۸ ، مسند ابن حنبل : ج ۲ ص ۴۸۱ ح ۶۱۱۶ کلها عن ابن عمر .
- ۳- العانی : الأسیر (النهاية : ج ۳ ص ۳۱۴ «عنا») .
- ۴- صحیح البخاری : ج ۵ ص ۱۹۸۴ ح ۴۸۷۹ ، السنن الكبرى : ج ۳ ص ۵۳۲ ح ۶۵۷۶ ، فتح الباری : ج ۹ ص ۲۴۰ ح ۵۱۷۴ کلها عن أبي موسى ، كنز العمال : ج ۱۵ ص ۸۶۴ ح ۴۳۴۳۹ .
- ۵- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۴ ص ۳۶۱ ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مصادقه الإخوان : ص ۵۸ ح ۸ عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مكارم الأخلاق : ج ۲ ص ۳۲۶ ح ۲۶۵۶ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، النوادر للراوندى : ص ۹۲ ح ۲۹ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ۷۴ ص ۸۳ ح ۹۳ .

ص: ۹۹

**فصل چهارم : آنچه شایسته مهمان است****۴ / ۱ پذیرش دعوت مؤمن**

فصل چهارم : آنچه شایسته مهمان است ۴ / ۱ پذیرش دعوت مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه کسی شما را دعوت کرد، دعوتش را بپذیرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه به مهمانی دعوت شدید، [بپذیرید و] در آن حاضر شوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اسیر را آزاد کنید، دعوت دعوت کننده را بپذیرید و از بیمار عیادت کنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام : ای علی !... برای پذیرفتن مهمانی ، تا سه میل راه برو .

ص: ۱۰۰

عنه صلى الله عليه و آله :لَوْ أَهْدَيْتَنِي إِلَى كُرَاعٍ (۱) لَقَبِلْتُ ، وَلَوْ دُعِيتُ إِلَى ذِرَاعٍ لَأَجَبْتُ . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى الْوَلِيمَةِ فَلْيَأْتِهَا . (۳)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى كُرَاعٍ فَأَجِيبُوا . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجِبْ ، فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ ، وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَطْعَمْ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ وَهُوَ صَائِمٌ ، فَلْيَقُلْ : إِنِّي صَائِمٌ (۶) . (۷)

- ۱- الكُرَاعُ فِي الْغَنَمِ وَالْبَقَرِ بِمَنْزِلَةِ الْوُضُفِ فِي الْفَرَسِ وَالْبَعِيرِ ؛ وَهُوَ مُسْتَدَقُّ السَّاقِ ، يَذْكَرُ وَيؤنَّثُ (الصحاح : ج ۳ ص ۱۲۷۵ «كرع»).
- ۲- مكارم الأخلاق : ج ۲ ص ۳۲۸ ح ۲۶۵۶ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، الاختصاص : ص ۵۵ عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۱۲۲۷ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ۴۸ ص ۱۲۲ ح ۱ ؛ صحيح البخارى : ج ۲ ص ۹۰۸ ح ۲۴۲۹ ، مسند ابن حنبل : ج ۳ ص ۵۲۳ ح ۱۰۲۱۶ ، السنين الكبرى للنسائي : ج ۴ ص ۱۴۰ ح ۶۶۰۹ كلّها عن أبي هريره نحوه ، الطبقات الكبرى : ج ۱ ص ۳۷۱ عن أنس ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۵ ح ۲۵۹۲۰ .
- ۳- صحيح البخارى : ج ۵ ص ۱۹۸۴ ح ۴۸۷۸ ، صحيح مسلم : ج ۲ ص ۱۰۵۲ ح ۹۶ ، سنن أبي داود : ج ۳ ص ۳۴۰ ح ۳۷۳۶ كلّها عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۶ ح ۲۵۹۲۳ .
- ۴- صحيح مسلم : ج ۲ ص ۱۰۵۴ ح ۱۰۴ ، صحيح ابن حبان : ج ۱۲ ص ۱۰۱ ح ۵۲۹۰ ، السنن الكبرى : ج ۷ ص ۴۲۸ ح ۱۴۵۲۸ كلّها عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۵ ح ۲۵۹۱۸ .
- ۵- صحيح مسلم : ج ۲ ص ۱۰۵۴ ح ۱۰۶ ، سنن الترمذى : ج ۳ ص ۱۵۰ ح ۷۸۰ وليس فيه ذيله ، السنن الكبرى : ج ۷ ص ۴۲۹ ح ۱۴۵۳۲ وفيهما بزياده «إلى طعام» بعد «أحدكم» وكلّهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۵ ح ۲۵۹۱۶ نقلاً عن ابن منيع عن أبي أيوب نحوه .
- ۶- يبدو أنّ الحكمه من توصيه الضيف بإعلام مضيّفه بصيامه مع قبوله لدعوته هو الحيلولة دون وقوع المضيّف فى سوء فهم فيتصوّر أنّ الضيف لا يحبّ أكل طعامه .
- ۷- صحيح مسلم : ج ۲ ص ۸۰۶ ح ۱۵۹ ، سنن الترمذى : ج ۳ ص ۱۵۰ ح ۷۸۱ ، سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۵۵۷ ح ۱۷۵۰ كلّها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۶۰ ح ۲۵۹۴۲ .

ص: ۱۰۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر پاچه ای (۱) [ هم ] به من هدیه شود ، می پذیرم، و اگر به [ خوردن ] سردستی هم دعوت شوم ، می پذیرم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به ولیمه ای دعوت شد، در آن حاضر شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر به پاچه ای هم دعوت شدید، بپذیرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما دعوت شد ، بپذیرد . اگر روزه داشت ، مشغول نماز شود، و اگر روزه نداشت، بخورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد و روزه دار بود ، بگوید : من روزه ام. (۲)

۱- مقصود ، پاچه گوسفند یا گاو است .

۲- این که توصیه شده است که مهمان ، ضمن پذیرش دعوت ، از روزه دار بودن خود خبر دهد، حکمتش آن است که مبادا دعوت کننده ، دچار سوء تفاهم شود و بپندارد که مهمان ، علاقه ای به خوردن غذای وی ندارد .

ص: ۱۰۲

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ دُعِيَ إِلَى عُرْسٍ أَوْ نَحْوِهِ، فَلْيُجِبْ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلْيُجِبْ، فَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَأْكُلْ، وَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَدْعُ بِالْبَرَكَهِ . (۲)

المعجم الكبير عن عِيَاضِ بْنِ أَبِي أُشْرَسِ السَّلْمِيِّ: رَأَيْتُ يَعْلىَ بْنَ مَرْةٍ [و] (۳) دَعَوْتُهُ إِلَى مِأْدُبِهِ، فَقَعِدَ صَائِمًا، فَجَعَلَ النَّاسُ يَأْكُلُونَ وَلَا يَطْعَمُ. فَقُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ لَوْ عَلِمْنَا أَنَّكَ صَائِمٌ مَا عَتَبْنَاكَ (۴). قَالَ: لَا تَقُولُوا ذَلِكَ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَجِبْ أَخَاكَ، فَإِنَّكَ مِنْهُ عَلَى اثْنَتَيْنِ: إِمَّا خَيْرٌ؛ فَأَحَقُّ مَا شَهِدْتَهُ، وَإِمَّا غَيْرُهُ؛ فَتَنْهَاهُ عَنْهُ وَتَأْمُرُهُ بِالْخَيْرِ . (۵)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُجِيبُ الدَّعْوَةَ . (۶)

مكارم الأخلاق عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعُوذُ الْمَرِيضَ، وَيَتَّبِعُ الْجَنَازَةَ، وَيُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ . (۷)

- ۱- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۵۳ ح ۱۰۱، تاریخ دمشق: ج ۱۰ ص ۳۲۹ ح ۲۵۸۱، سیر أعلام النبلاء: ج ۸ ص ۵۳۳ کلها عن ابن عمر، کنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۶ ح ۴۴۶۲۲.
- ۲- المعجم الكبير: ج ۱۰ ص ۲۳۱ ح ۱۰۵۶۳، تهذیب الكمال: ج ۳۳ ص ۲۰۰ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، مسند ابن جعد: ص ۱۳۶ ح ۸۷۱ عن أبي جعفر الفراء نحوه، کنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۴ ح ۲۵۹۱۰.
- ۳- الزيادة من المصادر الأخرى.
- ۴- حَمَلُ فُلَانٍ فُلَانًا عَلَى عَتَبِهِ: أَيْ عَلَى أَمْرٍ كَرِيهٍ فِي الشَّدَّةِ وَالْبَلَاءِ (النهاية: ج ۳ ص ۱۷۵ «عتب»).
- ۵- المعجم الكبير: ج ۲۲ ص ۲۷۲ ح ۶۹۶، المطالب العالیه: ج ۲ ص ۴۳ ح ۱۶۰۷، کنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۷ ح ۲۵۹۲۶.
- ۶- المحاسن: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۱۵۰۷ عن جابر، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۴۷ ح ۴.
- ۷- مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۷ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۱۶ ص ۲۲۹ ح ۳۵؛ سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۹۸ ح ۴۱۷۸، المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۵۰۶ ح ۳۷۳۴، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۳۶۹ ح ۱۲۲۹ کلها عن أنس، الدر المنثور: ج ۷ ص ۶۱۲.

ص: ۱۰۳

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس به عروسی یا مانند آن دعوت شد، بپذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه کسی از شما به [ خوردن ] غذایی دعوت شد، بپذیرد . اگر روزه نبود ، از آن غذا بخورد و اگر روزه دار بود ، برای برکت آن دعا کند.

المعجم الكبير به نقل از عیاض بن ابی اشرس سلمی : یعلی بن مُرّه را به مهمانی دعوت کردم. دیدم نشسته است و روزه دارد و مردم می خورند و او نمی خورد. به او گفتم: به خدا اگر می دانستیم که روزه ای، باعث ناراحتی ات نمی شدیم ! او گفت: این حرف را نزنید ! من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام که می فرماید : « دعوت برادرت را بپذیر؛ زیرا نسبت به او دو حالت داری: یا [دعوتش] خیر است که در این صورت ، سزاوارترین چیزی است که در آن حاضر شده ای، و یا غیر آن است که در این صورت ، او را از آن نهی می کنی و به کار نیک ، دعوتش می نمایی » .

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعوت را می پذیرفت.

مکارم الأخلاق به نقل از انس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بیمار عیادت می کرد ، در تشییع جنازه شرکت می کرد و دعوت برده را می پذیرفت.

ص: ۱۰۴

رسول الله صلى الله عليه و آله : أَوْصَى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ ، أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ وَلَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ (۱) .

عنه صلى الله عليه و آله : لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا دَعَانِي إِلَى طَعَامٍ ذَرَاعٍ شَاهٍ لَأَجَبْتُهُ ، وَكَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ أَعْجَزِ الْعَجْزِ رَجُلٌ دَعَاهُ أَخُوهُ إِلَى طَعَامٍ ، فَتَرَكَهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ . (۳)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ لَمْ يُجِِبِ الدَّعْوَةَ ، فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ . (۴)

دعائم الإسلام : عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا دُعِيَ إِلَى طَعَامٍ ، فَقَالَ لِلَّذِي دَعَاهُ : اعْفَنِي . فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُمْ فَلَيْسَ فِي الدَّعْوَةِ عَفْوٌ ، وَإِنْ كُنْتَ مُفْطِرًا فَكُلْ ، وَإِنْ كُنْتَ صَائِمًا فَبَارِكْ . (۵)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ مِنَ الْحُقُوقِ الْوَاجِبَاتِ لِلْمُؤْمِنِ ، أَنْ تُجَابَ دَعْوَتُهُ . (۶)

۱- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۴ ح ۴ ، تهذيب الأحكام : ج ۹ ص ۹۴ ح ۴۰۷ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۰ ح ۱۵۱۰ كلها عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۷ ح ۷ .

۲- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۴ ح ۱ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۰ ح ۱۵۱۱ نحوه وكلاهما عن إبراهيم الكرخي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۸ ح ۸ .

۳- المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۱۵۱۴ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۸ ح ۱۰ .

۴- صحيح مسلم : ج ۲ ص ۱۰۵۵ ح ۱۱۰ ، السنن الكبرى : ج ۷ ص ۴۲۷ ح ۱۴۵۲۱ كلاهما عن أبي هريره ، مسند ابن حنبل : ج ۲ ص ۳۳۳ ح ۵۲۶۳ عن ابن عمر ، كنز العميال : ج ۱۶ ص ۳۰۸ ح ۴۴۶۳۲ ؛ الدعوات : ص ۱۴۱ ح ۳۵۸ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۸ ح ۱۱ .

۵- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۳۴۷ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۳۵ ح ۱۹۷۰۷ عن الإمام الحسن عليه السلام .

۶- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۴ ح ۳ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۱۵۰۹ نحوه وكلاهما عن المعلی بن خنيس ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۷ ح ۶ .



ص: ۱۰۵

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به حاضران و غایبان اتم سفارش می کنم که دعوت مسلمان را بپذیرند، اگرچه در فاصله پنج میلی باشد؛ زیرا این کار، جزء دین است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مؤمنی، مرا به خوراک سردست گوسفندی هم دعوت کند، دعوتش را می پذیرم، که این کار، جزء دین است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ناتوان ترین ناتوانی، این است که مردی، برادرش را به غذایی دعوت کند و او بی دلیل، در آن [مهمانی] حاضر نشود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دعوت را نپذیرد، از خدا و پیامبرش نافرمانی کرده است.

دعائم الإسلام: روایت شده است که حسین بن علی علیه السلام ملا-حظه کرد که مردی به غذایی دعوت شد و او به کسی که دعوتش کرد، گفت: مرا ببخش! حسین علیه السلام فرمود: «برخیز؛ زیرا در دعوت، بخشش نیست. اگر روزه نبودی، بخور و اگر روزه بودی، برای برکت آن سفره، دعا کن.»

امام صادق علیه السلام: یکی از حقوق واجب مؤمن، این است که دعوتش پذیرفته شود.

ص: ۱۰۶

عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ ، أَنْ يُجِيبَهُ إِذَا دَعَاَهُ . (۱)

۴ / ۲ رِعَايَةُ الْأَوْلِيَّاتِ فِي إِجَابَةِ الدَّعْوَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا اجْتَمَعَ الدَّاعِيَانِ فَأَجِبْ أَقْرَبَهُمَا بَابَا ؛ فَإِنَّ أَقْرَبَهُمَا بَابَا أَقْرَبُهُمَا جَوَارَا ، وَإِنْ سَبَقَ أَحَدُهُمَا فَأَجِبِ الَّذِي سَبَقَ . (۲)

۴ / ۳ الإِطَاءُ فِي إِجَابَةِ الدَّعْوَةِ إِلَى مَجَالِسِ شَأْنِهَا الْغَفْلَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَاسْرِعُوا ، وَإِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْعَرَائِسِ فَأَبْطِئُوا . (۳)

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْعُرْسَاتِ فَأَبْطِئُوا ؛ فَإِنَّهَا تُذَكَّرُ الدُّنْيَا ، وَإِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَاسْرِعُوا ؛ فَإِنَّهَا تُذَكَّرُ الْآخِرَةَ . (۴)

۴ / ۴ تَقْدِيمُ إِجَابَةِ مَا يُذَكَّرُ الْآخِرَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا دُعِيَ الرَّجُلُ إِلَى وَلِيمَةٍ وَإِلَى جَنَازَةٍ ، أَجَابَ إِلَى الْجَنَازَةِ ؛ لِأَنَّهَا تُذَكَّرُ أَمْرَ الْآخِرَةِ ، وَيَدْعُ الْوَلِيمَةَ ؛ لِأَنَّهَا تُذَكَّرُ الدُّنْيَا . (۵)

۱- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۴ ح ۲ عن إسحاق بن يزيد ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۱۵۰۸ عن إسحاق بن يزيد ومعاوية بن أبي زياد ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۷ ح ۵ .

۲- سنن أبي داود : ج ۳ ص ۳۴۴ ح ۳۷۵۶ ، مسند ابن حنبل : ج ۹ ص ۱۲۲ ح ۲۳۵۲۶ من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، الشنن الكبرى : ج ۷ ص ۴۵۰ ح ۱۴۶۰۳ ، كنز العمال : ج ۹ ص ۲۵۵ ح ۲۵۹۱۵ .

۳- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۴۹۵ .

۴- قرب الإسناد : ص ۸۶ ح ۲۸۱ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الجعفریات : ص ۳۳ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ۷۲ ص ۲۹۶ ح ۲۰ .

۵- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۴۹۴ .

ص: ۱۰۷

**۴ / ۲ رعایت اولویت ها در پذیرش دعوت به مهمانی****۴ / ۳ کندی ورزیدن در پذیرفتن مهمانی های غفلت زا****۴ / ۴ مقدم داشتن دعوتی که یادآور آخرت است**

امام صادق علیه السلام: یکی از حقوق مسلمان بر مسلمان ، این است که هرگاه او را دعوت کرد ، اجابتش کند.

۴ / ۲ رعایت اولویت ها در پذیرش دعوت به مهمانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دو نفر هم زمان ، تو را دعوت کردند ، دعوت شخصی را که خانه اش نزدیک تر است بپذیر؛ زیرا آن که خانه اش نزدیک تر است ، همسایه تر است و اگر یکی از آنها زودتر دعوت کرد، دعوت کسی را که پیشی گرفته ، بپذیر.

۴ / ۳ کندی ورزیدن در پذیرفتن مهمانی های غفلت زای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه به [شرکت در تشییع] جنازه ها فرا خوانده شدید، بشتابید، و هرگاه به عروسی ها دعوت شدید، کندی نمایید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه به عروسی ها دعوت شدید ، کندی بورزید؛ زیرا این مجالس ، دنیا را به یاد می آورند و هرگاه به سوی جنازه ها فرا خوانده شدید ، بشتابید؛ زیرا آنها یادآور آخرت هستند.

۴ / ۴ مقدم داشتن دعوتی که یادآور آخرت است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه کسی [هم زمان] به ولیمه و تشییع جنازه دعوت شد، تشییع جنازه را بپذیرد؛ چون آن ، یادآور آخرت است، و ولیمه را رها کند؛ زیرا آن ، یادآور دنیا است .

ص: ١٠٨

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يُدْعَى إِلَى وَلِيمَةٍ وَإِلَى جَنَازَةٍ، فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ وَأَيُّهُمَا يُجِيبُ؟ فَقَالَ: يُجِيبُ الْجَنَازَةَ؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ، وَلَيُدْعِعُ الْوَلِيمَةَ؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الدُّنْيَا. (١)

نکته‌الظاهر أن المراد من هذه الروايات والروايات السابقة عليها هو أنه لا يجوز الإبطاء والتأخير في قبول الدعوة للحضور في المجالس التي تذكّر بالله سبحانه وبالآخرة؛ نظير الذهاب لتشيع الجنائز. وأما الدعوة للحضور في المجالس التي تكون مقرونة بالغفلة عادة؛ نظير مجالس الأعراس، فلا ينبغي العجلة في قبولها، وإنما ينبغي التأني والتأمل فيها، حتى يتبين أنها مجالس عاربه عن ارتكاب المعاصي، والذهاب إليها مع التأخير لو لم يسبب الحرج على المستضيف؛ كي يحدّ من بواعث الغفلة.

١- تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٤٦٢ ح ١٥١٠ عن الإمام الصادق عليه السلام، الدعوات: ص ٢٦١ ح ٧٤٧ من دون إسنادٍ إلى الإمام الباقر عليه السلام، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٢١ من دون اسنادٍ إلى النبي صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٧ ح ٢٦.

ص: ۱۰۹

**نکته**

امام باقر علیه السلام: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: مردی [هم زمان] به ولیمه و تشییع جنازه خوانده می شود. پس [شرکت در] کدام یک برتر است؟ و کدام یک را اجابت کند؟ فرمود: « تشییع جنازه را اجابت کند؛ زیرا آن، آخرت را به یاد می آورد، و ولیمه را رها کند؛ چرا که آن، دنیا را به یاد می آورد ».

نکته‌ها را مقصود روایات دو عنوانی که گذشت، آن است که در پذیرفتن دعوت برای شرکت در مراسم و مجالسی که انسان را به یاد خدا و آخرت می اندازند، مانند تشییع جنازه، درنگ جایز نیست؛ اما در پذیرفتن و حضور در مجالسی که معمولاً غفلت زا هستند، مانند مجالس عروسی نباید عجله کرد؛ بلکه این اقدام باید همراه با درنگ و تأمل باشد تا مشخص شود مجلس، آلوده به گناه نیست و در صورتی که مشکلی از این جهت برای میزبان پدید نیاید، قدری دیرتر در مراسم حضور یابد تا از غفلت خود بکاهد.

ص: ۱۱۰

۴ / ۱۵ اشتراط اجتناب التکلیف للإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام أنه دعا رجلاً ، فقال له علي عليه السلام : علي أن تضمّن لي ثلاث خصال ، قال : وما هي يا أمير المؤمنين ؟ قال : لا تدخل علينا شيئاً من خارج ، ولا تدخر عنّي شيئاً في البيت ، ولا تجحف (۱) بالعيال . قال : ذلك لك . فأجابته علي بن أبي طالب عليه السلام . (۲)

الكافي عن مرزم بن حكيم ، عمّن رفعه إليه : إن حارثاً الأعور أتى أمير المؤمنين عليه السلام وقال : يا أمير المؤمنين ، أحب أن تُكرمني بأن تأكل عندي . فقال له أمير المؤمنين عليه السلام : علي ألا تتكلف لي شيئاً . ودخل ، فأتاه الحارث بكسرهِ ، فجعل أمير المؤمنين عليه السلام يأكل . فقال له الحارث : إن معي دراهم وأظهرها ، فإذا هي في كُمه فإن أذنت لي اشتريت لك شيئاً غيرها ؟ فقال له أمير المؤمنين عليه السلام : هذه مما في بيتك . (۳)

مستدرک الوسائل عن الأصبع بن نباته : خرّجنا مع أمير المؤمنين عليه السلام ، وهو يطوف في السوق يوفى الكيل والميزان ، حتى إذا انتصف النهار مرّ برجل جالس ، فقام إليه فقال : يا أمير المؤمنين ، ستر معي إلى أن تدخل بيتي ، وتتعدى وتدعو الله لي ، وما أحسبك اليوم تعديت . قال علي عليه السلام : علي أن أشرط عليك . قال : لك شرطك . قال عليه السلام : علي ألا تدخر ما في بيتك ، ولا تتكلف ما وراء بابك . قال : لك شرطك . فدخل ودخلنا ، وأكلنا خلّاً وزيتاً وتمراً ، ثم خرّج . (۴)

۱- .أجحف به : كلفه ما لا يطيق (المصباح المنير : ص ۹۱ «جحف»).

۲- الخصال : ص ۱۸۹ ح ۲۶۰ عن عبد الله بن أحمد بن عامر الطائي ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ۲ ص ۴۲ ح ۱۳۸ ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص ۲۴۶ ح ۱۵۵ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۱ ح ۴ .

۳- الكافي : ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۴ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۷ ح ۱۵۳۸ ، بحار الأنوار : ج ۴۲ ص ۱۶۰ ح ۳۰ .

۴- مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۴۰ ح ۱۹۷۲۸ نقلاً عن الحسين بن حمدان الحضيني في الهدايه وراجع : المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۷ ح ۱۵۳۹ .

**۴ / ۵ شرط کردنِ پرهیز از تکلف (تشریفات)**

۴ / ۵ شرط کردنِ پرهیز از تکلف (تشریفات) امام رضا علیه السلام از پدران‌ش علیهم السلام: مردی، امیر مؤمنان علیه السلام را دعوت کرد. علی علیه السلام به او فرمود: «پذیرفتم، به شرط آن که سه قول به من بدهی». مرد گفت: چه قولی، ای امیر مؤمنان؟! فرمود: «از بیرون، چیزی برای ما تهیه نکنی، آنچه را در خانه هست، از من دریغ نوری، و خانواده را به زحمت نیندازی». مرد گفت: قبول است. پس علی بن ابی طالب علیه السلام دعوتش را پذیرفت.

الکافی به نقل از مرازم بن حکیم از کسی که حدیث را بدون ذکر روایانش نقل کرده است: حارث اعور، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! دوست دارم به من افتخار دهید و مهمانم شوید. امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود: «به این شرط که خودت را برای من به زحمت نیندازی». و وارد [خانه او] شد. حارث، پاره نانی آورد. امیر مؤمنان علیه السلام مشغول خوردن شد. حارث گفت: من چند درهمی دارم و آنها را در حالی که در لای آستینش بود، نشان داد. اگر اجازه دهید، چیزی غیر از این [نان] برایتان خریداری کنم؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «این [پاره نان]، از همان چیزی است که در خانه توست».

مستدرک الوسائل به نقل از اصبع بن نباته: همراه امیر مؤمنان علیه السلام به بازار رفتیم. ایشان در بازار می‌گشت و بازاریان را به کامل دادن پیمان و ترازو توصیه می‌کرد، تا آن که ظهر شد و ایشان بر مردی که نشسته بود، گذشت. مرد، به سوی حضرت رفت و گفت: ای امیر مؤمنان! با من به منزل بیایید و ناهار میل نمایید و برایم دعا کنید. گمان نمی‌کنم هنوز ناهار خورده باشید! علی علیه السلام فرمود: «به یک شرط می‌آیم». مرد گفت: چه شرطی؟ فرمود: «به شرط آن که آنچه در خانه ات هست، از ما دریغ نوری و از بیرون خانه ات چیزی فراهم نیاوری». مرد گفت: قبول است. و همراه او به خانه اش رفتیم و سرکه و روغن و خرما خوردیم. سپس، امام علیه السلام خارج شد.

ص: ۱۱۲

۴ / ۱۶ الاستئذان لِتَدْخُولِ بَيْتِ الْمُضَيَّفِ الْكِتَابِ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ \* فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ». (۱)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَجَاءَ مَعَ الرَّسُولِ ، فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُ إِذْنٌ . (۲)

۱- .النور: ۲۷ و ۲۸ .

۲- .سنن أبي داود: ج ۴ ص ۳۴۸ ح ۵۱۹۰ ، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۶۳۲ ح ۱۰۸۹۶ ، السنين الكبرى: ج ۸ ص ۵۹۱ ح ۱۷۶۷۲ وليس فيهما «إلى طعام» و كلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۵ ح ۲۵۹۱۷ .



ص: ۱۱۳

**۴ / اجازه گرفتن برای ورود به خانه میزبان**

۴ / اجازه گرفتن برای ورود به خانه میزبانقرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن، سلام گوئید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود. و اگر به شما گفته شد: «برگردید»، برگردید؛ که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید، داناست.»

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد و با فرستاده آمد، این، خود برای او اجازه [ی ورود] است.

ص: ۱۱۴

٤ / ٧ السَّلامُ حِينَ دُخُولِ الْبَيْتِ الْكِتَابِ «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ \* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلِّمْ عَلَيْنَا قَالِ سَلِّمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ» .  
(١)

«وَتَبَّتْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ \* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلِّمْ» . (٢)

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ (٣) تَحِيَّهٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» . (٤)

راجع : النور : ٢٧

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله : لا تدعوا أحدا إلى الطعام حتى يسلم . (٥)

٤ / ٨ القعودُ حيثُ يَأْمُرُ صَاحِبُ الْبَيْتِ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ فِي رَحْلِهِ (٦) ، فَلْيَقْعِدْ حَيْثُ يَأْمُرُهُ صَاحِبُ الرَّحْلِ ؛ فَإِنَّ صَاحِبَ الرَّحْلِ أَعْرَفُ بِعَوْرَةِ بَيْتِهِ مِنَ الدَّخَالِ عَلَيْهِ . (٧)

١- الذاريات : ٢٤ و ٢٥ .

٢- الحجر : ٥١ و ٥٢ .

٣- أبو الصباح: سألتُ أبا جعفرٍ عليه السلام عن قولِ اللهِ عز و جل: فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ . قال: هُوَ تَسْلِيمُ الرَّجُلِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ حِينَ يَدْخُلُ ثُمَّ يَزْدَوْنَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَلَامُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ (معانى الأخبار: ص ١٦٢).

٤- النور : ٦١ .

٥- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٩ ح ٢٦٩٩ ، تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ٣٩ الرقم ١٠١٣ ، تهذيب الكمال : ج ١٠ ص ٤٣٨ كلها عن جابر ، كنز العميال : ج ٩ ص ٢٤٩ ح ٢٥٨٧٨ ؛ الجعفریات : ص ٢٢٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مستدرک الوسائل : ج ٨ ص ٣٥٧ ح ٩٦٥٤ .

٦- رَحْلُ الشَّخْصِ : مَأْوَاهُ فِي الْحَضَرِ (المصباح المنير : ص ٢٢٢ «رَحْلٌ»).

٧- قرب الإسناد : ص ٦٩ ح ٢٢٢ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٥١ ح ٢ .

ص: ۱۱۵

**۴ / ۷ سلام کردن هنگام ورود به خانه****۴ / ۸ نشستن در جایی که میزبان پیشنهاد می کند**

۴ / ۷ سلام کردن هنگام ورود به خانهقرآن «آیا خیر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید؟ چون بر او درآمدند، پس سلام گفتند. گفت: «سلام! مردمی ناشناسید».

«و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر بده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند».

«پس چون به خانه هایی [ که گفته شد ] درآمدید، به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خداوند، مبارک و خوش است. خداوند، آیات [ خود ] را این گونه برای شما بیان می کند. امید که بیندیشید».

ر.ک: نور: آیه ۲۷

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی را به غذا خوردن، دعوت نکنید تا آن گاه که سلام کند.

۴ / ۸ نشستن در جایی که میزبان پیشنهاد می کند امام باقر علیه السلام: هرگاه یکی از شما به خانه برادرش وارد شد، هر جایی که صاحب خانه می گوید، همان جا باید بنشیند؛ زیرا صاحب خانه، به موقعیت خانه اش نسبت به مهمان، آشناتر است.

ص: ١١٦

٤ / ٩ قبول التَّكْرِيمِ تفسیر فرات عن أبي خليفه: دَخَلْتُ أَنَا وَأَبُو عُيَيْدَةَ الْحَدَاءِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا جَارِيَهُ هَلُمَّ بِمِرْفَقِهِ، قُلْتُ: بَلْ نَجْلِسُ، قَالَ: يَا أَبَا خَلِيفَةَ، لَا تَتَرَدَّدْ الْكِرَامَةَ، لِأَنَّ الْكِرَامَةَ لَا يَرُدُّهَا إِلَّا حِمَارٌ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ رَجُلَانِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَالْقَى لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَسَادَةً، فَفَعَّيَدَ عَلَيْهَا أَحَدُهُمَا وَأَبَى الْآخَرَ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أُقْعِدْ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُ لَا يَأْتِي الْكِرَامَةَ إِلَّا حِمَارٌ. (٢)

٤ / ١٠ الإفطار من الصوم المندوب رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّمَا زَائِرٍ زَارَ أَخَاهُ وَهُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ صَوْمَ ذَلِكَ الْيَوْمِ. (٣)

السنن الكبرى عن أبي سعيد الخدري: صَنَعْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَعَامًا فَأَتَانِي هُوَ وَأَصْحَابُهُ، فَلَمَّا وُضِعَ الطَّعَامُ، قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: إِنِّي صَائِمٌ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَعَاكُمْ أَخُوكُمْ وَتَكَلَّفَ لَكُمْ. ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَفْطِرْ وَصُمْ مَكَانَهُ يَوْمًا إِنْ شِئْتَ. (٤)

- ١- تفسیر فرات: ص ٢٧٤ ح ٣٧٠، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ١٦٤ ص ٣٢؛ شواهد التنزيل: ج ١ ص ٥٢٣ ح ٥٥٥.
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٦٥٩ ح ١ عن عبد الله بن القداح، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ٥٣ ح ٦؛ أدب الإملاء والاستملاء: ص ١٤٤ نحوه، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٢٤ ح ٢٥٧٥٦.
- ٣- كنز العمال: ج ٩ ص ٢٥١ ح ٢٥٨٩٥ نقلًا عن الديلمي عن سلمان.
- ٤- السنن الكبرى: ج ٤ ص ٤٦٢ ح ٨٣٦٢، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٣٠٦ ح ٣٢٤٠، فتح الباری: ج ٩ ص ٢٤٨، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٥٢ ح ٢٥٨٩٦.

ص: ۱۱۷

**۴ / ۹ احترام پذیری****۴ / ۱۰ گشودن روزه مستحبی**

۴ / ۹ احترام پذیریتفسیر فرات به نقل از ابو خلیفه : من و ابو عییده حدّاء، به حضور امام باقر علیه السلام رسیدیم. امام به کنیزش فرمود بالشی بیاورد. من گفتم : لازم نیست. همین طوری می نشینیم. امام علیه السلام فرمود: «ای ابو خلیفه! عزّت و احترام را رد نکن؛ زیرا عزّت و احترام را فقط الاغ رد می کند» .

امام صادق علیه السلام : دو مرد بر امیر مؤمنان علیه السلام وارد شدند. امام علیه السلام برای هر یک از آن دو ، تشکی انداخت. یکی از آن دو ، روی تشک نشست و دیگری خودداری کرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «روی تشک بنشین؛ زیرا از پذیرفتن عزّت و احترام سرباز نمی زند مگر الاغ».

۴ / ۱۰ گشودن روزه مستحبیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به دیدن برادرش می رود ، در حالی که روزه [مستحبی] گرفته است و روزه اش را می گشاید، خداوند متعال ، [پاداش] روزه آن روز را برایش می نویسد.

السنن الکبری به نقل از ابو سعید خدری : برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله غذایی درست کردم و ایشان همراه یارانش به خانه ام آمدند. غذا را که آوردند، مردی از آن جمع گفت: من روزه ام. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « برادران شما را دعوت کرد و برایتان زحمت کشیده است » . سپس به آن مرد فرمود : « روزه ات را باز کن و اگر خواستی ، به جای آن ، یک روز دیگر روزه بگیر » .

ص: ۱۱۸

رسول الله صلى الله عليه و آله: أَفْضَلُ مَا عَلَى الرَّجُلِ إِذَا تَكَلَّفَ لَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ طَعَامًا فَدَعَاهُ وَهُوَ صَائِمٌ فَأَمَرَهُ ، أَنْ يُفْطِرَ ؛ مَا لَمْ يَكُنْ صِيَامُهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَرِيضَةً ، أَوْ قَضَاءً ، أَوْ نَذْرًا سَمَاءً ، وَمَا لَمْ يَمِلِ النَّهَارُ . (۱)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ وَهُوَ صَائِمٌ فَسَأَلَهُ أَنْ يُفْطِرَ ، فَلْيُفْطِرْ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ صِيَامُهُ ذَلِكَ قَضَاءً فَرِيضَةً ، أَوْ نَذْرًا سَمَاءً ، أَوْ كَانَ قَدْ زَالَ نِصْفُ النَّهَارِ . (۲)

۴ / ۱۱ جوده الأكل الإمام الصادق عليه السلام لبعض أصحابه وهو يأكل معه : إِنَّمَا تُعَرَفُ مَوَدَّةُ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِجُودِهِ أَكَلِهِ مِنْ طَعَامِهِ ، وَإِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِي فَيَجِدُ الْأَكْلَ ، يَسُرُّنِي بِذَلِكَ . (۳)

۱- الجعفریات : ص ۶۰ ، النوادر للراوندى : ص ۱۷۶ ح ۲۸۹ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ۹۷ ص ۱۲۶ ح ۸ .

۲- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۸ ح ۳۴۸ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۹۰ ح ۱۹۹۱۷ .

۳- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۳۴۴ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۴۳ ح ۱۹۷۳۵ وراجع : الكافى : ج ۶ ص ۲۷۸ ح ۱ .

ص: ۱۱۹

**۴ / ۱۱ خوب خوردن**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه برادر مسلمان یکی از شما زحمت بکشد و غذایی تهیه کند و آن شخص را دعوت نماید و او روزه داشته باشد و دعوت کننده، از او بخواهد که روزه اش را بگشاید، بهترین کار برایش این است که روزه اش را بگشاید؛ به شرط آن که روزه آن روزش، واجب یا قضا یا نذری متعین نباشد، و از ظهر هم نگذشته باشد.

امام صادق علیه السلام: هرگاه یکی از شما بر برادرش وارد شد و روزه داشت و برادرش از او خواست که روزه اش را بگشاید، باید بگشاید؛ مگر این که آن روزه اش، قضای واجب یا نذر معین باشد، یا روز از نیمه، گذشته باشد.

۴ / ۱۱ خوب خوردن امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش که با ایشان غذا می خورد: محبت شخص به برادرش، از خوب خوردنش از غذای او دانسته می شود. من خوش دارم که شخص، از غذای من بخورد و خوب [و حسابی] بخورد. با این کار، مرا خوش حال می کند.

ص: ١٢٠

عنه عليه السلام: إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ: كُلْ فَكُلْ، وَلَا تُلَجِّئْهُ إِلَى أَنْ يُقْسِمَ عَلَيْكَ. فَإِنَّهُ إِنَّمَا يُرِيدُ كِرَامَتَكَ. (١)

١٢ / ٤ الإِثْمَامُ بِصَاحِبِ الْبَيْتِ فِي الصَّلَاةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ زَارَ قَوْمًا فَلَا يُؤْمِنُهُمْ، وَلِيُؤْمِنَهُمْ رَجُلٌ مِنْهُمْ. (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا زَارَ أَحَدُكُمْ قَوْمًا فَلَا يُصَلِّيَنَّ بِهِمْ، يُصَلِّيَ بِهِمْ رَجُلٌ مِنْهُمْ. (٣)

عنه صلى الله عليه و آله: لَا يُؤْمَنَنَّ رَجُلٌ رَجُلًا فِي بَيْتِهِ. (٤)

عنه صلى الله عليه و آله: الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرِ دَارِهِ، وَبِصَدْرِ فَرَسِهِ، وَأَنْ يُؤْمَرَ فِي بَيْتِهِ. (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: لَا يُؤْمَنَنَّ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ، وَلَا يَقْعُدَ فِي بَيْتِهِ عَلَى تَكْرِمَتِهِ (٦) إِلَّا بِإِذْنِهِ. (٧)

١- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٠٨ ح ٣٤٨، المحاسن: ج ٢ ص ١٨١ ح ١٥١٨ عن حسين بن حماد نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٢٦ ح ٦.

٢- سنن أبي داود: ج ١ ص ١٦٣ ح ٥٩٦، سنن الترمذی: ج ٢ ص ١٨٧ ح ٣٥٦، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٣٨ ح ٢٠٥٥٥ كلها عن مالك بن الحويرث، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٦١ ح ٢٥٩٥٠.

٣- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٣٩ ح ٢٠٥٦١، سنن النسائي: ج ٢ ص ٨٠ وليس فيه ذيله، الفردوس: ج ١ ص ٣٠٣ ح ١١٩٩ كلها عن مالك بن الحويرث، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٦١ ح ٢٥٩٤٩.

٤- مستدرک الوسائل: ج ٦ ص ٤٧٦ ح ٧٢٩٦ نقلاً عن درر اللآلی عن ابن مسعود.

٥- جامع الأحاديث للقمي: ص ٨٠، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢١ نقلاً عن الإمامه والتبصره؛ سنن الدارمی: ج ٢ ص ٧٣٩ ح ٢٥٦٧، الفردوس: ج ٢ ص ٢٨٥ ح ٣٣١٧ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٩ ص ٦٤ ح ٢٤٩٦٠ نقلاً عن المعجم الكبير وكلها عن عبد الله بن حنظله.

٦- التَّكْرِمَةُ: الموضع الخاص لجلوس الرجل من فراش أو سرير، مما يُعَدُّ لإكرامه (النهاية: ج ٤ ص ١٦٨ «كرم»).

٧- صحيح مسلم: ج ١ ص ٤٦٥ ح ٢٩٠، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٩٩ ح ٢٧٧٢، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٣١٤ ح ٩٨٠ كلاهما نحوه وكلها عن أبي مسعود الأنصاري، كنز العمال: ج ٧ ص ٥٩٣ ح ٢٠٤١٤.



ص: ۱۲۱

**۴ / ۱۲ اقتدا کردن به صاحب خانه در نماز**

امام صادق علیه السلام: هرگاه برادرت به تو گفت: بخور، [حتماً] بخور، و او را مجبور نکن که قَسَمَت بدهد؛ چرا که او [با تعارف کردنت به غذا] می‌خواهد به تو احترام بگذارد .

۴ / ۱۲ اقتدا کردن به صاحب خانه در نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مهمان قومی شد، پیش نماز آنها نشود؛ بلکه مردی از خودشان باید امامتشان را بر عهده بگیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما به دیدن قومی رفت، برای آنان نماز نخواند؛ بلکه یک نفر از خودشان پیش نماز شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در خانه کسی دیگر، پیش نماز او نشود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به نشستن در صدر خانه اش و سوار شدن جلوی اسبش و پیش نماز شدن در خانه اش، سزاوارتر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان نباید در قلمرو قدرت دیگری، بر او پیش نمازی کند و یا در جایگاه مخصوص کسی، بدون اجازه او بنشیند .

ص: ۱۲۲

فقه الرضا عن العالم أو عن أمير المؤمنين عليهما السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقَوْمِ يَكُونُونَ جَمِيعًا إِخْوَانًا مَن يُؤْمَهُمْ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: صَاحِبُ الْفِرَاشِ أَحَقُّ بِفِرَاشِهِ، وَصَاحِبُ الْمَسْجِدِ أَحَقُّ بِمَسْجِدِهِ. (۱)

تنبيهات تمام الضيف بالمضيف في الصلاة والذي هو أحد آداب الضيافة، بمعنى أنه إذا كانت الخصوصيات المطلوبة في امام الجماعة، متوقره فيه فهو حينئذٍ مقدم على جميع الحضور في إمامه الصلاة. وأما إذا لم تتوفر فيه تلك الصفات الخاصه فله أن يعطى هذا الحق لأحد الضيوف المتوقره فيه تلك الصفات. وفي غير تلك الحال يسقط حقه وتصل النوبه لإمامه أحد الحاضرين ممن عنده مواصفات إمامه الجماعة.

۴ / ۱۱۳ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الضِّيَافَةِ سَنَنْ أَبِي دَاوُدَ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: صَبَّحَ أَبُو الْهَيْثَمِ بْنُ التَّيْهَانِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَعَامًا، فَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابَهُ، فَلَمَّا فَرَغُوا، قَالَ: أَتَيْبُوا أَحَاكُم، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا إِثَابُتُهُ؟ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ فَأَكَلَ طَعَامَهُ وَشَرِبَ شَرَابَهُ، فَدَعَا لَهُ، فَذَلِكَ إِثَابُتُهُ. (۲)

- ۱- فقه الرضا: ص ۱۲۴ عن الإمام الرضا عليه السلام، الأصول الستة عشر: ص ۱۵۵ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ۸۸ ص ۱۰۴ ح ۷۸.
- ۲- سنن أبي داود: ج ۳ ص ۳۶۷ ح ۳۸۵۳، شعب الإيمان: ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۴۶۰۵، الإصابه: ج ۵ ص ۴۹۴ نحوه، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۹ ح ۲۵۹۳۵.

ص: ۱۲۳

نکته

### ۴ / ۱۳ دعا کردن برای میزبان

فقه الرضا علیه السلام: عالم (امام رضا علیه السلام) یا امیر مؤمنان علیه السلام، در پاسخ این پرسش که: در میان جمعی از برادران ایمانی، چه کسی امام جماعتشان باشد؟ چنین نقل کرد: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده: صاحب فرش (جائماز/ سجاده)، به فرش خویش، و اهل مسجد، به مسجدش سزاوارتر است».

نکته‌اقتدای مهمان به صاحب خانه در نماز جماعت، به عنوان یکی از آداب مهمانی، به این معناست که با فرض وجود ویژگی‌های لازم در میزبان برای امامت جماعت، او بر دیگران در پیش نمازی، اولویت دارد. پیداست اگر صاحب خانه، فاقد ویژگی‌های مورد نظر باشد، می‌تواند این حق را به هر شخص با صلاحیتی که خود بخواهد، واگذار نماید. در غیر این صورت، این حق، ساقط می‌شود و نوبت، به امامت دیگر حاضران خواهد رسید.

۴ / ۱۳ دعا کردن برای میزبانسنن اُبی داوود به نقل از جابر بن عبد الله: ابو هَیثم بن تَیّهان، برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی آماده ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش را دعوت کرد. چون از خوردن آسودند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برادران را پاداش دهید». یاران گفتند: ای پیامبر خدا! پاداش دادن او چگونه است؟ فرمود: «هرگاه به خانه کسی رفتند و غذایی را خوردند و نوشیدنی اش را نوشیدند و برایش دعا کردند، این، خود، پاداش دادن اوست».

ص: ۱۲۴

صحيح مسلم عن عبد الله بن بسر: نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيَّ أَبِي ، قَالَ : فَقَرَّبْنَا إِلَيْهِ طَعَامًا وَوَطَبَهُ (۱) ، فَأَكَلَ مِنْهَا ... ثُمَّ أُتِيَ بِشَرَابٍ فَشَرِبَهُ . ثُمَّ نَاوَلَهُ الْأَذَى عَنْ يَمِينِهِ . قَالَ : فَقَالَ أَبِي وَأَخَذَ بِلِجَامِ دَابَّتِهِ : أَدْعُ لَنَا . فَقَالَ : اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِي مَا رَزَقْتَهُمْ ، وَاعْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمْهُمْ . (۲)

سنن الدارمی عن عبد الله بن بسر: قَالَ أَبِي لِأُمِّي : لَوْ صَيَّعَتِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَعَامًا . فَصَيَّعَتِ ثَرِيدَةً . وَقَالَ بِيَدِهِ (۳) يُقَلِّلُ ! فَانطَلَقَ أَبِي فَدَعَا ، فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَهُ عَلَى ذِرْوَتِهَا (۴) ، ثُمَّ قَالَ : خُذُوا بِسْمِ اللَّهِ! فَأَخَذُوا مِنْ نَوَاحِيهَا ، فَلَمَّا طَعِمُوا دَعَا لَهُمْ ، فَقَالَ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمْهُمْ ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِي رِزْقِهِمْ . (۵)

الامام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا طَعِمَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِ قَالَ لَهُمْ : طَعِمَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ ، وَأَكَلَ عِنْدَكُمْ الْأَبْرَارُ ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ الْأَخْيَارُ . (۶)

۱- الوَطْبَةُ: الْحَيْسُ ، يَجْمَعُ بَيْنَ التَّمْرِ وَالْأَقِطِ وَالسَّمْنِ (النهاية: ج ۵ ص ۲۰۳ «وطب»).

۲- صحيح مسلم: ج ۳ ص ۱۶۱۵ ح ۱۴۶ ، سنن الترمذی: ج ۵ ص ۵۶۸ ح ۳۵۷۶ ، مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۲۰۹ ح ۱۷۶۹۱ عن عبد الله بن بسر عن أبيه .

۳- قَالَ بِيَدِهِ : أَوْمًا ، أَخَذَ ، قَلَبَ (أنظر: النهاية: ج ۴ ص ۱۲۴ «قول»).

۴- ذِرْوَةُ كُلِّ شَيْءٍ : أَعْلَاهُ (النهاية: ج ۲ ص ۱۵۹ «ذرا»).

۵- سنن الدارمی: ج ۱ ص ۵۲۷ ح ۱۹۵۳ ، صحيح ابن حبان: ج ۱۲ ص ۱۱۰ ح ۵۲۹۹ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۱۲۰ ح ۷۰۸۵ ، تاریخ دمشق: ج ۲۴ ص ۱۴۹ ح ۵۱۹۳ ، کنز العمال: ج ۱۵ ص ۴۳۰ ح ۴۱۷۰۵ .

۶- الكافي: ج ۶ ص ۲۹۴ ح ۱۰ ، تهذيب الأحكام: ج ۹ ص ۹۹ ح ۴۳۰ كلاهما عن السكونی ، المحاسن: ج ۲ ص ۲۲۱ ح ۱۶۶۴ من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۵۴ ح ۲۰ .

ص: ۱۲۵

صحیح مسلم به نقل از عبد الله بن بسر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مهمان پدرم شد. برای ایشان، غذا و حلوی خرما آوردیم. از آن تناول فرمود... آن گاه نوشیدنی آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نوشید. سپس ظرف نوشیدنی را به کسی که سمت راستش بود، داد. پدرم لگام ستور پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و گفت: برای ما دعا کنید! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا! به اینان در آنچه روزی شان کرده ای، برکت ده و گناهانشان را بیامرز و رحمتشان کن!».

سنن الدارمی به نقل از عبد الله بن بسر: پدرم به مادرم گفت: کاش برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله غذایی درست کنی! مادرم آب گوشتی درست کرد. با دستش اشاره کرد که آب گوشت، اندک است. پدرم رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستش را روی آب گوشت گرفت. سپس فرمود: «به نام خدا شروع کنید!». همه شروع به خوردن از کناره های آن کردند. چون غذایشان را خوردند، پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان دعا کرد و فرمود: «بار خدایا! ایشان را بیامرز و رحمتشان کن و به روزی شان برکت عطا فرما!».

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه نزد خانواده ای غذا می خورد، به ایشان می فرمود: «روزه داران، نزد شما غذا خوردند و نیکان، از غذایان تناول کردند و فرشتگان نیکو، بر شما درود فرستادند».

ص: ۱۲۶

۴ / ۱۱۴ الإِنْصِرَافُ بَعْدَ تَنَاوُلِ الطَّعَامِ الْكَتَابِ «... إِذَا دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَنْسِينَ لِحَدِيثِ إِنْ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ» . (۱)

الحدیث الدرد المنثور عن الربیع بن أنس: كانوا یحیثون فیدخلون بیت النبی صلی الله علیه و آله ، فیلجون فیتحدثون لیدرک الطعام ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى : «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظْرِينَ إِنَاهُ» لِيُدْرِكَ الطَّعَامَ «وَلَا مُسْتَنْسِينَ لِحَدِيثِ» وَلَا تَجْلِسُوا فَتَحَدَّثُوا . (۲)

صحيح البخارى عن أنس: أنا أعلم الناس بهذه الآية آية الحجاب لما أهديت زينب بنت جحش إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ، كانت معه في البيت ، صَبَعَ طَعَامًا وَدَعَا الْقَوْمَ ، فَفَعَدُوا يَتَحَدَّثُونَ ، فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْرُجُ ثُمَّ يَرْجِعُ وَهُمْ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ . فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى : «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظْرِينَ إِنَاهُ» إِلَى قَوْلِهِ : «مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» ، فَضَرَبَ الْحِجَابَ ، وَقَامَ الْقَوْمَ . (۳)

صحيح البخارى عن أنس: لَمَّا تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَيْنَبَ بِنْتَ جَحْشٍ ، دَعَا الْقَوْمَ فَطَعِمُوا ، ثُمَّ جَلَسُوا يَتَحَدَّثُونَ ، وَإِذَا هُوَ كَأَنَّهُ يَتَهَيَّأُ لِلْقِيَامِ فَلَمْ يَقُومُوا ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ قَامَ ، فَلَمَّا قَامَ قَامَ مِنْ قَامٍ وَقَعِدَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَدْخُلَ فَإِذَا الْقَوْمُ جُلُوسٌ ، ثُمَّ إِنَّهُمْ قَامُوا . فَانْطَلَقَتْ فَجِئَتْ فَأَخْبَرَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُمْ قَدِ انْطَلَقُوا ، فَجَاءَ حَتَّى دَخَلَ فَمَذَهَبَتْ أُدْخُلُ ، فَأَلْقَى الْحِجَابَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ . فَأَنْزَلَ اللَّهُ : «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ» الْآيَةَ . (۴)

۱- الأَحْزَابُ : ۵۳ .

۲- الدر المنثور: ج ۶ ص ۶۴۱ نقلاً عن عبد بن حميد .

۳- صحيح البخارى: ج ۴ ص ۱۷۹۹ ح ۴۵۱۴ ، الطبقات الكبرى: ج ۸ ص ۱۰۵ ، المعجم الكبير: ج ۲۴ ص ۴۸ ح ۱۲۸ .

۴- صحيح البخارى: ج ۴ ص ۱۷۹۹ ح ۴۵۱۳ ، صحيح ابن حبان: ج ۱۲ ص ۳۹۱ ح ۵۵۷۸ ، السنين الكبرى: ج ۷ ص ۱۴۰ ح ۱۳۵۰۳ ، الدر المنثور: ج ۶ ص ۶۴۰ .

ص: ۱۲۷

**۴ / ۱۴ ترک کردن مهمانی پس از صرف غذا**

۴ / ۱۴ ترک کردن مهمانی پس از صرف غذا قرآن «... هنگامی که دعوت شدید، داخل گردید و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید، بی آن که به سخنی، سرگرم گردید. این رفتار شما پیامبر را می رنجاند؛ و [لی] از شما شرم می دارد و حال آن که خدا از حق [گویی] شرم نمی کند».

حدیث‌الدّر المنثور به نقل از ربیع بن آنس: [مردم] به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و می نشستند و به صحبت کردن می پرداختند تا غذا آماده شود. پس، خداوند متعال، این آیه را فرو فرستاد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردن] غذایی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید؛ یعنی رسیدن غذا. «و سرگرم سخنی نشوید»؛ یعنی به صحبت کردن ننشینید.

صحیح البخاری به نقل از آنس: من داناترین مردم به این آیه (آیه حجاب) هستم. وقتی زینب، دختر جحش را به خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آوردند، زینب، با ایشان در اتاق بود. پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی مهیا ساخت و مردم را دعوت کرد. مردم [پس از صرف غذا] به صحبت کردن نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله از اتاق بیرون می رفت و بر می گشت؛ اما آنها همچنان نشسته بودند و گپ می زدند. پس، خداوند متعال، این آیه را فرو فرستاد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردن] غذایی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید» تا جمله «از پس پرده». پس پرده زده شد و افراد برخاستند و رفتند.

صحیح البخاری به نقل از آنس: چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با زینب، دختر جحش ازدواج کرد، مردم را دعوت نمود و آنها غذایشان را که خوردند، به صحبت کردن نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله وانمود کرد که آماده بلند شدن است؛ اما افراد برخاستند [که بروند]. پیامبر صلی الله علیه و آله چون چنین دید، برخاست. با برپای ایستادن ایشان، بقیه هم برخاستند، بجز سه نفر که همچنان نشسته بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله آمد که داخل اتاق شود؛ اما دید که آن عده [، هنوز] نشسته اند. [برگشت]، آن افراد هم برخاستند و رفتند. من آمدم و به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادم که آنها رفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و وارد اتاق شد. من هم خواستم داخل شوم که پیامبر صلی الله علیه و آله، پرده را میان من و خودش انداخت. آن گاه خداوند، این آیه را فرو فرستاد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! داخل اتاق های پیامبر نشوید» تا آخر آیه.

ص: ۱۲۸

نکتهد که تكون الدعوه للضيافه لتناول وجبه واحده من الطعام في منزل المضيف فينبغي للضيوف الالتزام بذلك ، والروايات الواردة اعلاه ناظره لهذا القسم من الضيوف ، وتوصيهم بالبقاء لفترة محدوده عنده ؛ رعايه لحاله. وقد تنجز الضيافه لبقاء الضيف مدّه أكثر من ذلك ، وتناوله أكثر من وجبه طعام ، والروايات التاليه ناظره لهذا القسم من الضيوف وتوصيهم بعدم البقاء أكثر من ثلاثه أيام ؛ لتلا يتضايق المضيف أو يتكدّر خاطره .

۴ / ۱۵ مُرَاقَبَةُ كِرَامَةِ نَفْسِهِ فِي الْإِقَامَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الضِّيَافَةُ أَوَّلَ يَوْمٍ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثَ ، وَمَا بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنَّهَا صِدْقَةٌ تُصَدَّقُ بِهَا عَلَيْهِ . (۱)

۱- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۳ ح ۲ ، الخصال: ص ۱۴۹ ح ۱۸۱ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۶۳ ح ۳ .



ص: ۱۲۹

## نکته

**۴ / ۱۵ پاسداری از کرامت خود با رعایت مدت اقامت**

نکته‌گاه مهمان برای صرف یک وعده غذا، در منزل میزبان حضور می‌یابد. روایات یاد شده، ناظر به این دسته از مهمانان است و به آنها توصیه می‌کند که به منظور رعایت حال صاحب خانه، ساعات حضور خود را محدود نمایند. از سوی دیگر، برخی مهمانی‌ها به صورت طبیعی، طولانی‌ترند و به چند وعده می‌انجامند. احادیث بعدی که به این دسته از مهمانی‌ها نظر دارند به مهمان توصیه می‌کنند که بیش از سه روز به حضور خود ادامه ندهند و باعث خستگی و آزرده حالی میزبان نشوند.

۴ / ۱۵ پاسداری از کرامت خود با رعایت مدت اقامت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهمانی، یک روز و دو روز و سه روز است؛ بعد از آن، صدقه‌ای است که به او (مهمان) می‌دهی.

ص: ۱۳۰

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ ، فَمَا كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ فَهُوَ مَعْرُوفٌ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفَةُ ثَلَاثَةُ ، فَمَا حُسِسَ بَعْدَ فَهُوَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفَةُ ثَلَاثٌ ، فَمَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ صَدَقَةٌ . (۳)

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفُ لَا يُنْقَضُ مِنْ كَرَامَتِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفُ يُلَطَّفُ لَيْلَتَيْنِ ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الثَّلَاثَةِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ؛ يَأْكُلُ مَا أُدْرِكَ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله: لَيْلَةُ الضَّيْفِ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ، وَمَنْ أَصْبَحَ إِنْ شَاءَ أَخَذَهُ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَهُ . (۶)

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ ، وَمَا بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ صَدَقَةٌ ، وَلَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَتَوَرَى عِنْدَهُ حَتَّى يُحْرِجَهُ (۷) . (۸)

۱- المعجم الكبير: ج ۸ ص ۳۲۰ ح ۸۱۹۹ عن أبي مالك الأشجعي عن أبيه طارق، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۴۷ ح ۲۵۸۶۶.

۲- إكرام الضيف لابن أبي الدنيا: ص ۵۹ ح ۱۲۲ عن أبي سعيد الخدرى.

۳- مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۷۵ ح ۱۱۳۲۵، السنن الكبرى: ج ۹ ص ۳۳۱ ح ۱۸۶۹۱ كلاهما عن أبي سعيد الخدرى، المصنف لعبد الرزاق: ج ۱۱ ص ۲۷۳ ح ۲۰۵۲۷ عن الزهرى، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۳ ح ۲۵۹۰۹.

۴- تاريخ دمشق: ج ۲۷ ص ۲۴۱ ح ۵۷۹۷ عن ابن جرّاد، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۶۹ ح ۲۵۹۷۶.

۵- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۳ ح ۱ عن سليمان بن حفص البصرى عن الإمام الصادق عليه السلام.

۶- جامع الأخبار: ص ۳۷۸ ح ۱۰۵۸، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۶۱ ح ۱۴؛ مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۹۱ ح ۱۷۱۷۲، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۲۱۲ ح ۳۶۷۷، الأدب المفرد: ص ۲۲۳ ح ۷۴۴ كلّها عن المقدم بن معدى كرب نحوه، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۴۳ ح ۲۵۸۴۰.

۷- يُحْرِجُهُ: أى يُوقِعُهُ فى الحرج. الحَرْجُ: الإِثْمُ وَالضَّبِيقُ (النهاية: ج ۱ ص ۳۶۱ «حرج»).

۸- سنن أبي داود: ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۳۷۴۸، سنن الترمذى: ج ۴ ص ۳۴۵ ح ۱۹۶۸، مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۳۳۲ ح ۲۷۲۳۱ كلّها عن أبي شريح الكعبى، مسند إسحاق بن راهويه: ج ۱ ص ۳۲۱ ح ۳۰۵ عن أبي هريره نحوه، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۴۶ ح ۲۵۸۶۰.

ص: ۱۳۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است ؛ بیشتر از آن ، احسان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است ؛ بعد از آن هر چه بماند ، زکات برایش محسوب می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است ؛ افزون بر آن ، صدقه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از مهمان تا سه روز باید به خوبی پذیرایی کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان ، تا دو شب پذیرایی می شود . از شب سوم ، جزء اهل خانه به شمار می آید و هر چه به او رسید ، می خورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پذیرایی از مهمان در شب اول، وظیفه ای است که بر عهده هر مسلمان گذاشته شده است . [در صورتی که میزبان این حق را ادا نکند] مهمان می توان آن را مطالبه کرده یا صرف نظر نماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است و بیشتر از آن ، صدقه است . مهمان نباید آن قدر نزد کسی بماند که او را به گناه و سختی بیندازد.

ص: ۱۳۲

عنه صلى الله عليه و آله: لا يَتَّبِعِي لِلضَّيْفِ إِذَا نَزَلَ بِقَوْمٍ يُمِلُّهُمْ ، فَيُخْرِجُهُمْ أَوْ يُخْرِجُوهُ (۱) . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله: لا يَتَّبِعِي لِلضَّيْفِ إِذَا نَزَلَ بِقَوْمٍ يُمِلُّهُمْ وَيُمْلُونَهُ . (۳)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لا يَنْزِلُ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ حَتَّى يُؤْتِمَّهُ مَعَهُ . قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ يُؤْتِمُّهُ؟ قَالَ: حَتَّى لا يَكُونَ عِنْدَهُ مَا يُنْفِقُ عَلَيْهِ (۴) . (۵)

رسول الله صلى الله عليه و آله: لِلضَّيْفِ عَلَى مَنْ نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ ثَلَاثٌ ، فَمَا زَادَ فَهُوَ صِدْقَةٌ . وَعَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَرْتَحِلَ ، لا- يُؤْتِمَّ أَهْلَ مَنْزِلِهِ . (۶)

عنه صلى الله عليه و آله: الضَّيْفُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ ، فَمَا زَادَ فَهُوَ صِدْقَةٌ ، وَعَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ . (۷)

۱- كذا في المصدر وبحار الأنوار، والظاهر أن الصواب: «فيخرجهم أو يخرجه» بالحاء المهملة .

۲- جامع الأخبار: ص ۳۷۷ ح ۱۰۵۳ ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۶۰ ح ۱۴ .

۳- جامع الأخبار للشعيرى (طبعه مؤسسه الأعلمی): ص ۱۳۲ .

۴- من الممكن أن يصدر من المستضيف في مثل هذه الظروف ونتيجة لوقوعه في الكلفة والتعب كلام أو تصرف غير لائق تجاه الضيف، فيكون آثماً .

۵- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۳ ح ۲ ، الخصال: ص ۱۴۹ ح ۱۸۱ كلاهما عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۶۳ ح ۳ ؛ صحيح مسلم: ج ۳ ص ۱۳۵۳ ح ۱۵ ، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۱۳ .

۶- مسند أبي يعلى: ج ۵ ص ۴۱۷ ح ۶۱۰۸ ، مكارم الأخلاق ومعاليها: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۳۳۱ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۳ ح ۲۵۹۰۶ .

۷- قرى الضيف لابن أبي الدنيا: ص ۴۳ ح ۵۳ ، سنن أبي داود: ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۳۷۴۹ ، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۱۳۶ ح ۷۸۷۸ ، صحيح ابن حبان: ج ۱۲ ص ۹۲ ح ۵۲۸۴ كلها عن أبي هريره وليس في الثلاثة الأخيره ذيله ، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۴۶ ح ۲۵۸۶۵ .

ص: ۱۳۳

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهمان نباید هرگاه بر قومی وارد می شود، آنها را به ستوه بیاورد. پس یا آنها را بیرون کند یا این که آنها، او را بیرون کنند. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهمان نباید هرگاه بر قومی وارد می شود، کاری کند که آنها را به ستوه بیاورد یا آنها، او را به ستوه بیاورند.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ یک از شما چندان نزد برادرش ننماید که او را به گناه بیندازد» . گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه او را به گناه می اندازد؟ فرمود: «تا جایی که چیزی برایش نماند که برای او خرج کند». (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهمان بر کسی که مهمانش می شود، سه روز حق دارد و بیشتر از آن، صدقه [و احسانی از جانب میزبان] محسوب می شود. و مهمان باید برود تا صاحب خانه را به گناه نیندازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهمانی، سه روز است. افزون بر آن، صدقه است و مهمان، بعد از سه روز باید برود.

- ۱- در جامع الأخبار و بحار الأنوار، همین گونه آمده است، یعنی «فَيُخْرِجُهُمْ أَوْ يُخْرِجُوهُ»؛ امّا ظاهراً درستش این است: «فَيُخْرِجُهُمْ أَوْ يَحْرِجُوهُ» با حاء؛ یعنی «پس آنها را به سختی و گناه بیندازد یا آنها او را».
- ۲- در این شرایط، ممکن است میزبان در اثر به زحمت افتادن، سخنی بر زبان آورد و یا برخوردی با مهمان کند که پسندیده نباشد و گناه به شمار آید.

### سختی در باره به زحمت افتادن برای پذیرایی از مهمان

سختی در باره به زحمت افتادن برای پذیرایی از مهمانروایاتی که موضوع «تکلف» یعنی به زحمت افتادن برای مهمان در آنها آمده ، به سه دسته تقسیم می شوند : ۱. روایاتی که توصیه می کنند هنگامی که شخصی به مهمانی دعوت شد ، شایسته است پذیرفتن خود را به این مشروط کند که میزبان برای پذیرایی از او ، خود را به زحمت نیندازد . (۱) ۲. روایاتی که دلالت دارند بر این که تکلف و به زحمت افتادن برای مهمان دعوت شده کاری شایسته و خداپسندانه است ؛ هر چند برای مهمان ناخوانده چنین ضرورتی وجود ندارد و پذیرایی از وی با هر آنچه فراهم است ، کفایت می کند . (۲) ۳. روایاتی که تکلف را مورد نکوهش قرار داده اند . (۳) گفتنی است که این روایات ، با هم تعارضی ندارند و جمع مفهومی آنها

۱- ر.ک : شرط کردن پرهیز از تکلف و تشریفات .

۲- ر.ک : کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده .

۳- ر.ک : تشریفات مشقت بار .

ص: ۱۳۵

این است که از یک سو، شایسته است که مهمان هنگام دعوت میزبان، با او شرط کند که خود را به هیچ وجه به زحمت نیندازد و از سوی دیگر، متقابلاً شایسته است که میزبان، در حدّ توان، برای گرامی داشتِ مهمانی که او را دعوت کرده، تلاش کند، البته نه به اندازه ای که سختی آن چنانی ای به خود یا خانواده خویش تحمیل کند که با حکمت مهمانی و نزدیک شدن دل ها منافات داشته باشد!

ص: ۱۳۶

الفصل الخامس : ما لا یَبْغَى لِلضَّیْفِ ۵ / الحُضُورُ فی ضَیْفِهِ الْآخِرینَ مِنْ دُونَ دَعْوِهِ رسول الله صلی الله علیه و آله مِنْ وَصایَاهُ لِعَلِیٍّ علیه السلام : یا عَلِیُّ ، ثَمَانِیَّةٌ إِنْ أَهینُوا فَلَا یَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ : الدَّاهِبُ إلی مَائِدِهِ لَمْ یُدْعَ إِلِیْهَا ... (۱)

عنه صلی الله علیه و آله : مَنْ دَخَلَ عَلَی طَعَامِ قَوْمٍ بَغَیْرِ إِذْنِهِمْ فَهُوَ سَارِقٌ . (۲)

عنه صلی الله علیه و آله : مَنْ دَخَلَ عَلَی غَیْرِ دَعْوِهِ ، دَخَلَ سَارِقًا وَخَرَجَ مُغْبِرًا . (۳)

عنه صلی الله علیه و آله : مَنْ أَتَى دَعْوَةَ قَوْمٍ مِنْ غَیْرِ أَنْ یُدْعَى إِلِیْهَا ، دَخَلَ عاصِیًا ، وَأَكَلَ حَرَامًا ، وَخَرَجَ مَسْخُوطًا عَلَیْهِ . (۴)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۴ ص ۳۵۵ ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعاً عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، الخصال : ص ۴۱۰ ح ۱۲ عن حمّاد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، مکارم الأخلاق : ج ۲ ص ۳۲۱ ح ۲۶۵۶ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۲ ح ۶ .

۲- عوالی اللآلی : ج ۴ ص ۳۹ ح ۱۳۵ .

۳- سنن أبی داود : ج ۳ ص ۳۴۱ ح ۳۷۴۱ ، السنن الكبرى : ج ۷ ص ۱۰۸ ح ۱۳۴۱۲ ، مسند الشهاب : ج ۱ ص ۳۱۴ ح ۵۲۸ کلّها عن عبد الله بن عمر ، کنز العمال : ج ۱۶ ص ۳۰۷ ح ۴۴۶۲۹ .

۴- الجعفریات : ص ۱۶۵ عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۰۶ ح ۱۹۶۰۳ .



ص: ۱۳۷

**فصل پنجم : آنچه شایسته مهمان نیست****۵ / شرکت کردن بدون دعوت در مهمانی دیگران**

فصل پنجم : آنچه شایسته مهمان نیست ۵ / شرکت کردن بدون دعوت در مهمانی دیگران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به علی علیه السلام : ای علی ! هشت نفرند که اگر خوار داشته شوند ، نباید کسی جز خود را سرزنش کنند : کسی که به مهمانی ای برود که به آن ، دعوت نشده است . . . .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بدون اجازه قومی ، بر خوراک آنان وارد شود ، دزد است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بی دعوت وارد شود، دزدانه ، وارد شده و تاراجگر، خارج شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به مهمانی قومی برود ، بی آن که به آن دعوت شده باشد ، رفتنش گناه است و آنچه بخورد ، حرام است و چون خارج شود ، مورد خشم است .

ص: ۱۳۸

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي جَوْفِهِ شُعْلَةَ نَارٍ . (۱)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ ، فَإِنَّمَا أَكَلَ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ . (۲)

الإمام علي عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَأْتِي الدَّعْوَةَ وَيَقُولُ : هِيَ حَقٌّ عَلَى مَنْ دُعِيَ إِلَيْهَا . وَمَنْ أَتَاهَا وَلَمْ يُدْعَ إِلَيْهَا فَقَدْ أَتَى مَا لَا يَصْلُحُ لَهُ .

(۳)

راجع : ص ۱۴۶ (ما لا ينبغي للضيف / استتباع الغير) .

نکتهاالجدير بالذكر أن الروايات المتقدمه ناظره لخصوص اولئك الذين يحاولون التعرف على مجالس الولايم للحضور فيها من دون توجيه دعوه اليهم ، سواء كان حضورهم فيها بشكل مستقل أو مع المدعوين للحضور فيها . وعلى هذا الأساس فإن الدّم الوارد في هذه الروايات لا يشمل الزيارات الأخويه التي تكون من دون دعوه مسبقه .

۵ / ۱۲ الإِجَابَةُ لِلضَّيَافَةِ الْخَاصَّةِ بِالْأَغْنِيَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يُكْرَهُ إِجَابَةُ مَنْ يَشْهَدُ وَلَيْمَتَهُ الْأَغْنِيَاءُ دُونَ الْفُقَرَاءِ . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله: لَا يَحْضُرَنَّ أَحَدُكُمْ عَلَى مَائِدَةٍ قَوْمٍ غَشِيَهُمْ مَدْعُوٌّ ، وَفَقِيرُهُمْ مَرْجُوٌّ (۵) . (۶)

الإمام الكاظم عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ طَعَامِ وَلَيْمَةٍ يُخْصُّ بِهَا الْأَغْنِيَاءُ ، وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ . (۷)

- ۱- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۱۰۸ ح ۳۴۹ ، مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۲۰۶ ح ۱۹۶۰۶ .
- ۲- الكافي: ج ۶ ص ۲۷۰ ح ۲ ، تهذيب الأحكام: ج ۹ ص ۹۲ ح ۳۹۸ ، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۳۱۶ ح ۱۰۱۵ .
- ۳- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۳۴۶ ، مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۲۰۶ ح ۱۹۶۰۵ .
- ۴- الدعوات: ص ۱۴۱ ح ۳۵۸ ، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۴۴۸ ح ۱۱ .
- ۵- أَرْجَيْتُ الْأَمْرَ: أَخْرَجَتْهُ ، يُهْمَزُ وَلَا يُهْمَزُ (الصحيح: ج ۶ ص ۲۳۵۲ «رجا») .
- ۶- عوالي اللآلي: ج ۴ ص ۳۷ ح ۱۲۶ .
- ۷- الكافي: ج ۶ ص ۲۸۲ ح ۴ .

ص: ۱۳۹

نکته

## ۵ / ۲ حضور در مهمانی ویژه ثروتمندان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس غذایی را بخورد که به آن دعوت نشده است، در واقع، شعله آتش وارد شکم خود می‌کند.

امام صادق علیه السلام: هر کس غذایی را بخورد که به آن دعوت نشده است، در حقیقت، تگه‌ای از آتش خورده است.

امام علی علیه السلام به مهمانی می‌رفت و می‌فرمود: [رفتن به] این [مهمانی]، وظیفه کسی است که به آن دعوت شده است و هر کس بدون دعوت، به مهمانی می‌آید، کاری ناشایست کرده است.

ر. ک: ص ۱۴۷ (آنچه شایسته مهمان نیست / دیگری را همراه بردن).

نکته قابل توجه این که روایات پیش گفته، تنها ناظر به رفتار کسانی است که به دنبال باخبر شدن از برپایی یک مهمانی، بدون آن که برای حضور در آن محفل دعوت شوند، به صورت مستقل و یا همراه مهمان دعوت شده‌ای در آن جا حضور می‌یابند. بر این اساس، نكوهش وارد شده در این روایات، رفت و آمدهای دوستانه‌ای را که بدون دعوت قبلی صورت می‌پذیرند، شامل نمی‌گردد.

۵ / ۲ حضور در مهمانی ویژه ثروتمندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پذیرفتن دعوت کسی که ثروتمندان در ولیمه اش حضور دارند، نه فقرا، شایسته نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما بر سفره غذای قومی که توانگرشان دعوت می‌شود و تهی دستشان دعوت نمی‌شود، نباید حاضر شود.

امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خوردن ولیمه‌ای که به توانگران اختصاص می‌یابد و فقرا در آن جایی ندارند، نهی فرمود.

ص: ۱۴۰

رسول الله صلى الله عليه و آله: شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْعَى إِلَيْهِ الشَّبْعَانُ ، وَيُحْبَسُ عَنْهُ الْجَائِعُ . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله: شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُمْنَعُهَا مَنْ يَأْتِيهَا ، وَيُدْعَى إِلَيْهَا مَنْ يَأْبَاهَا . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله: كَيْفَ بِالْوَلِيمَةِ يَدْعُونَ الشَّبْعَانَ وَيَطْرُدُونَ الْغَرثَانَ (۳) ؟ (۴)

عنه صلى الله عليه و آله: بِنَسِ الطَّعَامِ طَعَامُ الْعُرْسِ يُطْعَمُهُ الْأَغْنِيَاءُ ، وَيُمْنَعُهُ الْمَسَاكِينُ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله: بِنَسِ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْعَى إِلَيْهِ الْأَغْنِيَاءُ ، وَيُمْنَعُ مِنْهُ الْفُقَرَاءُ . (۶)

عنه صلى الله عليه و آله: نِعَمَ الْوَلِيمَةِ وَ لِيمَةً يَأْكُلُ مِنْهَا الْفَقِيرُ وَالشَّرِيفُ وَالْوَضِيعُ وَالْحُرُّ وَالْمَمْلُوكُ . (۷)

الإمام علي عليه السلام من كتاب له إلى عثمان بن حنيف الأنصاري ، وكان عاملاً على البصرة ، وقد بلغه أنه دُعي إلى وليمة قوم من أهلها ، فمضى إليها : أما بعد ، يابن حنيف ، فقد بلغني أن رجلاً من فتيه أهل البصرة دعاك إلى مأدبه فأسرعت إليها ، تستطاب لك الألوآن ، وتثقل إليك الجفان . وما ظننت أنك تجيب إلى طعام قوم عائلهم مجفواً (۸) ، وغثيهم مدعوؤ . (۹)

۱- المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۱۲۳ ح ۱۲۷۵۴ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۷ ح ۴۴۶۲۷ .

۲- صحيح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۵۵ ح ۱۱۰ ، السنن الكبرى: ج ۷ ص ۴۲۸ ح ۱۴۵۲۴ ، مسند الحميدي: ج ۲ ص ۴۹۳ ح ۱۱۷۰ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۷ ح ۴۴۶۲۶ .

۳- غرثان: ج ۳ ص ۳۵۳ «غرث» .

۴- كنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۶ ح ۴۴۶۲۴ نقلاً عن الدارقطني في الأفراد عن أبي ذر .

۵- كنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۶ ح ۴۴۶۲۵ نقلاً عن الدارقطني في فوائد ابن مدرك عن أبي هريره .

۶- حليه الأولياء: ج ۸ ص ۲۶۷ ، صحيح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۵۴ ح ۱۰۷ من دون إسناد إلى النبي صلى الله عليه و آله وفيه «ويترك المساكين» بدل «ويمنع منه الفقراء» ، الفردوس: ج ۲ ص ۲۴ ح ۲۱۵۴ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۰۷ ح ۴۴۶۳۱ .

۷- الفردوس: ج ۴ ص ۲۶۴ ح ۶۷۷۶ عن أبي هريره .

۸- جفوت الرجل: أعرضت عنه أو طردته (المصباح المنير: ص ۱۰۴ «جفا»).

۹- نهج البلاغه: الكتاب ۴۵ ، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۴۷۳ ح ۶۸۶ .

ص: ۱۴۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین خوراک، غذای ولیمه ای است که انسان سیر، به آن دعوت می شود و شخص گرسنه، از آن باز داشته می شود!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین خوراک، غذای ولیمه ای است که کسانی از آن منع می شوند [یعنی فقرا] که معمولاً برای دعوت [به آن می آیند، و کسانی به آن دعوت می شوند [یعنی ثروتمندان] که از آمدن به آن خودداری می ورزند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چگونه خواهی بود با ولیمه [آن گاه] که سیر را [به آن] دعوت می کنند و گرسنه را [از آن] می رانند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بد خوراکی است خوراک ولیمه؛ توانگران، از آن اطعام می شوند و مستمندان را از آن باز می دارند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بد خوراکی است خوراک ولیمه؛ توانگران، به آن دعوت می شوند، و تهی دستان، از آن منع می گردند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش ولیمه ای است، ولیمه ای که فقیر و شریف و فرومایه و آزاد و برده، از آن بخورند!

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به عثمان بن حنیف انصاری که کارگزار او در بصره بود و خبردار شد که وی به ولیمه قومی از بصریان دعوت شده و به آن مهمانی رفته است: اما بعد، ای پسر حنیف! به من خبر رسیده است که مردی از جوانان بصره، تو را به مهمانی ای دعوت کرده و تو به آن شتافته ای و خوراک های رنگارنگ و کاسه های بزرگ در برابرت نهاده اند. گمان نمی کردم به مهمانی گروهی بروی که نیازمندان را رانده می شود و توانگرشان دعوت می گردد!

ص: ۱۴۲

۵ / ۳ إجابته دَعَوَهُ الْمُتَنَفِّسِينَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُتَبَارِيانِ (۱) لَا يُجَابَانِ ، وَلَا يُؤْكَلُ طَعَامُهُمَا . (۲)

سنن أبي داود عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنْ طَعَامِ الْمُتَبَارِيَيْنِ أَنْ يُؤْكَلَ . (۳)

حليه الأولياء عن ابن عباس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يُؤْكَلَ طَعَامُ الْمُتَبَاهَيْنِ . (۴)

۵ / ۴ إجابته دَعَوَهُ أَهْلُ اللَّهِ وَالْغِنَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَجِبْ دَعْوَةَ مَنْ دَعَاكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَا لَمْ يُظْهِرُوا الْمَعَارِفَ (۵) ، فَإِذَا أَظْهَرُوا الْمَعَارِفَ فَلَا تُجِبْهُمْ . (۶)

- ۱- المتباريان: المتعارضان بفعلهما ليعجز الآخر بصنيعه ، وإنما كرهه لما فيه من المباهاة والرياء (النهاية: ج ۱ ص ۱۲۳ «برا»).
- ۲- شعب الإيمان: ج ۵ ص ۱۲۹ ح ۶۰۶۸ عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۸ ح ۲۵۹۳۱ .
- ۳- سنن أبي داود: ج ۳ ص ۳۴۴ ح ۳۷۵۴ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۱۴۳ ح ۷۱۷۰ ، السنن الكبرى: ج ۷ ص ۴۴۸ ح ۱۴۵۹۹ ، كنز العمال: ج ۹ ص ۲۵۸ ح ۲۵۹۳۴ .
- ۴- حليه الأولياء: ج ۱۰ ص ۷۳ .
- ۵- المعازف: الملاهي ، والعاظف: اللاعبُ بها والمغنى (الصحاح: ج ۴ ص ۱۴۰۳ «عزف»).
- ۶- المعجم الكبير: ج ۱ ص ۸۴ ح ۱۰۰۲۸ ، حليه الأولياء: ج ۴ ص ۲۳۶ كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۱۸۶۹ ح ۴۳۴۵۹ .

ص: ۱۴۳

**۵ / ۳ حضور در مهمانی برپاشده با انگیزه همچشمی****۵ / ۴ پذیرش مهمانی اهل ساز و آواز**

۵ / ۳ حضور در مهمانی برپاشده با انگیزه همچشمی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعوت دو کس را که [هم زمان] برای همچشمی ، مهمانی می دهند ، نباید پذیرفت و غذایشان را نباید خورد.

سنن أبی داوود به نقل از ابن عباس : پیامبر صلی الله علیه و آله از خوردن غذای دو کس که همچشمی می کنند ، نهی فرمود.

حلیه الأولیاء به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خوردن غذای کسانی که برای فخرفروشی به دیگران غذا می دهند ، نهی فرمود.

۵ / ۴ پذیرش مهمانی اهل ساز و آواز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعوت هر مسلمانی را تا زمانی که ساز و آواز راه نیندازند ، بپذیر ؛ پس اگر ساز و آواز به راه انداختند ، دعوتشان را قبول مکن.

ص: ١٤٤

٥ / ٥ إجابته دَعَوَهُ الْمُشْرِكِ وَالْمُنَافِقِ وَالْفَاسِقِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ أَنَّ مُشْرِكًا أَوْ مُنَافِقًا دَعَانِي إِلَى طَعَامٍ جَزُورٍ (١) مَا أُجِبْتُهُ ، وَكَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ ، أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِي زَبَدٌ (٢) الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَطَعَامَهُمْ . (٣)

المعجم الكبير عن عمران بن حصين: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ إِجَابَةِ طَعَامِ الْفَاسِقِينَ . (٤)

٥ / ٦ إلقاء المَضْيَفِ فِي الْكُلْفِ وَالْعَسْرِ الإمام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ (٥) مِنْ أَخِيهِ ، وَلَا يُدْرِي أُيُّهُمَا أَعْجَبُ ، الَّذِي يُكَلِّفُ أَخَاهُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ؟ أَوْ الْمُتَكَلِّفُ لِأَخِيهِ؟ (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام: دَعَا سَلْمَانَ أَبَا ذَرٍّ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى ضِيَافِهِ ، فَقَدَّمَ إِلَيْهِ مِنْ جِرَابِهِ كِسْرَةً يَابِسَةً وَبَلَّهَا مِنْ رَكْوَتِهِ (٧) ، فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ: مَا أَطْيَبَ هَذَا الْخُبْزَ لَوْ كَانَ مَعَهُ مِلْحٌ! فَقَامَ سَلْمَانٌ ، وَخَرَجَ وَرَهْنًا رَكْوَتَهُ بِمِلْحٍ وَحَمَلَهُ إِلَيْهِ ، فَجَعَلَ أَبُو ذَرٍّ يَأْكُلُ ذَلِكَ الْخُبْزَ وَيَذُرُّ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْمِلْحَ ، وَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنَا هَذَا الْقَنَاعَةَ . فَقَالَ سَلْمَانٌ: لَوْ كَانَتْ قَنَاعَةٌ لَمْ تَكُنْ رَكْوَتِي مَرهُونَةً! (٨)

١- الجَزُورُ مِنَ الْإِبِلِ خَاصَّةً ، يَقَعُ عَلَى الذَّكْرِ وَالْأُنْثَى ، وَقِيلَ: (الجَزُور) النَّاقَةُ الَّتِي تَنْحُرُ (المصباح المنير: ص ٩٨ «جزر»).

٢- الزَّبْدُ بَسْكَونُ الْبَاءِ: الرَّفْدُ وَالْعَطَاءُ (النهاية: ج ٢ ص ٢٩٣ «زبد»).

٣- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٤ ح ١ ، المحاسن: ج ٢ ص ١٨٠ ح ١٥١١ نحوه وكلاهما عن إبراهيم الكرخي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٤٨ ح ٨ .

٤- المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٦٨ ح ٣٧٦ ، المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٤٠ ح ٤٤١ ، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٦٨ ح ٥٨٠٣ ، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٥٨ ح ٢٥٩٣٣ .

٥- أَحْتَشِمُ: أَي أَسْتَحِي وَأَنْقُبُضُ (النهاية: ج ١ ص ٣٩١ «حشم»).

٦- الكافي: ج ٦ ص ٢٧٦ ح ٢ ، المحاسن: ج ٢ ص ١٨٥ ح ١٥٣٢ كلاهما عن جميل بن درّاج ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٥٣ ح ١٣ .

٧- الرَّكْوَةُ: هِيَ دَلْوٌ صَغِيرَةٌ (المصباح المنير: ص ٢٣٨ «الرَّكْوَةُ»).

٨- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٥٣ ح ٢٠٣ عن عبد العظيم الحسني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٢١ ص ٣٢ ح ٨ وراجع: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٥٣ والمعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٣٥ ح ٦٠٨٥ .



ص: ۱۴۵

**۵ / ۵ پذیرش مهمانیِ مشرک ، منافق و فاسق****۵ / ۶ واداشتن میزبان به تکلف و تشریفات**

۵ / ۵ پذیرش مهمانیِ مشرک ، منافق و فاسقیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر مشرکی یا منافقی مرا به [خوردن] شتری هم مهمانی کند ، دعوتش را نمی پذیرم و این ، از دین است . خداوند عز و جل به من رضایت نداده است که عطای مشرکان و منافقان و خوراک آنان را بپذیرم !

المعجم الکبیر به نقل از عمران بن حصین : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از پذیرفتن مهمانیِ فاسقان نهی فرمود .

۵ / ۶ واداشتن میزبان به تکلف و تشریفات امام صادق علیه السلام : مؤمن ، از برادرش رو در بایستی ندارد و معلوم نیست که کدام یک عجیب ترند: آن که هرگاه بر برادرش وارد می شود ، او را ناچار می سازد که برایش به زحمت بیفتد؟ یا آن که خودش را برای برادرش به سختی می اندازد؟

امام زین العابدین علیه السلام : روزی سلمان ، ابو ذر را به مهمانی فرا خواند . آن گاه تکه نان خشکی از کیسه اش درآورد و آن را از ظرف آبی که داشت ، خیس کرد و جلوی ابو ذر گذاشت . ابو ذر گفت: چه نان خوش مزه ای می شد ، اگر قدری نمک هم با آن بود! سلمان برخاست و بیرون رفت و ظرف آبش را گرو گذاشت و نمک گرفت و آورد . ابو ذر ، نمک بر آن نان می پاشید و می خورد و می گفت: سپاس خدایی را که این قناعت ، روزی ما کرد ! سلمان گفت: اگر قناعتی بود ، ظرف آبم به گرو نمی رفت!

ص: ۱۴۶

۵ / ۷ استتباع الغیر رسول الله صلى الله عليه و آله : إذا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يَسْتَتِيعَنَّ وَلَدَهُ ، فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَرَامًا وَدَخَلَ عَاصِيًا . (۱)

دعائم الإسلام: نهى [رسول الله صلى الله عليه و آله] أن يطعم الرجل غيره من طعام قد دُعِيَ إليه ، إلا أن يؤذن له في ذلك . (۲)

مكارم الأخلاق فى نهى النبى صلى الله عليه و آله عن الدخول على طعام بلا دعوه : دعاه صلى الله عليه وآله قوم من أهل المدينة إلى طعام صنعوه له ولأصحاب له خمساً ، فأجاب دعوتهم ، فلما كان فى بعض الطريق أدركهم سادس فمأشاهم ، فلما دنوا من بيت القوم ، قال صلى الله عليه وآله للرجل السادس : إن القوم لم يدعوك ، فاجلس حتى نذكر لهم مكانك ، ونستأذنهم بك . (۳)

- ۱- المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۱۵۱۵ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج ۶ ص ۲۷۰ ح ۱ ، تهذيب الأحكام : ج ۹ ص ۹۲ ح ۳۹۷ كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۴۵ ح ۳ .
- ۲- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۸ ح ۳۴۹ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۰۶ ح ۱۹۶۰۶ .
- ۳- مكارم الأخلاق : ج ۱ ص ۶۰ ح ۵۴ ، بحار الأنوار : ج ۱۶ ص ۲۳۶ .

ص: ۱۴۷

**۵ / ۷ دیگری را همراه بردن**

۷ / ۵ دیگری را همراه بردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد، فرزندش را هم به دنبال خود راه نیندازد؛ که اگر چنین کند، مرتکب حرام شده و با نافرمانی، وارد [مهمانی] شده است.

دعائم الإسلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که کسی، غیر خود را از غذایی که به آن دعوت شده است، بخوراند، مگر آن که به او اجازه این کار داده شود.

مکارم الأخلاق در نهی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله از بی دعوت به مهمانی رفتن: یکی از خانواده های مدینه، غذایی درست کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله و پنج تن از یارانش را دعوت نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله دعوتشان را پذیرفت. در بین راه، نفر ششمی به آنها رسید و همراهشان شد. نزدیک منزل آن خانواده که رسیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله به آن نفر ششم فرمود: « اینها تو را دعوت نکرده اند. پس بنشین تا آمدن تو را به آنها خبر بدهیم و برایت اجازه بگیریم ».

ص: ١٤٨

صحيح البخارى عن أبى مسعود: جاء رجلٌ من الأنصارِ يُكْنَى أبا شُعَيْبٍ ، فقالَ لِغُلامٍ لَهُ فَصَابٌ : اجْعَلْ لى طعاما يكفى خَمْسَةً ، فَأِنّى أريدُ أن أدعُو النَّبىَّ صلى الله عليه و آله خامِسَ خَمْسِهِ ، فَأِنّى قد عَرَفْتُ فى وَجْهِهِ الجُوعَ ، فدَعاهُم فَجاءَ مَعَهُم رَجُلٌ . فقالَ النَّبىُّ صلى الله عليه و آله : إنَّ هذا قد تَبِعنا ، فَإِنْ شِئتَ أن تأدِّنَ لَهُ فَادِّنْ لَهُ ، وَإِنْ شِئتَ أن يَرَجِعَ رَجِعَ . فقالَ : لا ، بل قد أذِنْتُ لَهُ . (١)

راجع : ص ١٣٦ (ما لا ينبغى للضيف / الحضور فى ضيافته الآخرين من دون دعوه) .

٥ / ٨ الصَّوْمُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ الْمُضَيَّفِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا ضَافَ أَحَدُكُمْ بِقَوْمٍ ، فَلَا يَصُومَنَّ إِلَّا بِإِذْنِهِمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ فِقْهِ الضَّيْفِ أَلَّا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ ... وَإِلَّا كَانَ الضَّيْفُ جَاهِلًا . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بِلَدَةٍ فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ بِهَا مِنْ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرَحَلَ عَنْهُمْ وَلَا يَتَّبِعِ لِلضَّيْفِ أَنْ يَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِمْ ؛ لِنَلَّا يَعْمَلُوا الشَّيْءَ فَيُفْسِدَ عَلَيْهِمْ ، وَلَا يَتَّبِعِ لَهُمْ أَنْ يَصُومُوا إِلَّا بِإِذْنِ الضَّيْفِ ؛ لِنَلَّا يَحْتَشِمُهُمْ فَيَشْتَهَى الطَّعَامَ ، فَيَتْرُكُهُ لَهُمْ . (٥)

١- صحيح البخارى : ج ٢ ص ٧٣٣ ح ١٩٧٥ ، صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٦٠٨ ح ١٣٨ ، سنن الترمذى : ج ٣ ص ٤٠٥ ح ١٠٩٩ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٧٢ ح ٢٥٩٨٥ .

٢- كنز العمال : ج ٩ ص ٢٥١ ح ٢٥٨٩٤ .

٣- الكافى : ج ٤ ص ٨٦ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٤ ص ٢٩٦ ح ٨٩٥ ، تفسير القمى : ج ١ ص ١٨٧ وليس فيه «تطوعا» وكلها عن الزهرى عن الإمام زين العابدين ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٢٦١ ح ١ .

٤- الكافى : ج ٤ ص ١٥١ ح ٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٥٥ ح ٢٠١٤ كلاهما عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام ، علل الشرائع : ص ٣٨٥ ح ٤ عن الحكم بن عتيب الكرابيس عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٢٦٥ ح ١١ .

٥- الكافى : ج ٤ ص ١٥١ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٠١٣ ، علل الشرائع : ص ٣٨٤ ح ٢ كلها عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٤٦٢ ح ١ .

ص: ۱۴۹

**۵ / ۸ روزه مستحبی گرفتن ، مگر با اجازه میزبان**

صحیح البخاری به نقل از ابو مسعود : مردی از انصار ، ملقب به ابو شعیب آمد و به غلامش که قصاب بود گفت : برایم غذایی به اندازه پنج نفر درست کن ؛ چون می خواهم با پیامبر صلی الله علیه و آله ، پنج نفر را دعوت کنم ؛ چرا که در چهره ایشان گرسنگی می بینم . پس آنها را دعوت کرد ؛ اما یک نفر دیگر هم با آنها آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « این هم به دنبال ما آمد . اگر اجازه می دهی بماند ، وگرنه برگردد » . ابو شعیب گفت : نه ، اجازه می دهم .

ر . ک : ص ۱۳۷ (آنچه شایسته مهمان نیست / شرکت کردن بدون دعوت در مهمانی دیگران) .

۵ / ۸ روزه مستحبی گرفتن ، مگر با اجازه میزبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما مهمان قومی شد ، نباید روزه بگیرد ، مگر با اجازه آنها .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس مهمان قومی شد ، نباید روزه مستحبی بگیرد ، مگر با اجازه آنها .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از فهمیدگی مهمان است که روزه مستحبی نگیرد ، مگر با اجازه میزبان . . . در غیر این صورت ، آن مهمان ، آدم نادانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه مردی وارد شهری شد ، مهمان ساکنان آن شهر از همدینان خویش است تا زمانی که از پیش آنان برود . و برای مهمان ، سزاوار نیست که روزه بگیرد ، مگر با اجازه میزبانان ، مبادا که غذایی درست کنند و خراب بشود . برای آنها نیز سزاوار نیست روزه بگیرند ، مگر با اجازه مهمان ، مبادا که مهمان از آنها خجالت بکشد و غذا بخواهد ؛ ولی به خاطر [رعایت حال] آنها ، از خوردن خودداری کند .

ص: ۱۵۰

۵ / ۱۹ احتقار ما یقرب إلیه رسول الله صلی الله علیه و آله : من احتقر ما یقرب إلیه أخوه ، لم یزل فی مکت الله یومه ولیلته . (۱)

عنه صلی الله علیه و آله : هلاک بالقوم أن یحتقروا ما قدم إلیهم . (۲)

عنه صلی الله علیه و آله : کفی بالمرء شرا أن یتسخط ما قرب إلیه . (۳)

عنه صلی الله علیه و آله : کفی بالمرء سرفا أن یسخط ما قرب إلیه . (۴)

الإمام الصادق علیه السلام : هلاک بالمرء المسلم أن یرج إلیه أخوه ما عنده فیستقله . (۵)

الکافی عن صفوان بن یحیی : جاءنی عبد الله بن سیمان فقال : هل عندک شیء؟ قلت : نعم . فبعثت ابنی فأعطیته درهما یشتري به لحما وبيضا ، فقال لی : أين أرسلت ابنک؟ فأخبرته . فقال : رده رده ، عندک زيت؟ قلت : نعم ، قال : هاته ، فإنی سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول : هلاک امرؤ احتقر لأخیه ما یحضره ، وهلاک امرؤ احتقر لأخیه ما قدم إلیه . (۶)

۱- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۰۶ ح ۳۴۱ ، مستدرک الوسائل : ج ۱۶ ص ۲۳۹ ح ۱۹۷۲۵ .

۲- مسند ابن حنبل : ج ۵ ص ۱۶۳ ح ۱۴۹۸۹ ، السنن الكبرى : ج ۷ ص ۴۵۶ ح ۱۴۶۲۴ ، شعب الإيمان : ج ۷ ص ۹۶ ح ۹۶۰۷ کلها عن جابر ، کنز العمال : ج ۹ ص ۲۷۱ ح ۲۵۹۸۲ .

۳- شعب الإيمان : ج ۵ ص ۸۵ ح ۵۸۷۲ ، مسند أبی یعلی : ج ۲ ص ۳۷۹ ح ۱۹۷۶ ، مسند الشهاب : ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۱۳۲۱ کلها عن جابر بن عبد الله ، کنز العمال : ج ۱۵ ص ۲۸۵ ح ۴۱۰۲۲ .

۴- المحاسن : ج ۲ ص ۲۲۴ ح ۱۶۷۳ ، بحار الأنوار : ج ۶۶ ص ۳۰۶ ح ۲۵ .

۵- المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۵۳۶ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۳ ح ۱۶ .

۶- الکافی : ج ۶ ص ۲۷۶ ح ۳ ، المحاسن : ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۵۳۵ ، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۳ ح ۱۵ .

ص: ۱۵۱

**۵ / ۹ ناچیز شمردن امکانات میزبان**

۵ / ۹ ناچیز شمردن امکانات میزبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آنچه را که برادرش جلوی او می گذارد، کوچک بشمارد، پیوسته شب و روزش در خشم خداست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هلاک باد آن قومی که آنچه را در برابرشان نهاده می شود، کوچک و بی مقدار می شمارند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بدی آدمی، همین بس که از آنچه در برابرش می نهند، ناراضی باشد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اسرافکاری آدمی، همین بس که از آنچه جلوی او می گذارند، ناراحت شود!

امام صادق علیه السلام: هلاک باد آن مرد مسلمانی که برادرش آنچه را دارد، برایش می آورد، اما او آن را اندک می شمارد!

الکافی به نقل از صفوان بن یحیی: عبد الله بن سنان به خانه ام آمد و گفت: آیا در خانه، چیزی [برای خوردن] داری؟ گفتم: آری. سپس یک درهم به پسر دادم و او را فرستادم که گوشت و تخم مرغ بخرد. عبد الله گفت: پسرت را کجا فرستادی؟ موضوع را به او گفتم. عبد الله گفت: او را باز گردان، او را باز گردان! روغن در خانه داری؟ گفتم: آری. گفت: همان را بیاور؛ زیرا از امام صادق علیه السلام شنیده ام که می فرماید: «هلاک است مردی که آنچه را جلوی برادرش می گذارد، ناقابل شمارد! و هلاک است مردی که آنچه را برادرش جلوی او می گذارد، ناقابل شمارد».

ص: ١٥٢

راجع: ص ٨٦ (ما لا ینبغی للمضیف / استقلال ما عنده للضیف).

٥ / ١٠ الفحص عن حلیته الطعام رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دخلت على أخيك المسلم فأطعمك طعاما فكل ولا تسأله، وإذا سقاك شرابا فاشربه ولا تسأله. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا دخل أحدكم على أخيه المسلم فأطعمه طعاما فليأكل من طعامه ولا يسأله عنه، فإن سقاها شرابا من شرابه فليشرب من شرابه ولا يسأله عنه. (٢)

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ١٤٠ ح ٧١٦١، مسند أبی یعلی: ج ٦ ص ٢٧ ح ٦٣٢٨ نحوه وکلاهما عن أبی هریره، المصنف لابن أبی شیبہ: ج ٥ ص ٥٥٥ ح ٢ عن أبی هریره من دون إسناد إلى النبى صلى الله عليه وآله وزاد فى ذيله «فإن رابك منه شيء فشجه بالماء»، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٥١ ح ٢٥٨٩٣.

٢- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٦٠ ح ٩١٩٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ١٤٠ ح ٧١٦٠، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٥٠ ح ٢٤٤٠، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٦٧ ح ٥٨٠١ نحوه وکلها عن أبی هریره، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٥٩ ح ٢٥٩٣٨.



ص: ۱۵۳

**۵ / ۱۰ پرس و جو در باره حلال بودن غذا**

ر . ک : ص ۸۷ (آنچه شایسته میزبان نیست / ناقابل شمردن امکانات پذیرایی) .

۵ / ۱۰ پرس و جو در باره حلال بودن غذا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه بر برادر مسلمانان وارد شدی و غذایی به تو داد ، بخور و از [حلال بودن] آن مپرس و هرگاه نوشیدنی به تو داد، آن را بنوش و در باره [حلال بودن] آن پرس و جو مکن .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما بر برادر مسلمانش وارد شد و به او غذایی داد، باید از غذایش بخورد و در باره آن از او نپرسد و اگر نوشیدنی به او نوشاند ، از نوشیدنی اش بنوشد و در باره [حلال بودن] آن ، از او پرس و جو نکند.

ص: ۱۵۴

..

## فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ ۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م ۶۲۰ ق )، تحقیق: إبراهيم البهادری ومحمد هادی به، تهران: دار الأسوه، ۱۴۱۳ ق، اول. ۲. الاختصاص، المنسوب إلى محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق )، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، چهارم. ۳. الإخوان، عبد الله بن محمد القرشی (ابن أبی الدنيا) (م ۲۸۱ ق )، تحقیق: محمد عبد الرحمان طوالبه، قاهره: دار الاعتصام، ۱۹۸۸ م. ۴. الأدب الإملاء و الاستملاء، عبد الکریم بن محمد السمعانی (م ۵۶۲ ق )، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۱ ق، اول. ۵. الأدب المفرد، محمد بن إسماعیل البخاری (م ۲۵۶ ق )، تحقیق: محمد بن عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه. ۶. ارشاد القلوب، الحسن بن أبی الحسن الدیلمی (م ۷۱۱ ق )، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۸ ق، چهارم. ۷. أسد الغابه فی معرفه الصحابه، علی بن أبی الکریم محمد الشیبانی (ابن الأثیر الجزری) (م ۶۳۰ ق )، تحقیق: علی محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق، اول.

ص: ۱۵۶

۸. الإصابه فی تمييز الصحابه ، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق ) ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض ، بيروت : دار الكتب العلمیه ، ۱۴۱۵ ق ، أول . ۹. الأصول الستة عشر ، عدّه من الرواه ، قم : دار الشبستری ، ۱۴۰۵ ق ، دوم .
۱۰. الأمالی ، محمد بن الحسن الطوسی (الشيخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق ) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : دار الثقافة ، ۱۴۱۴ ق ، أول . ۱۱ .
- الأمالی ، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشيخ المفید) (م ۴۱۳ ق ) ، تحقيق : حسين أستاذ ولی و علی أكبر الغفاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۰۴ ق ، دوم . ۱۲ . الأمالی ، محمد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : مؤسسه البعثه ، ۱۴۰۷ ق ، أول . ۱۳ . الإمامه و التبصره من الحيره ، علی بن الحسين ابن بابويه القمّي (الصدوق الأول) (م ۳۲۹ ق ) ، تحقيق : محمد رضا الحسينی ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۰۷ ق ، أول . ۱۴ . امثال وحکم ، علی اکبر دهخدا (م ۱۳۲۴ ش) ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۳۸ ۱۳۳۹ ش . ۱۵ . بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (العلّامه المجلسی) (م ۱۱۱۱ ق ) ، بيروت : مؤسسه الوفاء ، ۱۴۰۳ ق ، دوم . ۱۶ . تاریخ اصبهان ، أحمد بن عبد الله الإصفهانی (أبو نعیم) (م ۴۳۰ ق ) ، تحقيق : سيد كسروی حسن ، بيروت : دار الكتب العلمیه .

ص: ۱۵۷

۱۷. تاریخ بغداد؟ و مدینه السلام، أحمد بن علی الخطیب البغدادی (م ۴۶۳ ق )، مدینه: المكتبه السلفیة. ۱۸. تاریخ دمشق، علی بن الحسن بن هبه الله الدمشقی (ابن عساکر) (م ۵۷۱ ق )، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق، اول. ۱۹. التاريخ الكبير، محمد بن إسماعيل البخاری (م ۲۵۶ ق )، بیروت: دار الفکر. ۲۰. تاریخ یعقوبی، أحمد بن أبي يعقوب (ابن واضح یعقوبی) (م ۲۸۴ ق )، بیروت: دار صادر. ۲۱. تأویل الآيات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره (کنز جامع الفوائد)، علی الغروی الحسینی الإسترآبادی (م ۹۴۰ ق )، تحقیق: مدرسه الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ ق، اول. ۲۲. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله، الحسن بن علی الحزّانی (ابن شعبه) (م ۳۸۱ ق )، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق، دوم. ۲۳. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود السُّلمی السمرقندی (العیاشی) (م ۳۲۰ ق )، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلّاتی، تهران: المكتبه العلمیة، ۱۳۸۰ ق، اول. ۲۴. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن إبراهیم الکوفی (ق ۴ ق)، به کوشش: محمد کاظم المحمودی، تهران: وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ ق، اول. ۲۵. تفسیر القمّی، علی بن إبراهیم القمّی (م ۳۰۷ ق )، به کوشش: السید طیب الموسوی الجزائری، نجف: مطبعه النجف الأشرف.

۲۶. التفسیر المنسوب الی الاءمام العسکری علیه السلام ، تحقیق : مدرسه الإمام المهدی (عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدی (عج) ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۲۷. تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام) ، ورام بن أبی فراس الحمدان (م ۶۰۵ ق ) ، بیروت : دار التعارف و دار صعب . ۲۸. تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه ، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق ) ، بیروت : دار التعارف ، ۱۴۰۱ ق ، اول . ۲۹. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال ، یونس بن عبد الرحمان المزی (م ۷۴۲ ق ) ، تحقیق : بشار عواد معروف ، بیروت : مؤسسه الرساله ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۳۰. جامع الأحادیث ، جعفر بن أحمد القمّی (ابن الرازی) (ق ۴ ق) ، تحقیق : السید محمد الحسینی النیسابوری ، مشهد : مؤسسه الطبع و النشر التابعه للحضره الرضویّه المقدّسه ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۳۱. جامع الأخبار؟ و معارج الیقین فی أصول الدین ، محمّد بن محمد الشّعیری السبزواری (ق ۷ ق) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۳۲. الجعفریات (الأشعثیات) ، محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (ق ۴ ق) ، تهران : مكتبه نینوی (طبع شده به ضمیمه : قرب الإسناد) . ۳۳. حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء ، أحمد بن عبد الله الأصبهانی (أبو نعیم) (م ۴۳۰ ق ) ، بیروت : دار الكتاب العربی ، ۱۳۸۷ ق ، دوم . ۳۴. الخرائج و الجرائح ، سعید بن هبه الله الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م ۵۷۳ ق ) ، تحقیق : مؤسسه الإمام المهدی (عج) ، قم : مؤسسه الإمام المهدی (عج) ، ۱۴۰۹ ق ، اول .

ص: ۱۵۹

۳۵. الخصال ، محمد بن علی ابن بابویه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، چهارم . ۳۶ .  
دانش نامه میزان الحکمه ، محمد ری شهری ، قم : دار الحديث ، اول . ۳۷ . درر واللالی من مجالس الأمالی ، من تراث ثقة الشيعة  
الشيخ الصدوق ، فقيه الشيعة الشيخ المفيد ، علم الشيعة الشيخ الطوسي ، تحقيق : محسن عقيل ، قم : دار الكتاب الاسلامی ، ۱۴۲۵ ق  
۳۸ . الدر المنثور فى التفسير المأثور ، عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م ۹۱۱ ق ) ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۳۹ .  
دعائم الاسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، النعمان بن محمد التميمى المغربى (القاضى أبو حنيفه) (م ۳۶۳ ق ) ،  
تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، مصر : دار المعارف ، ۱۳۸۹ ق ، سوم . ۴۰ . الدعوات ، سعيد بن هبه الله الراوندى (قطب  
الدين الراوندى) (م ۵۷۳ ق ) ، تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي (عج) ، قم : مؤسسه الإمام المهدي (عج) ، ۱۴۰۷ ق ، اول . ۴۱ . الديوان  
المنسوب االى الإمام على عليه السلام ، محمد بن حسن الكيدرى ، تحقيق : أبو القاسم الإمامى ، تهران : اسوه ، ۱۳۷۵ ش ، دوم . ۴۲ .  
ربيع الأبرار و نصوص الأخبار ، محمود بن عمر الزمخشري (م ۵۳۸ ق ) ، تحقيق : سليم النعیمی ، قم : منشورات الشريف الرضى ،  
۱۴۱۰ ق ، اول . ۴۳ . روضه الواعظین ، محمد بن الحسن الفتال النيسابورى (م ۵۰۸ ق ) ، تحقيق : حسين الأعلمی ، بيروت : مؤسسه  
الأعلمی ، ۱۴۰۶ ق ، اول .

ص: ۱۶۰

۴۴. الزهد، هناد بن السرى الكوفى (م ۲۴۳ ق)، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الجبار الفريوانى، صباحيه: دار الخلفاء، ۱۴۰۶ ق، اول.

۴۵. الزهد، أحمد بن محمد الشيبانى (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق)، بيروت: دار الكتب العلميه. ۴۶. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى (ابن ماجه) (م ۲۷۵ ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث، ۱۳۹۵ ق، اول. ۴۷. سنن ابى داوود، سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي (م ۲۷۵ ق)، تحقیق: محمد محيى الدين عبد الحميد، بيروت: دار إحياء السنه النبويه.

۴۸. سنن الترمذى (الجامع الصحيح)، محمد بن عيسى الترمذى (أبو عيسى) (م ۲۷۹ ق)، تحقیق: أحمد محمد شاکر، بيروت: دار إحياء التراث. ۴۹. سنن الدارمى، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمى (م ۲۵۵ ق)، تحقیق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق، اول. ۵۰. السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقى (م ۴۵۸ ق)، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ ق، اول. ۵۱. السنن الكبرى، أحمد بن شعيب النسائى (م ۳۰۳ ق)، تحقیق: عبد الغفار سليمان البندارى، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۱ ق، اول. ۵۲. سنن النسائى بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشيه الاءمام السندي، أحمد بن شعيب النسائى (م ۳۰۳ ق)، بيروت: دار الجيل، ۱۴۰۷ ق، اول. ۵۳. شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقى (م ۴۵۸ ق)، تحقیق: محمد السعيد بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۰ ق، اول.



ص: ۱۶۱

۵۴. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبید اللّٰه بن عبد اللّٰه النیسابوری (الحاکم الحسّی کانی) (ق ۵ ق )، تحقیق: محمّد باقر المحمودی، تهران: مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱ ق، اول. ۵۵. الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیّه)، إسماعیل بن حمّاد الجوهری (م ۳۹۸ ق )، تحقیق: أحمد بن عبد الغفور عطّار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق، چهارم. ۵۶. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمّد بن أحمد بن حبان (م ۳۵۴ ق)، ترتیب: علی بن بلبان الفارسی (م ۷۳۹ ق )، تحقیق: شعیب الأرئووط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق، دوم. ۵۷. صحیح البخاری، محمّد بن إسماعیل البخاری (م ۲۵۶ ق )، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۰ ق، چهارم. ۵۸. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری (م ۲۶۱ ق )، تحقیق: محمّد فؤاد عبد الباقي، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۲ ق، اول. ۵۹. الطبقات الکبری، محمّد بن سعد (کاتب الواقدی) (م ۲۳۰ ق )، بیروت: دار صادر. ۶۰. علل الشرائع، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق )، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۰۸ ق، اول. ۶۱. عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الیدیّیه، محمّد بن علی الأحسانی (ابن أبی جمهور) (م ۹۴۰ ق )، تحقیق: مجتبی العراقی، قم: مطبعه سیّد الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳ ق، اول.

ص: ۱۶۲

۶۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق )، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: جهان. ۶۳. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمّد الیثی الواسطی (ق ۶ ق )، تحقیق: حسین الحسنی البیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش، اول. ۶۴. الغارات، ابراهیم بن محمّد (ابن هلال الثقفی) (م ۲۸۳ ق )، تحقیق: میر جلال الدین المحدث الأرموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ ق، اول. ۶۵. غرر الحکم ودرر الکلم، عبد الواحد الأمدی التمیمی (م ۵۵۰ ق) = ترجمه و شرح غرر الحکم. ۶۶. فتح الباری شرح صحیح البخاری، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق )، تحقیق: عبد العزیز بن عبد الله بن باز، بیروت: دار الفکر، ۱۳۷۹ ق، اول. ۶۷. الفردوس بمأثور الخطاب، شیرویه بن شهردار الدیلمی الهمدانی (م ۵۰۹ ق )، تحقیق: محمّد السعید بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق، اول. ۶۸. فص الخواتم فیما قیل فی الولاثم، شمس الدین محمّد بن علی بن طولون دمشقی الصالحی (م ۹۵۳ ق)، تحقیق: نزار اباطه، دمشق: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق. ۶۹. فقه الرضا (الفقه المنسوب الی الإمام الرضا علیه السلام)، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، اول. ۷۰. قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر الحمیری القمّی (م بعد از ۳۰۴ ق )، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق، اول.

ص: ۱۶۳

۷۱. قرئ الضیف ، ابو بکر عبد الله محمّد بن سفیان بن أبی الدنيا القرشی البغدادي (م ۲۸۱ ق) ، تحقیق : عبد الله بن حمد المنصور ، ریاض : أضواء السلف ، ۱۴۱۸ ق . ۷۲. قصص الأنبياء ، سعيد بن هبه الله (قطب الدين الراوندي) (م ۵۷۳ ق) تحقیق : غلامرضا عرفانیان ، مشهد : مجمع البحوث الإسلامیة التابع لمؤسسه الأستانه الرضویة ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۷۳. الکافی ، محمّد بن یعقوب الکلینی الرازی (م ۳۲۹ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، بیروت : دار صعب و دار التعارف ، ۱۴۰۱ ق ، چهارم . ۷۴. کتاب من لا یحضره الفقیه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، دوم . ۷۵. کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه ، علی بن عیسی الاربلی (م ۶۸۷ ق) ، تصحیح : السید هاشم الرسولی المحلّاتی ، بیروت : دار الکتاب ، ۱۴۰۱ ق ، اول . ۷۶. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال ، علی المتّقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق) ، تصحیح : صفوه السقا ، بیروت : مکتبه التراث الإسلامی ، ۱۳۹۷ ق ، اول . ۷۷. لبّ اللباب ، محمّد جعفر شریعتمدار الإسترآبادی (م ۱۲۶۳ ق) ، تحقیق : محمّد حسین مولوی (منتشر شده در : میراث حدیث شیعه ، دفتر دوم ، قم : دارالحدیث ، ۱۳۷۸ ش) . ۷۸. لسان العرب ، محمّد بن مُکَرَّم المصری الأنصاری (ابن منظور) (م ۷۱۱ ق) ، بیروت : دار صادر ، ۱۴۱۰ ق ، اول .

ص: ۱۶۴

۷۹. لغت نامه ، علی اکبر دهخدا و دیگران ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۷۳ ش . ۸۰ . مجمع البحرين ، فخر الدین الطُّرَّیحی (م ۱۰۸۵ ق ) ، تحقیق : السید أحمد الحسینی ، تهران : مکتبه نشر الثقافه الإسلامیّه ، ۱۴۰۸ ق ، دوم . ۸۱ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان) ، الفضل بن الحسن الطُّبرسی (أمنین الإسلام) (م ۵۴۸ ق ) ، تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی ، بیروت : دار المعرفه ، ۱۴۰۸ ق ، دوم . ۸۲ . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقی القمیّ (م ۲۸۰ ق ) ، تحقیق : السید مهدی الرجائی ، قم : المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۸۳ . المحجّه البیضاء فی تهذیب الإحیاء ، محمّد محسن بن شاه مرتضی (الفیض الکاشانی) (م ۱۰۹۱ ق ) ، تصحیح : علی أكبر الغفاری ، قم : جماعه المدرّسین فی الحوزه العلمیه ، ۱۳۸۳ ق . ۸۴ . مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (العلّامه المجلسی) (م ۱۱۱۱ ق ) ، تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی ، تهران : دار الکتب الإسلامیّه ، ۱۳۷۰ ش ، سوم . ۸۵ . مسائل علی بن جعفر ومستدرکاتها ، علی بن جعفر الحسینی العلوی الهاشمی العریضی (م ۲۱۰ ق ) تحقیق : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۸۶ . المستدرک علی الصحیحین ، محمّد بن عبد الله الحاکم النیسابوری (م ۴۰۵ ق ) ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، ۱۴۱۱ ق ، اول . ۸۷ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، میرزا حسین النوری الطُّبرسی (م ۱۳۲۰ ق ) ، قم : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، ۱۴۰۷ ق ، اول .

ص: ۱۶۵

۸۸. مسند ابن جعد ، علی بن الجعد الجوهري (م ۲۳۰ ق) ، بیروت : مؤسسّه ناور ، ۱۴۱۰ ق . ۸۹. مسند ابی یعلی الموصلي ، أحمد بن علی التميمي الموصلي (أبو یعلی) (م ۳۰۷ ق) ، تحقیق : إرشاد الحقّ الأثری ، جدّه : دار القبلة ، ۱۴۰۸ ق ، أول . ۹۰. مسند أحمد بن حنبل ، أحمد بن محمّد الشيباني (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق) ، تحقیق : عبد الله محمّد الدرويش ، بیروت : دار الفكر ، ۱۴۱۴ ق ، دوم . ۹۱. مسند الحمیدی ، عبد الله بن الزبير الحمیدی (م ۲۱۹ ق) ، تحقیق : حبيب الرحمان الأعظمی ، مدینه : المكتبة السلفیّه . ۹۲. مسند الشّهاب ، محمّد بن سلامه القضاعی (القاضي) (م ۴۵۴ ق) ، بیروت : مؤسسّه الرساله . ۹۳. مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، علی بن الحسن الطّبرسی (ق ۷ ق) ، تحقیق : مهدي هوشمند ، قم : دار الحديث ، ۱۴۱۸ ق ، أول . ۹۴. مصادقه الإخوان ، محمّد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق : مؤسسّه الامام المهدي (عج) ، قم : مدرسه الامام المهدي (عج) ، ۱۴۱۰ ق . ۹۵. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی ، أحمد بن محمّد الفيومي (م ۷۷۰ ق) ، قم : مؤسسّه دار الهجره ، ۱۴۱۴ ق ، دوم . ۹۶. المصنّف ، عبد الرزّاق بن همّام الصنعاني (م ۲۱۱ ق) ، تحقیق : حبيب الرحمان الأعظمی ، بیروت : منشورات المجلس العلمی . ۹۷. المصنّف فی الأحاديث و الآثار ، عبد الله بن محمّد العبسی الكوفي (ابن أبی شيبه) (م ۲۳۵ ق) ، تحقیق : سعيد محمّد اللّحّام ، بیروت : دار الفكر .

ص: ۱۶۶

۹۸. المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه ، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق ) ، تحقیق : حبیب الرحمان الأعظمی ، بیروت : دار المعرفه ، ۱۴۱۴ ق ، اول. ۹۹. المعجم الأوسط ، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق ) ، تحقیق : طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسینی ، قاهره : دار الحرمین ، ۱۴۱۵ ق . ۱۰۰. المعجم الكبير ، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق ) ، تحقیق : حمدی عبد المجید السلفی ، بیروت : دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۰۴ ق ، دوم . ۱۰۱. معجم مقاییس اللغه ، أحمد بن فارس الرازی (م ۳۹۵ ق) ، تحقیق : عبد السلام محمد هارون . مصر : شركه مكتبه مصطفى البابی و أولاده . ۱۰۲. مفردات الفاظ القرآن ، حسین بن محمد الراغب الإصفهانی (م ۴۲۵ ق ) ، تحقیق : صفوان عدنان داوودی ، بیروت : دار القلم ، ۱۴۱۲ ق ، اول. ۱۰۳. مكارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطبرسی (أمین الإسلام) (م ۵۴۸ ق ) ، تحقیق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، اول. ۱۰۴. مكارم الأخلاق ، عبد الله بن محمد القرشی (ابن أبی الدنيا) (م ۲۸۱ ق) ، بیروت : دار الكتب العلمیه ، ۱۴۰۹ ق . ۱۰۵. مكارم الأخلاق و معالیها و محمود طرائفها ، محمد بن جعفر الخرائطی (م ۳۲۷ ق) ، تحقیق : أمین عبد الجابر البحرى ، قاهره : دار الآفاق العربیه ، ۱۴۱۹ ق ، اول . ۱۰۶. مناقب آل ابي طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق ) ، قم : المطبعه العلمیه .

ص: ۱۶۷

۱۰۷. المنتخب من مسند عبد بن حُمَید ، عبد بن حُمَید (م ۲۴۹ ق ) ، تحقیق : السَّید صبحی البدری السامرائی ومحمود محمّد خليل الصعیدی ، قاهره : مكتبه السنّه ، ۱۴۰۸ ق ، اول. ۱۰۸. موارد الظمآن الى زوائد ابن حبان ، لنورالدين علي بن ابى بكر الهيثمي (م ۸۰۷) ، تحقیق : عبدالرزاق حمزه ، دارالكتب العلميه بيروت . ۱۰۹. النوادر ، فضل الله بن علي الحسنی الراوندى (م ۵۷۱ ق ) ، تحقیق : سعيد رضا على عسکری ، قم : دار الحديث ، ۱۳۷۷ ش ، اول. ۱۱۰. النوادر (مستطرفات السرائر) ، محمّد بن أحمد بن إدريس الحلّی (ابن إدريس) (م ۵۹۸ق) ، تحقیق : مؤسسه الإمام المهدي (عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدي (عج) ۱۴۰۸ق ، اول. ۱۱۱. النهایه فی غریب الحديث و الأثر ، مبارک بن محمّد الجَزَرى (ابن الأثیر) (م ۶۰۶ ق ) ، تحقیق : طاهر أحمد الزاوی ، قم : مؤسسه إسماعیلیان ، ۱۳۶۷ ش ، چهارم . ۱۱۲. نهج البلاغه من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، جمع و تدوین : السَّید محمّد بن الحسين الموسوی (الشریف الرضی) (م ۴۰۶ ق) ، ترجمه : سَید جعفر شهیدی ، تهران : علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۸ش ، چهاردهم . ۱۱۳. الوافی ، محمّد محسن بن شاه مرتضى الكاشانى (الفيض الكاشانى) (م ۱۰۹۱ ق) ، تحقیق : ضياء الدين حسين اصفهانی ، اصفهان : مكتبه الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، ۱۴۰۶ ق . ۱۱۴. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملي (م ۱۱۰۴ ق ) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۰۹ ق ، اول.

ص: ۱۶۸

فهرست تفصیلی .



ص: ۱۶۹

..

ص: ۱۷۰

..

ص: ۱۷۱

..



## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

